

www.imammahdi313.com



موعود

در آئین اسلام و مسیحیت

موسی جوانشیر

بسم الله الرحمن الرحیم

موعود در آيين اسلام و مسيحيت

نويسنده:

موسى جوانشير

ناشر چاپى:

بنياد فرهنگى حضرت مهدى موعود (عليه السلام)

ناشر ديجيتالى:

مركز تحقيقات رايانه‌اى قائميه اصفهان

فهرست

موعود در آیین اسلام و مسیحیت

مشخصات کتاب

سرشناسه: جوانشیر، موسی، ۱۳۵۱-

عنوان و نـام پدیـدآور:موعود در آیین اسـلام و مسـیحیت/ موسـی جوانشـیر؛ [برای] حوزه علمیه قم، مرکز تخصصـی امـامت و مهدویت

مشخصات نشر:قم: موسسه بنیاد فرهنگی مهدی موعود (عج)، ۱۳۹۱.

مشخصات ظاهری:۲۶۴ ص.

شابک:۹۷۸-۶۰۰-۶۲۶۲-۷۳-۴

وضعیت فهرست نویسی:فیپا

موضوع:موعودگرایی

موضوع:مهدویت

موضوع:مسیح موعود

موضوع:اسلام و مسیحیت ـ ـ مطالعات تطبیقی

شناسه افزوده:بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف، مرکز تخصصی امامت و مهدویت

رده بندی کنگره:۱۳۹۱ ۸م ۹ج/۲/ ۲۲۴ BP

رده بندی دیویی:۴۶۲/۲۹۷

شماره کتابشناسی ملی:۳۰۱۸۴۴۴

ص:۱

اشاره

موعود در آیین اسلام و مسیحیت

موسی جوانشیر

موعود در آیین اسلام و مسیحیت

مؤلف: موسی جوانشیر

ناشر: انتشارات بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود(عج)

نوبت چاپ: اول/ ۹۱

شابک: ۵-۶۳-۶۲۶۲-۶۰۰-۹۷۸

شمارگان: نسخه

قیمت: تومان

- قم: انتشارات بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود(عج)، مرکز تخصصی مهدویت/ خیابان شهدا/ کوچه آمار (۲۲)/ بن بست شهید علیان/ ص.پ: ۱۱۹- ۳۷۱۳۵/ همراه: ۰۹۱۰۹۶۷۸۹۱۱/ تلفن: ۷۷۳۷۸۰۱/ فاکس: ۷۷۳۷۱۶۰

- تهران: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود(عج)/ تلفن: ۸۸۹۵۹۰۴۹/ فاکس: ۸۸۹۸۱۳۸۹/ ص.پ:۳۵۵-۱۵۶۵۵

- www.imammahdi-s.com m info@imammahdi-s.com

با قدردانی و تشکر از همکارانی که در تولید این اثر نقش داشته اند:

اعضای محترم شورای کتاب حجج اسلام مجتبی کلباسی، محمدصابر جعفری، مهدی یوسفیان، محمدرضا فؤادیان و آقایان احمد مسعودیان (مدیر داخلی)، عبدا... شریفی (مدیر فروش)، مرتضی دانش طلب (مدیر مالی)، رضا فریدی (صفحه آرا)، عباس فریدی (طراح جلد) و کلیه کسانی که ما را یاری نمودند.

مدیر مسئول انتشارات بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود(عج)

حسین احمدی

۰۹۲۴۱-۳

بسم الله الرحمن الرحيم

فهرست مطالب

ص:۸

ص:۹

ص:۱۰

مقدمه

نجات بخشی، منجی باوری(۱)یا مسیحاشناسی(۲) از آموزه هایی است که در تمام ادیان و مذاهب و حتی در برخی مکاتب، نحله ها و مشرب های غیر مذهبی مطرح بوده و هست؛ کمتر موضوعی را می توان یافت که دامنه فراگیری آن همتای این موضوع باشد؛ چرا که پایان جهان (پایان یک مرحله از جهان وشروع مرحله ای دیگر) و چگونگی این سرانجام یکی از دغدغه های همیشگی بشر بوده و همیشه به دنبال جوابی قانع کننده و منطقی برای آن بوده است. سؤالاتی همچون «آینده چه خواهد شد؟»، «آخرالزمان چگونه به پایان خواهد رسید؟»، «آینده این بشر به کجا منتهی می شود؟» و سؤالاتی از این دست، اندیشمندان را واداشت تا جوابی منطقی برای این پرسش ها بیابند.

انتظار موعود در ادیان الهی امری فطری تلقی شده است.زبور داوود علیه السلام، کتب عهد قدیم حضرت موسی علیه السلام، کتاب زند زرتشت پیامبر، کتاب هندوان، عقاید بوداییان و دیگر مذاهب گوناگون به این مسئله اشاره کرده اند. مسیحیت و اسلام، دو دین بزرگ ابراهیمی و پیروان آن دو نیز به این مسئله بی توجه نبوده و اهمیت ویژه ای برای آن قائل شده اند و صریحا بدان اشاره کرده اند.

در «مقایسه شخصیت منجی شیعه با منجی مسیحیت» برآنیم تا

ص:۱۱

۱- mes.

۲- messianology.

به دور از هر گونه جانب داری، پیش داوری و تحمیل هرگونه ایـده و نظری، به شـکلی منطقی، منجیان این دو دین را مقایسـه کنیم.

پژوهش پیش رو در چهـار بخش ارائه می شود؛ بخش نخست، شامـل کلیـاتی است که به توضـیح واژگان و اصـطلاحاتی می پردازد که در این تحقیق مورد اسـتفاده قرار گرفته است. تبار و شخصـیت هر یک از دو منجی در بخش دوم بررسـی می شود. بخش سوم نیز به ارزیابی دو منجی از حیث گونه شناسـی اختصاص دارد و در بخش پایانی، کارکردهای دو منجی موعود بیان می شود.

در پایان لازم می دانم از راهنمایی های محققانه و بـذل توجه اساتید محترم، حجج اسـلام دکتر محراب صادق نیا (زید عزه) و رحیم کـارگر (زیـد عزه) تشکر و قـدردانی نمـایم؛ این دو بزرگوار، علی رغم مشـغله فراوان، نگارنـده را مورد لطف و عنایت خویش قرار داده و ارشـاد کرده انـد. همچنین از جناب حجت الاسـلام و المسـلمین حاج آقا کلباسـی (دامت برکاته) مـدیریت محترم مرکز تخصصـی مهـدویت و دیگر بزرگوارانی که مساعـدت کرده و سـبب به ثمر رسـیدن این اثر شدنـد به ویژه همسـر گرامیم نیز کمـال تقـدیر و تشـکر را دارم. امیـد است الطـاف و عنایـات خـاصه حضـرت بقیت الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف شامل حال همگان باشد و همواره مشمول دعای خیر آن عزیز غایب از نظر باشیم!

امیـد که مقبول نظر فرهیختگـان این عرصه قرار گیرد و با بیان موارد نقص و کاستی های این اثر، اسـباب تصـحیح آن را فراهم آورند!

موسی جوانشیر

پاییز ۱۳۹۱

ص:۱۲

بخش اول: کلیات

اشاره

مقدمه

۱- مفاهیم

۲- موعود گرایی

ص:۱۳

مقدمه

برای درک درست محتوای این کتاب، لازم است کلیاتی بیان شود که هم زمینه منطقی تحریر این اثر یادآوری و هم ذهن خواننده برای مطالعه آن آماده شود. در این بخش، واژگان و اصطلاحاتی را توضیح می دهیم که در این پژوهش مورد استفاده قرارگرفته است و ضروری است که خواننده محترم با آنها آشنا شود تا در مطالعه دچار سرگردانی نشود. این بخش، همچنین ما را با شمه ای از مسائل و موضوعات طرح شده در این نوشتار آشنا می سازد.

۱- مفاهیم

۱-۱. شیعه

شیعه در لغت به معنی پیروان، یاران و هواداران(۱) یا دوستان،

ص:۱۴

۱- صحاح، ج۳، ص ۱۲۴۰و ۱۲۴۱.

همراهان و همکاران(۱) است و به عبارت دیگر شیعه به پیروان و یاوران یک شخص گفته می شود و جمع آن «شِیَع» و «اشیاع» است و گفته می شود: از او پیروی کرد، همچنان که گفته می شود: با او موالات و همبستگی نمود.(۲) یعنی جماعتی که از فردی دیگر پیروی یا او را همراهی و با او همکاری می کنند.

اما در اصطلاح، وقتی شیعه گفته می شود، مقصود از آن عبارت است از:(۳)

۱. کسی که دوستدار علی علیه السلام و فرزندان اوست، به این اعتبار که آنان خاندان پیامبرند و خداوند در قرآن مودّت آنان را واجب ساخته و فرموده است: بگو از شما برای رسالت، مزدی نمی خواهم، مگر مهرورزی نسبت به نزدیکانم.(۴)

شیعه به این معنی، جز بر نواصب که دشمن علی علیه السلام و خاندان اویند، به همه مسلمانان گفته می شود.

۲. کسی که علی علیه السلام را بر عثمان یا بر همه خلفا برتری می دهد، با اعتقاد بر اینکه او چهارمین خلیفه است؛ و دلیل مقدم دانستن او روایات فراوانی است که درباره فضایل و مناقب او از پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده و

۱- مصباح المنیر، ص۳۲۹.

۲- لسان العرب، ج۸، ص۱۸۸، واژه «تشیّع».

۳- سیمای عقاید شیعه، صص۱۳-۱۴.

۴- « قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى»، (شوری، آیه ۲۳.)

اصحاب حدیث آن ها را در مجموعه های حدیثی خود آورده اند.

۳. کسی که از علی علیه السلام و فرزندان او پیروی می کند، به اعتبار این که آنان جانشینان پیامبرصلی الله علیه و آله و پیشوایان مردم پس از اویند و آن حضرت ایشان را به فرمان خدا برای این مقام نصب کرده و نام ها و ویژگی های آنان را یاد کرده است.

مراد ما، از معنای شیعه در این نوشتار همین معنای سوم است که به شیعه امامیه یا همان شیعه دوازده امامی معروفند. اینان معتقدند که امامت از اولاد علی خارج نیست و اگر امامت در غیر اولاد او باشد، «غصبی» است.

۱-۲. مسیحیت

مسیحیت دینی است که در فضایی یهودی متولد شد، بر بشارات قوم یهود تکیه زد و در محیط شریعت مدار یهود دوران کودکی را سپری کرد. بدین لحاظ تحلیل تاریخ شکل گیری مسیحیت بدون آشنایی با جغرافیا، فرهنگ و تحولات جامعه یهودی ممکن نیست. پس مسیحیت راستین شاخه ای از دین یهود و یا به تعبیر بهتر، استمرار دین واقعی یهود است.(۱) مسیحیت دینی است که می توان سرچشمه آن را از عیسای ناصری دنبال کرد. این دین با آمدن عیسی مسیح و تعالیم او به جهانیان عرضه شد. تا سال ۴۶ میلادی و پیش از آنکه شورای اورشلیم آن حکم سرنوشت ساز مبنی بر عمومیت پیام

۱- مسیحیت شناسی مقایسه ای، ص۵.

انجیل را صادر کند، مسیحیان خود را فرقه ای یهودی می دانستند و مثل یهودیان در کنیسه ها حاضر می شدند و مناسک ویژه خود را انجام می دادند.(۱) با مصلوب شدن عیسی علیه السلام (به اعتقاد مسیحیان) پیروان کم شمار او، با نومیدی و یأس به خانه های خود پناه بردند. اما با رستاخیز عیسی علیه السلام در روز سوم، این جماعت از خانه ها بیرون آمده و رساتر از گذشته، عیسی و آموزه هایش را تبلیغ کردند. از این تاریخ بود که مسیحیت خط خود را از یهود جدا کرده و به عنوان دینی مستقل به حیات خود ادامه داد.(۲)

۱-۳. تبارشناسی یا شخصیت شناسی

مقصود از تبارشناسی در این تحقیق، مفهوم شخصیت شناسی آن است که بیشتر به ویژگی های فردی و معرفی هر یک از دو منجی می پردازیم. براین اساس، تبار شناسی شامل مواردی چون تولد، آبا و اجداد، بشارت های قبل از تولد، القاب و کنیه های منجی می شود.

۱-۴. گونه شناسی منجی

منظور از گونه شناسی، بیان ماهیت و نوع منجی و چگونگی رفتار و کارکرد او است. به عبارت دیگر، منجی موعود ادیان مختلف، از

۱- صادق نیا، محراب، «گونه شناسی اندیشه منجی موعود در ادیان»، ص۲۲۱.

۲- صادق نیا، محراب، «گونه شناسی اندیشه منجی موعود در ادیان»، ص۲۲۳

جمله اسلام و مسیحیت، هر کدام دارای چهره و نوع خاصی است که نیازمند به تفکیک میان این دو منجی هستیم. گونه شناسی، این امر را برای ما محقق می سازد؛ یعنی با گونه شناسی منجی موعود مسیحیت و اسلام، می توانیم به تبیین مواردی همچون ماهیت موعود، ماهیت وعده، رسالت معنوی یا اجتماعی، نقش کیهان شناختی موعود و....بپردازیم و نوع منجی مسیحیت و شیعه را با هم مقایسه کنیم.

۱-۵. موعود باوری

موعود باوری _که در اسلام به عنوان مهدویت از آن یاد می شود_ اعتقاد به وجود مأمن و پناهگاهی نجات بخش برای انسان خسته از ظلمت ها و کژی ها است که آینده ای روشن و حتمی را نوید می دهد. موعود باوری، اعتقاد به رهاننده ای است که با آمدنش رنج ها و سختی ها، ناکامی ها و بی عدالتی ها به خوشبختی ها و آرامش ها، بدل می شود. این آموزه، اندیشه ای فراگیر و جهان شمول است. کمتر قوم و ملّتی را می توان سراغ گرفت که در این باره سخن نگفته باشد و به ندرت دین و آیینی را می توان یافت که چنین وعده ای در آن یافت نشود. به عبارتی دیگر باورداشت منجی و موعود از اصول مشترک همه ادیان و حتی مکاتب بشری است. اعتقاد به دوره آخرالزمان و انتظار ظهور منجی و به تعبیری «فیوچر[(۱)]»، عقیده ای است که در

۱- Futurism .

همه کیش های آسمانی؛ یهود، زرتشت، مسیحیت و مدعیان نبوت عموماً و دین مقدس اسلام خصوصاً به عنوان یک اصل مسلم، تلقی به قبول شده است. این باور حتی اقوام مختلف جهان را هم با خود همراه کرده است. شور و التهاب انتظار موعود آخرالزمان و پایان ناراستیها و آغاز زندگی خوش این جهانی، در تاریخ پُر فراز و نشیب این ادیان و اقوام موج می زند.

همه اینان معتقدند، روزی فرا خواهد رسید که خالق هستی با ید قدرت خود ابرمردی را به منصه ظهور خواهد رساند که دفتر ظلم و فسق را پایان خواهد بخشید. در روزگار او ظلم و بیداد قاچاق خواهد بود و ظالم و ستم پیشه به حق قصاص خواهند شد.

با مطالعه موضوع منجی و موعود در ادیان مختلف می توان پاسخ گفت که، موعود آیا شخصی است؟ یا غیر شخصی است؟ موعود شخصی یعنی ویژگی ها و صفات یک شخص را اعم از این که بشری باشد یا غیر بشری که از نوعی الوهیت برخوردارند، دارد و موعود غیر شخصی یعنی آنچه وعده داده شده، وقوع امری همچون وضعیت سیاسی، اجتماعی، معنوی یا کیهانی است.(۱)

۱-۶. نجات بخشی

واژه نجات بخشی در لغت به معنای رها شدن و خلاصی یافتن

ص:۱۹

۱- «کلیاتی درباره اندیشه منجی موعود»، گونه شناسی اندیشه منجی موعود در ادیان، ص ۲۰.

است. همچنین نجات در اصطلاح، یعنی رهایی انسان از هر چیزی است که مانع زندگی سالم و ایده آل می شود؛ مثل رهایی از ستم و خشونت.

توصیف و توضیح نجات بخشی با موضوع منجی، پیوندخورده است. پیروان ادیان الهی، به ویژه آخرین وکامل ترین پیام آسمانی، یعنی دین اسلام، معتقدند همه بشر در یک فرایند تکاملی در مسیر رسیدن به آرزوی فطری، انسانی و الهی خود در کمال طلبی، به نقطه اوج تکاملی انسانی، یعنی تجلی عدالت وحاکمیت آن، در حال حرکت است. آنچه سبب شد تا اند یشه ظهور منجی در ادیان شکل بگیرد، درماندگی، گرفتاری و بحران های خانمان براندازی است که تمامی موجودیت حیات بشر را تهدید کرده است. توده هایی که خود قادر به رفع آن بلایای بزرگ نبوده اند برای رهایی شان، ظهور نجات دهنده ای را انتظار می کشیدند.

نجات در مسیحیت را نمی توان به تمام معنا مفهومی آخرت شناسانه دانست. زیرا در الهیات مسیحی، به دو سنخ نجات و به تبع آن، دو معنا برای منجی می توان دست یافت؛ در یکی، همه انسان ها به دلیل «گناه اصلی» یا «گناه نخستین آدم» با طبیعتی آلوده زاده می شوند؛ طبیعتی که مانع از رسیدن آنان به کمال است(۱). زیرا نگرش

۱- «گونه یابی نجات در سنت دینی مسیحیت»، فصل نامه علمی_تخصصی مشرق موعود، ص۱۳۸

این دین به انسان متفاوت است.

از منظر عهدین انسان نخستین (حضرت آدم) با گناه و تمرد از دستور الهی و سرپیچی از فرمان او گرفتار گناه بزرگی شد. این گناه با ذات اوعجین گردید و انسان ذاتا گناهکار و پلید شد، لذا از درگاه خدا رانده و به زمین تبعید شد.

وقتی حضرت آدم گناه کرد گناه او تمام نسل انسان را آلوده ساخت. گناه او حتی باعث انتشار مرگ در سراسر جهان شد.(۱)

پیامبران زیادی برای رهایی و نجات انسان، با شریعت و قانون آمده اند؛ اما شریعت هم نمی تواند انسان را آزاد کند. به عبارتی شریعتهای سابق هیچ نقش کلیدی در نجات انسان ها نداشته اند:

پس ده فرمان موسی چه نقشی در نجات انسان از گناه دارد؟ ده فرمان به این دلیل عطا شد تا بر تمام مردم مسلم شود که تا چه حد قانونهای خدا را زیر پا گذاشته اند.(۲) لذا باید از قید شریعت نیز آزاد شد، چرا که قانون مذهبی نمیتواند کسی را خوب و پاک کند.(۳)

اعتقاد مسیحیان براین است که خداوند برای رهایی و نجات انسان، پیامبران گذشته را با شریعت و قانون فرستاد، اما به جهت

۱- رومیان، ۶:۱۲-۱۳.

۲- رومیان، ۵:۲۰ .

۳- رومیان، ۷:۲-۳ ؛ برای اطلاع بیشتر ر.ک: «نجات بخشی تطبیقی(اسلامی- مسیحی)»، فصلنامه علمی- تخصصی انتظار موعود، ش۴، ص ۸۰-۸۱.

تمرد انسـان (!) این نجـات تحقق نیـافت و پیامبران قبل از عیسـی فقط زمینه را برای نجات بخشـی آماده کرده بودنـد، و عیسـی نقش اساسـی را در سـیر نجاتبخشـی ایفا کرده است، یعنی پسر خدا (!)، پسر انسان(!)، خود را فدیه کرد تا انسان از بند اسارت گناه ذاتی آزاد شود و سر صلیب بدین صورت آشکار می شود که پسر انسان خود را برای نجات بخشی فدیه کرد:

چه تفاوت بزرگی بین آدم و مسـیح هست که قرار بود بیایـد و چه فرق بزرگی بین گناه آدم و بخشـش خدا وجود دارد، چون آدم با گناه خود باعث مرگ عـده زیادی شد، ولی مسـیح از روی لطف عظیم خداوند باعث بخشـش گناهان بسـیاری گشت. آدم با اولین گناه خود باعث شد عده زیادی محکوم به مرگ شوند، در حالی که مسـیح بشـر را رایگان پاک می کند و باعث می شودکه خداوند عده بسیاری را بی گناه بشناسد.(۱)

براساس این نگرش به انسان و توجه به گناه نخستین آدم که همه بشـر را آلوده کرده است؛ عیسـی مسـیح آمـده است تا با فـدا کردن و قربانی کردن خود، باعث پاکی انسان و نجات او از سـیاهی و ظلمت گناه شود. هرچنـد این هم نوعی نجات است؛ اما این نـوع از نجـات، معنـای آخرت شـناسانه نـدارد و بـا موعود بـاوری در ارتبـاط نیست. این نجـات، پدیـده ای کاملاـ ماشـینی [اتوماتیک یا تکوینی] است و به صرف

۱- رومیـان، ۷:۲-۳ ؛ برای اطلاـع بیشتر ر.ک: «نجـات بخشـی تطبیقی(اسـلامی- مسـیحی)»، فصـلنامه علمی- تخصصـی انتظار موعود، ش۴، ص۸۲.

وجود و شخصیت عیسی علیه السلام و میانجی گری اش بین انسانِ مورد خشم خدا و خودِ خدا آشتی برقرار می کند؛ بی آن که لازم باشد کاری شاهانه و یا پیامبرانه انجام دهد.

در گونه دیگر از مفهوم نجات، همه مسیحیان اتفاق نظر دارند که نجات بخشی عیسی علیه السلام در حقیقت، نجات از پراکندگی، ظلم و نابسامانی است؛ امری که در سایه تشکیل حکومتی مرکزی صورت می گیرد. در این گونه، نجات با عملکرد عیسی علیه السلام در ارتباط است و رهایی اش، صرفاً یک پدیده ماشینی نیست، بلکه حاصل تلاش پیامبر گونه عیسی علیه السلام است؛ لذا بر بازگشت دوباره عیسی علیه السلام تاکید می شود. این نجات، مفهومی کاملاً آخرت شناسانه دارد.(۱) لذا مسیحیان بعد از مصلوب شدن عیسی منتظر رجعت دومین او هستند تا انسان گرفتار در ظلم و تباهی را نجات بخشد:

همچنین مسیح نیز چون یک بار قربانی شد تا گناهان بسیاری را رفع نماید، بار دیگر بدون گناه، برای کسانی که منتظر او می باشند، ظاهر خواهد شد به جهت نجات.(۲)

مراد ما از نجات بخشی، در این نوشتار همین نوع دوم است که پیوندی عمیق با موعود باوری داشته و عیسی علیه السلام حقیقتاً پیروان خویش را پس از بازگشتی ظفرمندانه نجات خواهد داد.

۱- «گونه یابی نجات در سنت دینی مسیحیت»، فصل نامه علمی_تخصصی مشرق موعود، ص۱۳۸.

۲- رساله به عبرانیان، ۲۸:۹

اما از نگاه اسلام، نجات یک بار با رستگاری در قیامت قرین است که به واسطه ایمان و عمل صالح تحقق پیدا می کند(۱) که در این صورت امری مرتبط با آخرت و معاد می باشد. این معنا از نجات اینجا مورد بحث ما نمی باشد. ولی نجات در یک معنای دیگر همان نجات بخشی پایان دنیا (دوران ظهور) را تداعی می کند که نوید بخش خلاصی همگان از زیر بار مصیبت و بلاها و بی عدالتی ها می باشد. این نجات با آمدن یک منجی با عنوان مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف محقق می شود. همین معنای دوم است که در این جا مد نظر ما می باشد که به موعود باوری و منجی گرایی در اسلام باز می گردد.

۲- موعود گرایی

الف)مقدمه

منجی گرایی از دغدغه های دیر پا و غمهای جانکاه بشری است که عمری به درازای هزاران سال دارد. موعود گرایی یکی از دلمشغولی های همه انسانهای اهل تفکر و تعمق بوده است. آدمی رانده شده از منزلگاه اصلی خویش و گرفتار آمده در دیار غربت و تنهایی، هراز گاهی که مشغله های پیرامونیش اجازه و رخصت بدهند یادی از فطرت الهی و نهاد خود می کند و روزگار وصلش را تمنا می نماید. در دنیای اطرافش طالب عدالت، صداقت، انصاف، صلح،

۱- بقره، آیه ۸۲؛ نساء، آیه۵۷و۱۲۲.

امنیت، نوع دوستی، رفاقت، یکرنگی و دوستی و... است. اما هر چه بیشتر جستجو می کند، کمتر می یابد.

آیا این وضع اسف نـاک را پایانی هست؟ اگر هست راه خاتمه دادن به این نابسامانی ها کدام است؟ چشم انتظار آینده ای روشن بودن، نور امید را در دلهای افسرده و بی رمق بشر زنده نگه می دارد.

ادیان آسمانی و رسولان الهی با بیان اخبار غیبی، تحقق چنین آرمان شهری را به بشریت وعده داده اند.در بین ادیان ابراهیمی، اسلام به خصوص فرقه شیعه تصویری جامع و کامل از جامعه آرمانی مهدوی ارائه داده است و هیچ امر مبهمی را در این راستا فرو گذارنکرده است. سیمای حکومت پایانی را به گونه ای ترسیم کرده است که انسانها را برای تحقق آن و زمینه سازی در جهت تشکیل آن حکومت بی نظیر به تکاپو و تلاش وادارد.

ب)پیشینه بحث منجی گرایی

باید گفت این پرسش مهم در تمام ادیان مطرح می شود که «بشر چگونه نجات می یابد؟». هر یک از ادیان در پاسخ به این پرسش، دیدگاه مشخص و متمایزی ارائه می کند. اصل اند یشه منجی و وجود موعودی برای اصلاح همه جهان، تنها توسط آیین اسلام طرح نشده است، بلکه بشارتی است که خدای متعال به همه انبیا داده است و تمامی ادیان توحیدی منادی این اندیشه بوده اند و آینده جهان را به روشنی ترسیم کرده اند. این اندیشه در ادیان توحیدی آن قدر مهم و

پر رونق بود که به ادیـان غیرتوحیـدی نیز رنـگ داده است؛ حتی ادیانی که به ظاهر منشأ الهی نداشـته انـد نیز به وجود مصـلح جهانی اعتراف کرده اند.

آییـن زرتشت در این امر پیشـقدم بـود. البته در تاریـخ و چگـونگی تولـد زرتشت اختلافـات بسـیاری وجـود دارد، ولی برخی، دوران حیـات او را تـا یازده هزار سال قبل از میلاد ذکرکرده انـد. به این لحاظ، آیین زرتشت در طرح مسأله موعود آخرالزمان می تواند بر دین یهود، مسـیحیت و همچنین اسـلام پیشـی گیرد(۱). در این آیین، افزون بر بشـارت و اشـارت به ظهور رهاننـده عـدالت گستر، از تولـد، ظهور، یاران او و.... سـخن گفته شـده است. بیشتر زرتشتیان بر این عقیـده اند که مطابق متون مقدس اوستا، فرد یا افرادی در آخرالزمان ظهور می کنند و آیین گرفتار در رنج و محنت فراوان مزدیسنا را دوباره احیا خواهند کرد.

دین یهود نیز به مسئله منجی پرداخته است.(۲) نجات دهنده پایانی، بر مبنای معتقدات یهودیان، مسیح (ماشیح) است که جهان درخشان و باشـکوه آینده را می سازد. اعتقاد بیشتر دانشـمندان یهود بر این است که ظهور مسـیح و فعالیت او برای بهبود وضع جهان و تأمین

۱- تاریخ جامع ادیان، ص۴۷۶.

۲- «گونه شناسی اندیشه منجی موعود در یهودیت»، گونه شناسی اند یشه منجی موعود در ادیان، ص۱۶۷.

خواسته ها و نیازهای مردم، بخشی از نقشه های خداوند در آغاز آفرینش بوده است و لزوم وجود نجات بخشی که کسی جز مسیح نیست، پیش از آفرینش کائنات به ذهن خداوند خطور کرده است. به اعتقاد همه یهودیان، نجات دهنده، انسانی همانند دیگران است، اما از جلوه و جبروت خدایی برخوردار است که جهان را با نور خودش که جلوه ای از نور خداست، روشن خواهد کرد.

مسیحیت از زبان حضرت عیسی علیه السلام گفتاری را درباره منجی آخرالزمان مطرح می کند. بر این اساس، تمام مسیحیان اعتقاد دارند روزی خواهد رسید که حکومت الهی به طور کامل برقرار شود، آن گونه که عیسی علیه السلام در مواعظ خویش می گفت؛ منتهی بعضی تصور می کنند این سلطنت الهی، روی زمین برقرار خواهد شد، اما بعضی نیز آن را ورای تاریخ می دانند؛ برای بعضی از آنها این یک آرمان بزرگ اجتماعی است که با کوشش انسان ها و کمک خداوند، در این جا و اکنون کسب خواهد شد؛ برای بعضی دیگر این سلطنت و حکومتی است که از طریق دخالت مستقیم و ناگهانی خداوند در تاریخ بشر و پایان دادن به دنیا و زمان، تحقق پیدا خواهد کرد.

آیین اسلام آخرین دین آسمانی، در این زمینه به عنوان وارث سایر ادیان، مطرح کننده بحث منجی می باشد. البته اسلام در موضع خود، هم ارائه دهنده این تفکر و هم مصلح و تکامل بخش آن بوده است؛ اما این واقعیت، انکارناپذیر است که اند یشه منجی آخرالزمان، زمانی توسط اسلام مطرح گردید که حداقل سه آیین عمده زرتشت،

یهود و مسیحیت به تفصیل در مورد آن آگاهی داده بودند. از این رو، اسلام به نوعی در این مورد، تصدیق کننده محسوب می شود، نه مبدع.

بنابراین، هر چهار دین زرتشت، یهود، مسیحیت و اسلام در این باره سخن گفته اند ولیکن ما بنا به مناسبت با موضوع کتاب، فقط در دو دین اسلام (تشیع) و مسیحیت بحث می کنیم.

ج) موعود شیعی

مسلمانان (شیعه وسنی) متأثراز نویدهای قرآن و سخنان پیامبرگرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم و جانشینان معصوم آن حضرت، عقیده دارند که خداوند در پایان روزگار، مردی را از دودمان پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم بر می انگیزاند که«دین اسلام» را به وسیله او آشکار می سازد. آیات فراوانی از قرآن کریم به کمک روایات تفسیری اهل بیت علیهم السلام به این موضوع اشاره دارد. آیاتی چند در موضوعاتی مثل:

۱. حتمی بودن غلبه دین اسلام بر جمیع ادیان: «هُوَ الَّذی أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدی وَ دینِ الْحَقِّ لِیُظْهِرَهُ عَلَی الدِّینِ کلِّهِ وَ لَوْ کرِهَ الْمُشْرِکون»(۱)؛ او کسی است که پیامبرش را با هدایت و دین درست، فرستاد تا آن را بر هر چه دین است پیروز گرداند، هر چند مشرکان خوش نداشته باشند.

۲. نوید این که زمین به دست مؤمنان خواهد افتاد: «وَعَدَ اللَّهُ الَّذینَ آمَنُوا مِنْکمْ وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ لَیَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِی الْأَرْضِ کمَا اسْتَخْلَفَ

۱- توبه، آیه۳۲-۳۳.

الَّذینَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لَیُمَکنَنَّ لَهُمْ دینَهُمُ الَّذِی ارْتَضی لَهُمْ وَ لَیُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْناً یَعْبُدُونَنی لا یُشْرِکونَ بی شَیْئاً وَ مَنْ کفَرَ بَعْدَ ذلِک فَأُولئِک هُمُ الْفاسِقُون»(۱)؛ خدا به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند، وعده داده است که حتماً آنان را در این سرزمین جانشین [خود] قرار دهد همان گونه که کسانی را که پیش از آنان بودند جانشین [خود] قرار داد، و آن دینی را که برایشان پسندیده است به سودشان مستقر کند، و بیمشان را به ایمنی مبدل گرداند، [تا] مرا عبادت کنند و چیزی را با من شریک نگردانند، و هر کس پس از آن به کفر گراید آنانند که نافرمانند.

۳. زمین را بندگان صالح خدا به ارث خواهند برد: «وَ لَقَدْ کتَبْنا فِی الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّکرِ أَنَّ الْأَرْضَ یَرِثُها عِبادِیَ الصَّالِحُون»(۲)؛ و در حقیقت، در زبور پس از تورات نوشتیم که زمین را بندگان شایسته ما به ارث خواهند برد.

۴. مستضعفان، ائمه و وارث زمینند: «وَ نُریدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَی الَّذینَ اسْتُضْعِفُوا فِی الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوارِثین»؛(۳) و خواستیم بر کسانی که در آن سرزمین فرو دست شده بودند منّت نهیم و آنان را پیشوایان [مردم] گردانیم، و ایشان را وارث [زمین] کنیم.

۱- نور، آیه۵۵.

۲- انبیاء، آیه۱۰۵.

۳- قصص، آیه۵.

برخی از این آیات به کمک تفسیرهای مبتنی بر دیدگاه های کلامی، بر موضوع منجی موعود دلالت می کنند و برخی دیگر مستقلاً بر چنین امری دلالت دارند. اگر چه تمامی این آیات، صریحاً بر ظهور منجی جهانی اسلام دلالت ندارند، ولی به نظر می رسد حداقل سه آیه در قرآن را بتوان سر منشأ منجی باوری مسلمین دانست که عبارتند از: سوره انبیاء، آیه ۱۰۵، سوره نور، آیه ۵۵ و سوره قصص، آیه ۵.

هرچند که اخبار و روایات، نقش اصلی در اعتبار و اصالت این آموزه را بر عهده دارد، اما به هر حال، نقش بنیادین این آیات را در شکل گیری آموزه موعود نجات بخش و مبانی نظری آن نمی توان نادیده گرفت. از سویی، در این باب، اخبار فراوانی از شخص پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم و امامان معصوم علیهم السلام رسیده(۱) که این تعداد اخبار درباره منجی موعود، نه تنها حکایت از قدمت و اهمیت آموزه منجی گرایی در دین آخرین (یعنی اسلام) دارد، بلکه دین اسلام را در زمره منجی باورترین ادیان آسمانی قرار می دهد و می توان گفت اندیشه منجی گرایی و نجات بخشی منجی، از ریشه ای ترین تعالیم اسلام و خاستگاه آن نیز متن قرآن کریم و بیانات رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و امامان معصوم علیهم السلام و پیشوایان شیعه می باشد. این آموزه در بین مسلمانان قدمت و پیشینه ای ۱۴۰۰ ساله، هم سان طول عمر اسلام دارد. وجود اخبار

۱- ر.ک: کمال الدین و تمام النعمه ؛ الغیبه ؛ بحار الانوار ؛ معجم احادیث الامام المهدی .

فراوان از زبان پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم و ظهور عده ای از مدعیان دروغین منجی از اوایل اسلام به این طرف، مهر تأییدی بر صحت گفتار ماست. بر این اساس، ادعای ساختگی و دروغین بودن این آموزه دینی، اتهام گزافی بیش نیست.

مشخصات و ویژگی های این منجی موعود در منابع روایی شیعه به صورت کامل و جزئی بیان شده است. مشخصات ظاهری و اخلاقی مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، حسب و نسب و از فرزندان فاطمه بودن مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، بیعت میان رکن و مقام در آغاز قیام او، نزول عیسی بن مریم علیه السلام در زمان ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و اقتدا کردن به او درنماز، فراوانی نعمت در زمان او، خسف بیداء، علائم و شرایط ظهور و... از مواردی است که با تعبیرات مختلف، بشریت را به یک آینده روشن و درخشان نوید می دهد که در ذیل به دو روایت اشاره می کنیم:

۱- وجوب اعتقاد به مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف : یکی از واجبات مهم در دین اسلام، اعتقاد به آمدن «مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف » است؛ به گونه ای که منکر خروج او، کافر شمرده شده است. جابر بن عبدالله از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نقل می کند: «هر کسی مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را انکار کند، به راستی کافر است.»(۱)

۲- حتمی بودن ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف : پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در آخرالزمان ظهور خواهد کرد.»(۲)

۱- عقدالدرر(فی اخبار المنتظر)، ص۱۵۷.

۲- غیبت طوسی، ص۲۵۲؛ بحارالانوار، ج ۵۱ ص۷۳، ح ۸۹.

منجی موعود شیعه در بسیاری از روایات، «مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف » و «قائم» خوانده شده است. مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و قائم لقب آن حضرت می باشد، ولی نام اصلی ایشان طبق روایات، «م-ح-م-د» است؛ چنان که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید:« مهدی امتم [درمیان ایشان] محمد است که زمین را از عدل و داد آکنده سازد.»(۱) همچنین زمانی که مادر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به ایشان حامله شد، امام حسن عسکری عجل الله تعالی فرجه الشریف به او فرمود: «تو حامل پسری هستی که نامش محمد است و او قائم پس از من است.»(۲) البته در برخی روایات، از ذکر نام آن حضرت نهی شده است، بنابراین، بیشتر با لقب قائم و مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از آن حضرت یاد می شود.

در مورد این که چرا به آن حضرت «مهدی» می گویند، امام صادق علیه السلام می فرماید: «او را مهدی نامیدند، زیرا مردم را به امر پنهان هدایت می کند.»(۳) همچنین آن حضرت می فرماید: «آن حضرت را مهدی می گویند، زیرا مردم را به امری که گم کرده اند (اسلام راستین) هدایت می کند.»(۴)

حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف موعود و منجی شیعه، دارای ویژگی خاص و ممتازی است و آن، حیات موعود شیعی است؛ یعنی او زنده است، ولی در پس پرده غیبت است. این مسئله از یک سو رابطه ای عمیق،

۱- کمال الدین و تمام النعمه، ج۱، ص۲۸۴، ح۳۷.

۲- کشف الغمه فی معرفه الائمه، ج۲، ص۴۷۵.

۳- خورشید در نهان، ج۲، ص۶۴۴؛ معجم احادیث الامام المهدی، ج ۴، ص۳۳۵.

۴- ارشاد، ج۲، ص۳۸۳؛ معجم احادیث الامام المهدی، ج۵، ص۳۰۳.

روحی و ملموس را بین موعود حی حاضر و از سوی دیگر، پیروان و شیعیان و منتظران آن موعود ایجاد می کند؛ شیعیان با او ارتباط قلبی و روحی دارند و با او نجوا می کنند.

د) موعود مسیحی

انتظار منجی مسیحیت، در انتظار یهود ریشه دارد و بدون مطالعه آن، درک منجی مسیحیت کاری دشوار است. در طول دو قرن قبل از تولد عیسی، حجم وسیعی از نوشته ها درباره آمدن سلطنت خدا و زوال نیروهای شیطانی موجود بود و تصور رایجی از آنچه اتفاق خواهد افتاد، وجود داشت. جهان که تحت سلطه نیروهای شیطانی است، جای درد و رنج فراوان است، تا این که خدا برخیزد و بر سلطنت شیطان غلبه کند. در این حالت، بسیاری از اندیشه ها درباره مسیحا متوجه فتح و پیروزی نظامی بود. ممکن است که عیسی خردمند باشد، اما بیشتر از هر چیز باید پادشاهی جنگ جو و مقتدر باشد که بتواند بر شیطان غلبه کند و عصری از برکت و سعادت را آغاز کند؛(۱) تا سال ۴۶ میلادی و پیش از آن که شورای اورشلیم، آن حکم سرنوشت ساز مبنی بر عمومیت پیام انجیل را صادر کند، مسیحیان خود را فرقه ای یهودی می دانستند و مثل همه یهودیان در معابد حاضر می شدند و مناسک ویژه خود را انجام می دادند. اگر کسی به مسلک آنان در می آمد، او را وا می داشتند تا بر اساس سنت

۱- درآمدی به مسیحیت، ص۶۵۶.

دینی یهودیان، عمل ختان را به جا آورد و وفاداری خود را به شریعت موسی به اثبات برساند. در حقیقت، تا آن زمان تنها چیزی که آنان را از سایر یهودیان جدا می کرد، این بود که آنان عیسی را همان موعودی می دانستند که بنی اسرائیل بر اساس وعده های پیامبران، قرن ها در انتظار اوست. به همین دلیل می توان گفت مسیحیت، دینی است که بر اساس یک باور کاملاً موعودی شکل گرفته است.

یهودیان بر این باور تاریخی اند که خدا از میان همه ملت ها، بنی اسرائیل را به عنوان قوم خاص خود برگزیده است. پیامبران این قوم بارها به این اعتقاد تأکید کرده بودند و آنان با دلخوشی به این برگزیدگی، هر سختی و دشواری را تحمل می کردند. اسارت در مصر و سرگردانی در بیابان، گوشه ای از گذشته تاریک این قوم بود که در روشنای قوم خاصِ خدا بودن، برای آنان هموار می شد. گرچه ممکن بود یهودیانِ خسته از دشواری های روزگار در اخبار انبیا تردید کنند و از پرستش یهوه سر باز زنند، اما آنان همچنان در انتظار ماندند تا آینده درخشان خود را که بر اساس وعده های خدا به ابراهیم و موسی در پادشاهی مردی از نسل داوود محقق می شد، تماشا کنند.

این انتظار امیدبخش از چنان قوتی برخوردار شد که موضوع مکاشفه ها و پیشگویی های پرشماری گردید. در دورانی که شکوه سلطنت داوود در سلطه رومیان بر بنی اسرائیل از دست رفته بود و آنان بی تاب تر از همیشه در انتظار رهایی بخشیِ موعود خود بودند، عیسی با وجود آن که از خانواده ای فقیر و کاملاً معمولی به پاخاست و

فاقد شرط شهریاری برای مسیحا شدن بود، اما به دلیل برخورداری از کمالات نفسانی و تعالی روح و نیز جذبه های کلامی در باور اجتماعی یهودیان – که از دست به دست شدن قدرت و از سلطه رومیان به جان آمده بودند- به مثابه ماشیح (مسیحای) موعود شناخته شد و گروه زیادی از طبقه های پایین تر جامعه به ندای او لبیک گفتند. دعوت او چنان در ذهن این جماعت ریشه دار شد که مریدان کم شمارش پس از تحمل سختی های فراوان، در نهایت از پیکره اصلی یهودیت بریدند و به این ترتیب بر تنه باوری کهن، جوانه های دینی تازه رویید و از دلِ دین تاریخی یهود، ایمانی جدید جوشید؛ یعنی آمدن شخصی از نسل داوود برای برقراری ملکوت خدا. وقتی پیروان عیسی، موعود خود را بی آن که وعده ای از وعده های اشعیا، دانیال و دیگر پیامبران بنی اسرائیل را عملی کند، برصلیب دیدند، (۱) سر در گریبان فرو برده، او را انکار کردند و در خانه های خود نهان شدند.

بنا به گزارش سنت مسیحی، هنگامی که پیروان کم شمار عیسی با نومیدی و یأس به خانه های خود پناه می بردند و درست، زمانی که نزدیکان عیسی سرگردان و حیران، آهنگ بازگشت داشتند، زنانی که برای زیارت قبر عیسی رفته بودند، قبر را خالی دیدند. آنان در سرگردانی و بهت بودند که «فرشته ای آنان را متوجه شده و گفت:

۱- لازم به ذکر است، چنان که خواهد آمد، قرآن کریم- سوره نساء، آیه۱۵۷- مصلوب شدن حضرت عیسی(ع) را رد می کند.

ترسان نباشید. می دانم که عیسای مصلوب را می طلبید. در این جا نیست. زیرا چنان که گفته بود، برخاسته است».(۱)

رستاخیز عیسی در روز سوم، سبب شد این جماعت از نهان خانه ها بیرون آمده و رساتر از پیش، عیسی و آموزه هایش را تبلیغ کنند. این تجربه دینی یا مشاهده روحانی برای پطرس و شماری از حواریون نیز تکرار شد. در این هنگام یأس و نومیدی کاملاً از بین رفت و ایمان و امید جایگزین آن شد. از این تاریخ بود که آرمان مسیحا با تفسیری تازه در میان مسیحیت ادامه یافت؛ تفسیری که دیگر یهودی نبود و نمی توانست در ادبیات دینی یهود پشتیبانی داشته باشد.(۲)

بررسی ها نشان می دهد منجی گرایی در مسیحیت به سه گونه نمودار شده است: در یک پرده، همان اند یشه موعود یهودی است که در آن، عیسای ناصری نقش مسیح نجات بخش را ایفا می کند که انتظار دیرپای یهود را به سر می آورد؛ در پرده دیگر، با نوید رجعت عیسی در آخرالزمان به مثابه پسر انسان و داور جهان، نمایشگر سنخ دیگری از اندیشه موعود است و در پرده سوم، سخن از شخصی است که خود عیسی وعده آمدنش را می دهد که چونان تسلی دهنده و روح

۱- متی ۲۸: ۶- ۵.

۲- «گونه شناسی اند یشه منجی موعود در مسیحیت»، گونه شناسی منجی موعود در ادیان، صص ۲۲۱-۲۲۴.

راستی می آید و عیسی را جلالت می بخشد و بر حقانیت او شهادت می دهد. بر این پایه، مسیحت دربردارنده سه گونه منجی باوری است.(۱) به هرحال، عموم مسیحیان معتقدند روزی در آینده فراخواهدرسید که حکومت اخلاقی خداوند بر سرتاسر زمین جاری گردد. عبارت «حکومت و سلطنت الهی» و «سلطنت آسمان ها» و «حکومت الهی» به طور مکرر در انجیل ها به چشم می خورد. واقعیت حکومت نهایی خدا «سلطنت یا ملکوت الهی» بدون شک، مهم ترین اعتقاد مسیحیان است؛ در عین حال، میان آنها از همه سخت تر است.(۲)

عیسی عجل الله تعالی فرجه الشریف منجی موعود مسیحیان را در ابتدا یشوع (یهوشاعا، یسوع) می نامیدند که واژه ای عبری و به معنای نجات خداست. این کلمه در میان رومیان و یونانیان به «یسوس(۳)» تغییر یافت و در متون عربی به «عیسی» تبدیل شد. انجیل این واژه را «خداوند نجات دهنده» معنا کرده است که امت خویش را از گناهانشان خواهد رهانید.

لقب مشهور عیسی عجل الله تعالی فرجه الشریف «مسیح» است که از لفظ عبری مشیاح (ماشیح، مسیاح) به معنای مسح شده (تدهین شده) گرفته شده است. زیرا در قوم بنی اسرائیل افراد برگزیده برای مأموریت های مهم

۱- مقتدای مسیح، صص ۱۰۶-۱۰۷.

۲- آینده جهان، ص ۱۰۰.

۳- Iesus. Iesous

و مقـدس را با روغن مخصوصـی تدهین می کردند. به تدریج لفظ مسـیح به هر شخصـی که دارای مأموریت های بزرگ بود، اطلاق شد.(۱) حضـرت عیسـی عجـل الله تعـالی فرجه الشـریف از نامیـدن خـود به این عنـوان خودداری می کرد، ولی پس از برخاسـتن وی از مردگـان، مسـیحیان نخسـتین پذیرفتنـد که وی مسـیح موعود است و به این جهت در بسیاری از اوقـات، لقب «مسیح» را به گونه ای برای عیسی به کار می بردند که با اسم اصلی او برابر می شد.(۲)

عبارات عهـد جدیـد درباره عیسـی عجل الله تعالی فرجه الشـریف با هم متفاوت است. از میان اناجیل، سه انجیل مرقس، لوقا و متی، دیدگاه مشترکی درباره عیسی دارند؛ او را انسانی معرفی می کنند که از زنی باکره به نام مریم زاده شده و همچون انسان های دیگر زنـدگی کرده و دیگران را موعظه می کنـد. او با اعلام یحیای تعمید دهنده به مردم معرفی می شود؛(۳) ولی عیسی در گزارش انجیل یوحنا، حکمت خـدا است که جسـمانی شده است. او الوهیت یافته و ازلی است. به همین دلیل، این انجیل به تولـد عیسـی از مریم اشاره نمی کند و در مقابل، تاکید می کند که یحیای تعمید دهنده، روح را در حال فرود آمدن بر عیسـی دید و اعلام کرد که او پسر خداست. از این به بعد، عیسی مانند یک «خدا» عمل می کند و سخن می گوید.(۴) بر این اساس، به اعتقاد مسیحیان و به اشاره

۱- مسیحیت شناسی مقایسه ای، ص۴۸.

۲- کلام مسیحی، ص۷۰.

۳- عیسی اسطوره یا تاریخ، ص۲۰.

۴- «گونه شناسی اند یشه منجی موعود در مسیحیت»، گونه شناسی اند یشه منجی موعود در ادیان، ص۲۳۱-۲۳۰.

های آشکار مطالب عهد جدید، نجات بخش پایانی، همان «عیسی مسیح» است که باز خواهد گشت و جهان را از نابسامانی خواهد رهانید. پس برای تأیید به فرازهایی از کتاب مقدس استناد می کنیم: «و به شما می گویم که مرا دیگر نخواهید دید، تا وقتی آید که گویید مبارک است که به نام خداوند می آید.»(۱)

همچنین درباره قیام مسیح، پیش گویی کرده و می گوید:

«پس همان عیسی را خدا برخیزانید و همه ما شاهد بر آن هستیم».(۲)

و در انجیل متی آمده است:

... همچنان که برق از مشرق ساطع شده تا به مغرب ظاهر می شود، ظهور پسر انسان نیز چنین خواهد شد و هرجا که مرداری باشد، کرکسان در آن جا جمع شوند... همچنین چون شما نیز این همه را ببینید، بفهمید که نزدیک، بلکه بر در است. هر آینه به شما می گویم تا این همه واقع نشود، این طایفه نخواهد گذشت. آسمان و زمین زایل خواهد شد، لیکن سخنان من هرگز زایل نخواهد شد؛ اما از آن روز و ساعت، هیچ کس اطلاع ندارد، حتی ملائکه آسمان، جز پدر من و بس. لیکن چنان که ایام نوح بود، ظهور پسر انسان نیز

۱- لوقا، ۳۵:۱۳.

۲- اعمال رسولان، ۳۲:۲.

چنان خواهد بود.(۱)

ه) نتیجه گیری

موعود گرایی و منجی باوری، قدمتی دیرینه و پیشینه ای کهن دارد. همه ادیان الهی، از جمله زرتشت، یهود، مسیحیت و اسلام، هر کدام به گونه ای آمدن نجات بخشی را در پایان دنیا بشارت داده اند. بنابراین، منجی گرایی آموزه ای است که دامنه شمول آن همه ادیان را فراگرفته است.

در قرآن کریم و روایات معصومین و به خصوص احادیث پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم به آموزه منجی و موعود گرایی اشاره شده است و به تبع آن، مسلمانان نیز به آمدن نجات بخش پایانی معتقد می باشند. از میان فرقه های متعدد اسلامی، شیعه دوازده امامی یا همان امامیه، قائل به امامت و عصمت امیر مومنان علیه السلام و یازده تن از فرزندان آن حضرت، هستند که آخرین آنها، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف منجی عالم بشریت می باشد. این فرقه اعتقاد دارند که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف هم اکنون زنده است، ولی از نظر ها غایب می باشد؛ نام او «م-ح-م-د» است، ولی بیشتر با عناوین مهدی و قائم از او یاد می شود که به قیام ایشان و رسالت و وظیفه نجات بخشیِ او اشاره دارد. او در آخرالزمان با تأییدات و نصرت الهی ظهور و قیام خواهد کرد و همه انسان ها را از ظلم و نابرابری و نابسامانی نجات داده، به سوی حق، عدالت، رستگاری و

۱- متی، ۲۴:۲۷-۳۸.

سعادت رهنمون خواهد شد.

موعود گرایی در مسیحیت نیز برگرفته از منجی گرایی دین یهود است. خاستگاه موعود گرایی در مسیحیت را باید از میان تعالیم دین یهود جستجو کرد، ولی منجی باوری در ادبیات مسیحی، تفسیر جدیدی پیدا کرد که آن را از تفسیر یهودی آن جدا کرد.

نجات در مسیحیت به دو گونه تصویر شده است؛ طبق گونه اول آن، عیسی را باید میانجی دانست، نه منجی و آن نجات از «گناه نخستین» است. در این نوع نجات، عیسی با فدا کردن خویش، مؤمنان به خود را از بار آن «گناه اصلی» می رهاند. در گونه دوم از نجات بخشی، مفهوم نجات، یک معنای آخرت شناسانه و موعود باوری دارد. در این نوع از نجات بخشی است که عیسی به معنای واقعی کلمه «منجی» است. مسیحیان، هر دو نوع نجات بخشی را از رسالت های عیسی مسیح می دانند که نوع اول نجات، هم اکنون با ایمان آوردن به او محقق می شود، اما رسالت منجی گرانه عیسی که کاری پیامبرانه و شاهانه را می طلبد، در آخرالزمان همراه با تشکیل حکومت و سلطنت الهی رخ می نماید که سبب نجات پیروان مسیح از بند ظلم و ستم و بی عدالتی خواهد شد.

پیشینه موعود باوری در هر دو آیین اسلام (شیعه) و مسیحیت به تعالیم اولیه آن دو دین برمی گردد؛ یعنی امری ساختگی و دروغین نیست. همچنین مسیحیان و شیعیان به آمدن منجی ای معتقد هستند که هدفش برقراری عدل و داد است. براین اساس، بین

منجیـان این دو دین، اشـتراک فراوانی وجود دارد که زمینه منـاسبی را برای مقـایسه و بررسـی وجوه اشتراک و افتراق بین آنها فراهم کرده است که این نوشته، همین هدف را دنبال می کند.

ص:۴۲

بخش دوم: تبارشناسی

اشاره

فصل اول: موعود شیعه

فصل دوم: موعود مسیحیت

فصل سوم: نقد و بررسی

ص:۴۳

مقدمه

در این بخش از کتاب به دنبال شناخت اوصاف و ویژگی های فردی هر یک از دو منجی هستیم تا از این نظر، دو منجی شیعه و مسیحیت را با هم مقایسه کنیم. هدف ما در «بحث تبارشناسی» شناسایی شخص منجی از این منظر می باشد.

ص:۴۴

فصل اول: منجی شیعه

اشاره

ص:۴۵

راجع به حضرت مهدی علیه السلام و اوصاف آن بزرگوار باید بدانیم که شناختن مشخصات آن حضرت از دو جهت اهمیت بخصوص دارد: یکی از نظر تکلیف، زیرا شناختن امام شرعاً و عقلاً واجب است و به حکم حدیث معروف:

«مَنْ ماتَ وَلَمْ یَعْرِفْ اِمامَ زَمانِهِ ماتَ مَیْتَهَ الْجاهِلِیِّهِ»؛ هر کس بمیرد و امام زمان خود را نشناخته باشد، مرده است (همانند) مردن جاهلیت.

چرا که مرگ در پی حیات می آید و کسی که حیات و زندگانیش با حال جهالت است، پس مرگ و موتش نیز با حال جهالت و نادانی است.

و دیگر از جهت شناختن دروغ و باطل بودن دعاوی کسانی که به دروغ ادعای مهدویت کرده یا بنمایند، زیرا با ملاحظه این مشخصات، کذب و بطلان دعوای این افراد روشن و واضح می شود، چون فاقد این صفات و خصائص بوده اند.

صفات و مشخصات حضرت مهدی علیه السلام که در احادیث و روایات ذکر شده مشخصاتی است که هر کس آن مشخصات را در نظر بگیرد هرگز آن حضرت را با افراد دیگر اشتباه نخواهد کرد و اگر دیده

می شود پاره ای فریب خورده و دعوای مهدویت را از شیادانی پذیرفته اند به دلیل غفلت یا بی اطلاعی از این مشخصات و خصائص بوده و یا آنکه بعضی مشخصات را که تمام مشخص نبوده و وصف عام آن حضرت و دیگران بوده، تمام مشخص شمرده و صاحبان وصف عام را با صاحب وصف خاص اشتباه کرده اند. بسیاری هم دانسته و عمداً این دعاوی را برای یک سلسله اغراض مادی و سیاسی و حبّ جاه و ریاست، به ظاهر پذیرفته و ترویج می نمایند وگرنه خصوصیات و اوصافی که برای آن حضرت بیان شده مشخصاتی است که جز بر آن شخص خاص و موصوف به آن صفات خاص (یعنی امام دوازدهم، فرزند امام حسن عسکری علیه السلام بر احدی از کسانی که ادعای مهدویت کرده اند قابل انطباق نیست و بطلان دعاوی آنها با توجه به این نشانیها و علامات مانند آفتاب آشکار و هویدا است.

علما و دانشمندان متتبع و محیط به احادیث که وثاقت آنان مورد تأیید علم رجال و تراجم است، در کتابهای معتبر و مستند به نحو کافی و وافی این مشخصات را تعیین و توضیح داده اند.

الف) تولدمعجزه آسای حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

ولادت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در شب جمعه، نیمه شعبان، (۱) در شهر سامراء، پایتخت عباسیان و در سال ۲۵۵ هجری قمری بوده است. پس از گذشت دو قرن و اندی از هجرت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و آغاز امامت امام

۱- کمال الدین و تمام النعمه، ج۲، ص۱۵۵.

دهم، حضرت هادی عجل الله تعالی فرجه الشریف و امام یازدهم، حضرت عسکری عجل الله تعالی فرجه الشریف کم کم در بین حاکمان و زمامداران غاصب خلافت و دستگاه حکومت طاغوت، اضطراب و نگرانی هایی به وجودآمد. سبب آن، اخبار و احادیثی بود که خبر از تولد فرزندی برای امام حسن عسکری عجل الله تعالی فرجه الشریف می داد؛ همان منتظَری که تاج و تخت جباران و ستمگران را واژگون خواهد کرد و عدل و داد را جایگزین ظلم و ستم خواهد نمود. در احادیثی که به خصوص از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم رسیده بود، این مطلب مکرر آمده و به گوش زمامداران رسیده بود. در آن اوضاع و شرایط، معتصم عباسی، هشتمین خلیفه عباسی که حکومتش از سال ۲۱۸ هجری آغاز شده بود، دستور داد از تولد نوزادان جلوگیری کنند. این دستور منجر به کشته شدن شماری از مادران بی گناه شد. او قابله هایی را پنهانی به خانه ها می فرستاد تا از زنان باردار خبر دهند. به این دلیل، چگونگی احوال مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، دوران حمل و سپس تولد او از چشم مردم مخفی نگه داشته شد و جز چند نفر معدود از نزدیکان یا شاگردان خاص امام حسن عسکری عجل الله تعالی فرجه الشریف کسی از آن حضرت خبر نداشت و تا سن ۴ یا ۵ سالگیِ حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف که پدرشان حیات داشتند، فقط برخی شیعیان خاص به حضور ایشان می رسیدند.

برای اثبات تولد آن حضرت، دو دسته مدرک و شاهد (روایات و تاریخ) موجود است که به عنوان نمونه به چند مورد اشاره می کنیم:

یک. روایات: با توجه به جو خفقان حاکم در عصر امام حسن عسکری علیه السلام روایات زیادی از آن امام همام نقل نشده است. لذا تنها به

یک روایت بسنده می کنیم:

روزی چهل تن به حضور امام حسن عسکری علیه السلام رسیدند و از امام خواستند تا حجت بعد از خود را به آنها معرفی کند. امام پسری را نشان دادند و فرمودند: پس از من، این پسر، امام شما و خلیفه من در میان شما است. امر او را اطاعت کنید. از گِرد رهبری او پراکنده نگردید که هلاک می شوید و دینتان تباه می گردد. این را هم بدانید که شما او را پس از امروز نخواهید دید تا این که زمانی دراز بگذرد. بنابراین از نائب او عثمان بن سعید اطاعت کنید.(۱)

دو. مدارک تاریخی: یکی دیگر از شواهد و مدارک در اثبات تولد آن حضرت، تاریخ است که در این باره به دو مورد اشاره می کنیم:

۱. شیخ مفید در کتاب ارشاد درباره کسانی که امام مهدی علیه السلام را دیده اند، می نویسد:

«اخبرنی ابوالقاسم جعفر بن محمد... عن اسماعیل بن موسی بن جعفر قال: رأیت ابن الحسن بن علی بن محمد علیه السلام بین المسجدین و هو غلام»؛(۲)... اسماعیل بن موسی بن جعفر علیهم السلام گفت که فرزند خرد سال امام حسن عسکری علیه السلام را بین دو مسجد دیدم.

۲. مسعودی، متوفای سال ۳۶۴ هجری، رحلت حضرت امام حسن عسکری علیه السلام را از حوادث سال ۲۶۰ هجری گرفته و به ولادت امام

ص:۴۹

۱- خورشید در نهان، ج۲، ص۵۰۵؛ معجم احادیث الامام المهدی، ج۶ ص۶۷-۶۸.

۲- ارشاد، ص۶۷۹.

زمان علیه السلام تصریح کرده است. عین کلمات وی چنین است:

«و فی سنه ستین و مأتین قبض ابو محمد الحسن بن علی... بن ابیطالب علیه السلام فی خلافه المعتمد، و هو ابن تسع و عشرین سنه، و هو ابوالمهدی المنتظر و الامام الثانی عشر عندالقطعیه من الامامیه و هم جمهورالشیعه»؛(۱) در سال ۲۶۰ هجری، ابو محمد حسن عسکری علیه السلام ... در زمان خلافت معتمد در سن ۲۹ سالگی از دنیا رفت و او همان پدر مهدی منتظر و امام دوازدهم در نزد شیعه امامیه است.

آنچه قطعی است این است که در زمان ولادت حضرت مهدی علیه السلام دشمنان اهل بیت و به خصوص خلفای عباسی، مثل معتمد و معتصم عباسی ـ حاکمان معاصر با حضرت امام حسن عسکری علیه السلام ـ با جدیت کامل به فکر نابودی آن یگانه منجی عالم افتادند، ولی اراده حتمی الهی، معجزه گونه، آن مادر و طفل را از شر آنان نجات داد و حضرت مهدی علیه السلام به جهت مصونیت از گزند دشمنان، از نظرها غائب گردید تا برای اقامه عدل و داد و برقراری امنیت جهانی و تحقق وعده الهی، ذخیره و باقی بماند.

ب) آباء و نسب حضرت مهدی علیه السلام

منابع متعددی به نسب حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف پرداخته اند؛ حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف فرزند حضرت امام حسن بن علی بن محمدبن علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن حسین بن علی بن ابی طالب علیه السلام

۱- مروج الذهب و معادن الجوهر، ج۴، ص۲۱۲.

است.(۱)

نرجس، نام مادر حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف است. او ملیکه، دختر یشوع و فرزند قیصر، پادشاه روم است که از اولاد حواریین بود و به شمعون، وصی حضرت مسیح علیه السلام منسوب است. نرجس خاتون، خط را می دانست و با لغت عربی آشنایی داشت. وقتی اسیر شد، نام خود را نرجس نهاد تا شناخته نشود.(۲) هنگامی که به حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف حامله شد و نور وجود مقدس آن حضرت او را فرا گرفت، نامش را صیقل نهادند.(۳) وقتی فرزند او حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف متولد شد، بر مادر خود سلام کرد. امام حسن عسکری علیه السلام از آنچه بعد از شهادتش بر آنان وارد خواهد شد خبر داد، نرجس خاتون از حضرت خواست تا از خدا بخواهد که وفاتش را قبل از شهادت امام علیه السلام قرار دهد. لذا نرجس (س) در زمان حیات امام از دنیا رفت و بر قبر او لوحی است که بر آن نوشته شده است: این قبر مادر «م ح م د» است.(۴)

ج) بشارت های قبل از تولد حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

مسأله امامت و خلافت امام دوازدهم، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و غایب

۱- کمال الدین، ج۲، ص۴، باب۳۳، ح۴؛ معجم احادیث الامام المهدی ؛ ج۵، ص۳۸.

۲- کمال الدین و تمام النعمه، ج۲، ص۱۳۲.

۳- کمال الدین و تمام النعمه، ج۲، ص۱۵۸-۱۵۹.

۴- کمال الدین و تمام النعمه، ج۲، ص۱۵۷.

شدن و سپس ظهور و برپایی عدالت، به قدری مهم است که در کتاب های آسمانی از آن خبر داده شده و پیغمبران گذشته، امت خود را به آن مژده می دادند؛آنان بشارت می دادند که منجی در آخرالزمان ظهور خواهد کرد و پس از آن، جز اهل صلاح، کس دیگری بر زمین باقی نمی ماند؛ زمین یکپارچه عدل و داد می شود و از کفر و فسق و فجور خبری نیست. در مکتب شیعه نیز ظهور و ولادت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از سوی آباء بزرگوار حضرتش بسیار مورد تأکید بوده است. در واقع، هر یک از پیشوایان ما، مخصوصاً پیامبر مکرم اسلام صلی الله علیه و آله و سلم صریحاً درباره جانشینان خود فرموده اند خصوصا درباره امامت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و خاتم الاوصیاء بودنش روایات متعدد رسیده است و همه به آمدن آن آقایی مژده داده اند که وعده الهی به دست او انجام می گیرد که غیر ازگوینده «لا اله الا الله محمد رسول الله» نباشد؛ زمین را از شرک و کفر پاک می کند و جز خیر و خوبی و عدل و احسان باقی نمی ماند؛ شهوت رانی، حرص و حسد و کینه و بخل کنار می رود و معنویت و روحانیت جایش را می گیرد.

در ذیل به فهرست روایاتی که شیعه و سنی درباره این موضوع نقل کرده اند، اشاره می نماییم:

۱. بشارت به ظهور۶۵۷روایت

۲. مهدی از اهل بیت پیامبر است ۳۸۹روایت

۳. مهدی از اولاد علی است۲۱۴روایت

۴. مهدی از اولاد حضرت زهرا است ۱۹۲روایت

۵. مهدی نهمین فرزند امام حسین است ۱۴۸روایت

۶. مهدی از اولاد امام زین العابدین است ۱۸۵روایت

۷. مهدی از اولاد امام حسن عسکری است ۱۴۶روایت

۸. مهدی زمین را پر از عدل و داد می کند ۱۳۲روایت

۹. مهدی غیبت طولانی دارد۹۱روایت

۱۰. مهدی عمر طولانی می کند ۳۱۸روایت

۱۱. امام دوازدهم از ائمه اهل بیت علیهم السلام است ۱۳۶روایت

۱۲. اسلام بعد از ظهورش کل عالم را می گیرد ۲۷روایت

۱۳. درباره ولادت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ۲۱۴روایت(۱).

اکنون پنج روایت از روایات مورد اشاره را به عنوان نمونه ذکر می کنیم:

۱. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف زمین را پر از عدل و داد می کند؛ پیامبر مکرم اسلام صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید:

مهدی از عترت من است. در آخرالزمان ظهور می کند... و زمین را پر از عدل و داد می کند.(۲)

۲. دین به وسیله مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف زنده می شود؛ پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

یبایع له الناس بین الرکن و المقام یرد الله به الدین و یفتح له فتوح...؛

مردم با او (حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف) بین رکن و مقام بیعت می

۱- محاضرات فی الالهیات، ص۵۶۶.

۲- خورشید در نهان، ج۱، ص۲۵۴-۲۵۵؛ معجم احادیث الامام المهدی، ج۱، ص۱۰۳.

کنند. خداوند دین را به وسیله او برمی گرداند (زنده می کند) و فتوحات زیادی برای او حاصل می شود.(۱)

۳. از سوی ملائکه الهی تایید می شود؛ پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

او (مهدی) پس از غیبتی طولانی و حیرتی گمراه کننده، ظهور کند و دین خدای تعالی را چیره گرداند و به یاری خدا و نصرت ملائکه خدا مؤیّد باشد.(۲)

۴. اصلاح امر در یک شب؛ پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم در این باره فرمودند: «المهدی منا اهل البیت، یصلحه الله فی لیله.»(۳)

۵. جریان سنت ذوالقرنین در مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ؛ جابر جعفی از جابربن عبدالله انصاری نقل کرده است که گفت:

از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم شنیدم که می فرمود: به درستی که ذوالقرنین بنده صالح خداوند بود که خدا او را بر بندگان خود حجت قرار داده بود. پس قوم خود را به سوی خدای عز و جل دعوت کرد و آنها را به تقوا امر نمود. او را مورد اذیت و آزار قرار دادند و بر سر او زدند. او مدتی از مردم غایب شد تا این که گفته شد او از دنیا رفته یا در بیابان هلاک شده است. سپس او ظاهر شد و نزد قوم خود بازگشت و باز هم بر فرق سر او زدند. بدانید که در میان شما کسی است که بر سنت و روش او باشد و به درستی که خداوند عز و جل

۱- عقدالدرر، ص۵۶؛ معجم احادیث الامام المهدی، ج۲، ص۳۱۷.

۲- کمال الدین و تمام النعمه، ج۱، ص۴۸۴، ح۲.

۳- ینابیع الموده، ج۲، ص۱۰۳؛ معجم احادیث الامام المهدی، ج۲، ص۳۲۱.

برای او در زمین از هر چیزی اسبابی را فراهم آورد تا به مشرق و مغرب رسد و خداوند-تبارک و تعالی- سنت او را در قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف از فرزندان من جاری خواهد کرد و به شرق و غرب زمین خواهد رسید، به طوری که هیچ نقطه ای از زمین هموار و کوه نباشد که ذوالقرنین قدم بر آن جا نهاده باشد، مگر این که او به آن جا رود و خداوند گنج های زمین و معادن آن را برای او ظاهر سازد و او را با رعب، نصرت دهد و او زمین را از عدل و داد پر نماید، همان گونه که از ظلم و جور پر شده باشد.(۱)

د) اسماء، القاب و کنیه های حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

در روایات و احادیث رسیده، لقب های متعددی برای امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ذکر شده است که هر کدام به بخشی از صفات و ویژگی ها و آثار وجودی آن امام همام اشاره دارند که به تعدادی از آنها اشاره می کنیم:

۱. نام آن حضرت «م ح م د» است که در برخی روایات از بردن نام ایشان نهی شده است؛(۲)چنان که جابر بن یزید جعفی گوید:

سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ علیه السلام یَقُولُ سَأَلَ عُمَرُ أَمِیرَ الْمُؤْمِنِینَ علیه السلام عَنِ الْمَهْدِیِّ: فَقَالَ یَا ابْنَ أَبِی طَالِبٍ أَخْبِرْنِی عَنِ الْمَهْدِیِّ مَا اسْمُهُ؟

۱- کمال الدین و تمام النعمه، ج۲، ص۳۹۴؛ معجم احادیث الامام المهدی، ج۱، ص۳۱۹.

۲- کمال الدین و تمام النعمه، ج۱، ص۲۸۴و ج۲، ص۳۸۱.

قَالَ: أَمَّا اسْمُهُ فَلَا إِنَّ حَبِيبِی وَ خَلِيلِی عَهِدَ إِلَيَّ أَنْ لَا أَحَدِّثَ بِاسْمِهِ حَتَّى يَبْعَثَهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ وَ هُوَ مِمَّا اسْتَوْدَعَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ رَسُولَهُ فِی عِلْمِهِ؛(۱)

از امام باقر علیه السّلام شنیدم که می فرمود: عمر از امیر المؤمنین علیه السلام در باره مهدی پرسش کرد و گفت: ای فرزند ابو طالب مرا از مهدی خبر ده و بگو نام او چیست؟ فرمود: امّا اسمش را نمی گویم، زیرا حبیب و خلیل من سفارش کرده است که نام او را بازگو نکنم تا خدای تعالی او را مبعوث کند و آن از چیزهائی است که خدای تعالی نزد رسولش به ودیعه نهاده است.

و یا ابو هاشم جعفری می گوید:

سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ الْعَسْكرِيَّ علیه السلام يَقُولُ: الْخَلَفُ مِنْ بَعْدِی الْحَسَنُ ابْنِی فَكَيْفَ لَكمْ بِالْخَلَفِ مِنْ بَعْدِ الْخَلَفِ؟ قُلْتُ: وَ لِمَ جَعَلَنِيَ اللَّهُ فِدَاكَ؟ قَالَ: لِأَنَّكمْ لَا تَرَوْنَ شَخْصَهُ وَ لَا يَحِلُّ لَكمْ ذِكرُهُ بِاسْمِهِ. قُلْتُ: فَكَيْفَ نَذْكرُهُ؟ فَقَالَ: قُولُوا الْحُجَّةُ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله و سلم (۲)؛

از امام عسکری علیه السّلام شنیدم که می فرمود: جانشین پس از من فرزندم حسن است و با جانشین او چگونه اید؟ گفتم: فدای شما شوم! برای چه؟ فرمود: زیرا شخص او را نمی بینید و یاد کردنش به نام روا نبود. گفتم:

پس چگونه او را یاد کنیم؟ فرمود: بگوئید: الحجّه من آل

ص:۵۶

۱- کمال الدین و تمام النعمه، ج۲، ص۶۴۸.

۲- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص۶۴۹.

محمّد سلام و درود خدا بر او باد.

۲. مهدی: مشهورترین لقب امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف مهدی است.

این لقب را پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم برای آن حضرت ذکر کرده اند و فرمودند: «المهدی یخرج فی آخرالزمان.»(۱)

۳. قائم: یعنی قیام کننده به حق.

امام جواد علیه السلام می فرماید:

به این دلیل او را قائم نامیدند که پس از فراموش شدن نامش و مرتد شدن اکثر قائلین به امامتش، قیام می کند.(۲)

۴. منصور: امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه شریفه «من قُتِلَ مظلوماً» فرمود:

او حسین بن علی علیه السلام است و منظور از ادامه آیه «فقد جعلنا لولیّه سُلطاناً فلا یُسرف فی القتل انَّه کان منصوراً»، امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است که نامش در این آیه «منصور» می باشد. چنان که خداوند احمد و محمد را محمود و عیسی را مسیح خوانده است.(۳)

۵. بقیه الله: حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف آخرین حجت از حجج الهی است و برای این که وعده های الهی را در سایه برقراری عدل و داد و اجرای فرامین خداوند محقق کند، ذخیره شده است. لذا به این باقی مانده

۱- خورشید در نهان، ج ۱، ص۲۵۲؛ معجم احادیث الامام المهدی، ج ۱، ص۱۰۳.

۲- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص۷۲-۷۳؛ معجم احادیث الامام المهدی، ج ۵، ص۴۹۵.

۳- بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۳۰؛ معجم احادیث الامام المهدی، ج ۷، ص ۳۳۱، ح ۱.

از اوصیای الهی، بقیه الله گویند.

چنانکه امام باقر علیه السلام می فرماید:

فَـإِذَا خَرَجَ[المهـدی] أَسْـنَدَ ظَهْرَهُ إِلَی الْکعْبَه وَ اجْتَمَعَ إِلَیهِ ثَلَاثُمِـائَهٍ وَ ثَلَاثَهَ عَشَـرَ رَجُلًا وَ أَوَّلُ مَا یَنْطِقُ بِهِ هَـذِهِ الْآیه «بَقِیَّتُ اللَّهِ خَیرٌ لَکمْ إِنْ کنْتُمْ مُؤْمِنِینَ» ثُمَّ یقُولُ: أَنَا بَقِیّه اللَّهِ فِی أَرْضِهِ وَ خَلِیفَتُهُ وَ حُجَّتُهُ عَلَیکمْ. فَلَا یُسَـلِّمُ عَلَیهِ مُسَـلِّمٌ إِلَّا قَالَ: السَّلَامُ عَلَیْک یَا بَقِیَّه اللَّهِ فِی أَرْضِه(۱)؛

در این هنگام است که قائم ما خروج کنـد و چون ظهور کنـد به خانه کعبه تکیه زنـد و سـیصد و سـیزده مرد به گرد او اجتماع کنند و اوّلین سخن او این آیه قرآن است:

«بَقِیَّتُ اللَّهِ خَیرٌ لَکـمْ إِنْ کنْتُمْ مُـؤْمِنِینَ»، سـپس می گویـد: منم بقیّه اللَّه در زمین و منم خلیفه خداونـد و حجّت او بر شـما و هر درود فرستنده ای به او چنین سلام گوید:

السّلام علیک یا بقیّه اللَّه فی ارضه

۶. ابوالقاسم: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

«کنیته ککنیتی؛ کنیه او، کنیه من است.»(۲)

امام صادق علیه السلام فرمودند:

«اسمه محمد و کنیته ابوالقاسم؛ اسمش محمد و کنیه اش ابوالقاسم است.» (۳)

ص:۵۸

۱- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص۳۳۱.

۲- معجم احادیث الامام المهدی، ج۱، ص۹۴ به نقل از تذکره الخواص، ص۳۶۳.

۳- کشف الغمه، ج۳، ص۲۶۵؛ معجم احادیث الامام المهدی، ج۵، ص۴۴.

همچنین از القاب دیگر آن حضرت به حجت[(۱)]، صاحب الزمان[(۲)]، منتظر[(۳)]، غریم[(۴)]، ابا صالح،، هادی، رفیق، زکی، سراج، شافی و مرضی می توان اشاره کرد. ضمناً آن حضرت و پدر و جد او در زمان خود به «ابن الرضا» معروف بودند.

رحلت حجت

در خصوص رحلت یا شهادت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف اختلاف نظر وجود دارد. نویسنده کتاب الزام الناصب درباره چگونگی شهادت آن حضرت می گوید:

هنگامی که سال هفتاد به پایان آید و مرگ حضرت فرا رسد، زنی به نام سعیده از طائفه بنی تمیم، ایشان را به شهادت می رساند. ویژگی آن زن این است که همانند مردان محاسن و ریش دارد؛ او از بالای بام، به هنگامی که حضرت در حال عبور است سنگی به سوی ایشان پرتاب می کند و آن حضرت را به شهادت می رساند. چون حضرت رحلت می کند، امام حسین علیه السلام مراسم غسل، کفن و دفن آن حضرت را عهده دار می شود.[(۵)]

ص:۵۹

۱- کافی، ج۱، ص۳۲۸.

۲- کمال الدین و تمام النعمه، ج۲، ص۲۷۱.

۳- کمال الدین و تمام النعمه، ج۲، ص۳۴۲.

۴- ارشاد، باب ۳۹، ص۳۳۹.

۵- چشم اندازی به حکومت مهدی عج، ص۲۱۵ به نقل از الزام الناصب، ص۱۹۰.

یک روایت هم از امام مجتبی علیه السلام رسیده است که به صورت کلی به شهادت همه امامان علیهم السلام اشاره می کند:

لَقَدْ حَدَّثَنِی حَبِیبِی جَدِّی رَسُولُ اللَّهِ(ص)- إِنَّ الْأَمْرَ یَمْلِکهُ اثْنَا عَشَرَ إِمَاماً مِنْ أَهْلِ بَیْتِهِ وَ صَفْوَتِهِ مَا مِنَّا إِلَّا مَقْتُولٌ أَوْ مَسْمُومٌ؛(۱)

جدم رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: این امر را ۱۲ امام از اهل بیتش و برگزیدگانش مالک خواهند شد.هیچ یک از ما امامان نیست جز آن که مسموم یا شهید می شود.

لذا برخی از محققین عرصه مهدویت معتقدند که آن حضرت به شهادت می رسد(۲).

اما روایات دیگر این بخش کلی بوده و خبر از درگذشت امام می دهند و دیگر بیان نمی کنند که آیا با مرگ طبیعی از دنیا می رود و یا به شهادت می رسد که برای نمونه به دو روایت اشاره می کنیم:

۱. امام صادق علیه السلام فرمودند:....

جَاءَ الْحُجَّه الْمَوْتُ فَیَکونُ الَّذِی یَلِی غُسْلَهُ وَ کفْنَهُ وَ حَنُوطَهُ وَ إِیلَاجَهُ حُفْرَتَهُ الْحُسَیْنَ وَ لَا یَلِی الْوَصِیَّ إِلَّا الْوَصِی(۳)؛

مرگ حجت فرا می رسد پس متولی غسل و کفن و حنوط و دفن او امام حسین علیه السلام است و کسی به جز وصی متولی امور وصی نمی شود.

۱- بحارالانوار، ج۲۷، ص۲۱۷.

۲- چشم اند ازی به حکومت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ص۲۱۴.

۳- بحارالانوار، ج۵۱، ص۵۶، ح۴۶.

۲. ...فَإِذَا اسْتَقَرَّتِ الْمَعْرِفَهُ فِی قُلُوبِ الْمُؤْمِنِینَ أَنَّهُ الْحُسَیْنُ علیه السلام جَاءَ الْحُجَّهَ الْمَوْتُ فَیَکونُ الَّذِی یُغَسِّلُهُ وَ یُکفِّنُهُ وَ یُحَنِّطُهُ وَ یَلْحَدُهُ فِی حُفْرَتِهِ- الْحُسَیْنَ بْنَ عَلِیٍّ علیه السلام - وَ لَا یَلِی الْوَصِیَّ إِلَّا الْوَصِی(۱)؛

... و چون معرفت و ایمان به امام حسین علیه السلام در دلهای مومنین استقرار یافت مرگ حضرت حجت علیه السلام فرا می رسد، پس امام حسین علیه السلام متولی غسل و کفن و حنوط و دفن ایشان خواهد شد و هرگز غیر از وصی، وصی را تجهیز و آماده برای خاکسپاری نمی کند.

چنان که ملاحظه می شود این روایات نمی گویند که حضرت به شهادت می رسند و حتی ظهور در این دارند که حضرت حجت علیه السلام به مرگ طبیعی از دنیا رحلت می کنند. لذا قبول شهادت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با تأملات و اشکالاتی روبرو است، از جمله:

اولاـ اوضاع و احوال تصویر شده دوران ظهور در روایات و ویژگی های دولت و حکومتی که آن حضرت برقرار می کند با قتل امام علیه السلام مناسبت و همخوانی ندارد؛ به ویژه امنیت فراگیری که بیان شده که گله گوسفند میان دو کشتزار حرکت می کند ولی هرگز خوشه ای را زیر پا نمی شکند(۲)، گرگ و میش با هم زندگی می کنند و گرگ به

۱- کافی، ج۸، ص۲۰۶، ح ۲۵۰.

۲- «یقول الرجل لغنمه و لدوابه إذهبوا فارعوا فی مکان کذا و کذا و تعالوا فی ساعه کذا و کذا و یری الماشیه بین الزرعین لا تأکل منه سنبله و لا تکسر بضلفها عودا و الحیات و العقارب ظاهره لا تؤذی أحد و لا یؤذیها أحد و السبع علی أبواب الدور یستطعم لا یؤذی احدا»؛ چوپان به گوسفندان خود می گوید: برای چَرا به فلان مکان بروید و در این ساعت برگردید. گله گوسفندی میان دو کشتزار می شوند ولی هرگز به خوشه ای تعدی نمیکنند و شاخه ای را نمی شکنند مار ها عقربها آشکارند ولی کسی را اذیت نمی کنند، و درندگان بر در خانه ها به کسی آزار نمی رسانند. (ملاحم، ص۹۷، باب ۲۰۴).

میش آسیب نمی رساند(۱)، بچه ها با مارها و عقربها بازی می کنند ولی آنها به بچه ها صدمه نمی زنند، (۲)لذا تصور سوء قصد به جان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در چنین دورانی بعید به نظر می رسد.

ثانیا، با گسترش علم و تکنولوژی در عصر ظهور و پس از دوران استقرار حکومت آن حضرت، دستگاه اطلاعاتی و امنیتی هم ارتقاء زائد الوصفی پیدا خواهد کرد به گونه ای که روایتی در باب سیستم امنیتی آن حضرت می گوید:

۱- «...و یرفع الشحناء و التباغض و ینزع حمه کل دابه حتی یدخل الولید یده فی فم الخش فلا یضره و تلقی الولیده الأسد فلا یضرها و یکون فی الإبل کأنه کلبها و یکون الذئب فی الغنم کأنه کلبها»؛... کینه ها از سینه ها زدوده میگردد. افسار را از دهان حیوانات بر میدارند. کودک دستش را در هان درنده می گذارد، ولی حیوان آزاری به او نمی رساند.بچه حیوان در جلو شیر و درنده اند اخته می شود و به او آسیبی نمی رسد و شیر در میان گله شتر همانند سگ گله و گرگ در میان گوسفندان مانند سگ گله است. (ملاحم، ص۱۵۲، باب ۸۱).

۲- «......و یلعب الصبیان بالحیات و العقارب و لا تضرهم بشئ...»؛ (منتخب الاثر، ص۵۹۲).

وقتی دو نفر با هم درون خانه هایشان سخن می گویند می ترسند مبادا دیوار بر ضد آنها شهادت بدهد.(۱)

در چنین دورانی، چطور ممکن است که یک زنی بنا به نقل الزام الناصب(۲) و یا هرشخص ثالث دیگری چنین توطئه مهمی را برنامه ریزی بنماید و حال آنکه دستگاه اطلاعاتی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف خبر دار نشود.

و اگر در چنین دولت و حکومتی بـا این مـدیریت اطلاعاتی و امنیتی چنین اتفاقی رخ دهـد که بتواننـد رئیس و حاکم آن را به قتل برساننـد؛ چه تضـمینی برای امنیت مردم عادی عصر ظهور خواهـد بود؟ و آیا بعـد از این واقعه، وجود آرامش خاطری که روایات بشارت آن را می دهند برای مردم آن عصر، قابل تصور خواهد بود؟

ثالثا، آیا حادثه قتل امام، آن هم در آن دورانِ سرشار از عـدالت و امنیت، چیز ساده ای است که روایات به راحتی از کنار آن گذشـته و اشاره ای بدان نکرده اند ؟ مگر مقام والای شـهادت چیز کمی است؟ چرا روایات تصریح نکرده اند که آن حضرت به فیض عظیم شـهادت نائل می شود؟ بعیـد به نظر می رسـد روایات و احادیث مهدوی که امور بسـیار جزیی را از قلم نینداخته اند چنین مطلب مهمی را یادآور نشده باشند. چطور ممکن است که از مراسم غسل و کفن ودفن بدن

۱- «... حتی ان احدهم یتکلم فی بیته یخاف ان یشهد علیه الجدار..»، (بحارالانوار، ج۱۳، ص۱۷۶).

۲- الزام الناصب، ص ۱۹۰.

شریفش سخن گفته و حتی امام حسین علیه السلام را عهده دار غسل و تجهیز و نماز معرفی می کند، ولی از کیفیت شهادت آن حضرت اصلا سخنی به میان نیاورده باشد؟

رابعا، از طرفی دیگر روایاتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده است که فرمود:

... یملأ الأرض عدلا کما ملئت جورا حتی یکون الناس علی مثل أمرهم الأول لا یوقظ نائما و لا یهرق دما(۱)؛... زمین را از عدالت پر می کند تا جایی که مردم به فطرت خویش باز می گردند. نه انسانی از خواب بیدار می شود و نه خونی[به ناحق] ریخته می شود.

اگر بگوییم حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به قتل می رسد آن وقت اینگونه روایات را چگونه باید توجیه کرد؟ می شود شهادت مهدی را از این روایت استثناء کنیم و بگوییم روایت مورد غالب را می گوید؛ یعنی کمتر خون به ناحق ریخته می شود، پس ممکن است خونهایی به ناحق ریخته شود مثل خون حضرت مهدی علیه السلام ؟

خامسا، روایات می گوید راهها و جاده ها امن می شود. امام باقر علیه السلام :

یُقَاتِلُونَ وَ اللَّهِ حَتَّی یُوَحَّدَ اللَّهُ وَ لَا یُشْرَك بِهِ شَیْءٌ وَ حَتَّی یَخْرُجَ الْعَجُوزُ الضَّعِیفَهُ مِنَ الْمَشْرِقِ تُرِیدُ الْمَغْرِبَ وَ لَا یَنْهَاهَا أَحَدٌ(۲)؛

۱- ملاحم، ص ۷۰.

۲- بحار الانوار، ج۵۲، ص۳۴۵، باب۲۷.

آن حضرت مقاتله می کند تا خدا به وحدانیت یاد شود و هیچ کس به او شرک نورزد و تا آنجا که پیر زنی و ناتوانی از مشرق به سمت مغرب حرکت می کند و کسی متعرض او نمی شود.

و نیز:

قُلْتُ لِأَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام أَیُّمَا أَفْضَلُ نَحْنُ أَوْ أَصْحَابُ الْقَائِمِ علیه السلام قَالَ: فَقَالَ لِی: أَنْتُمْ أَفْضَلُ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ وَ ذَلِکَ أَنَّکمْ تُمْسُونَ وَ تُصْبِحُونَ خَائِفِینَ عَلَی إِمَامِکمْ وَ عَلَی أَنْفُسِکمْ مِنْ أَئِمَّهِ الْجَوْرِ إِنْ صَلَّیْتُمْ فَصَلَاتُکمْ فِی تَقِیَّهٍ وَ إِنْ صُمْتُمْ فَصِیَامُکمْ فِی تَقِیَّهٍ وَ إِنْ حَجَجْتُمْ فَحَجُّکمْ فِی تَقِیَّهٍ وَ إِنْ شَهِدْتُمْ لَمْ تُقْبَلْ شَهَادَتُکمْ وَ عَدَّدَ أَشْیَاءَ مِنْ نَحْوِ هَذَا مِثْلَ هَذِهِ. فَقُلْتُ: فَمَا نَتَمَنَّی الْقَائِمَ ع إِذَا کانَ عَلَی هَذَا قَالَ فَقَالَ لِی سُبْحَانَ اللَّهِ أَ مَا تُحِبُّ أَنْ یَظْهَرَ الْعَدْلُ وَ یَأْمَنَ السُّبُلُ وَ یُنْصَفَ الْمَظْلُوم(۱)؛

به امام صادق علیه السلام عرض کردم که آیا ما افضلیم یا یاران حضرت صاحب در دوران ظهور؟ حضرت صادق علیه السلام فرمودند که شما افضل هستید. زیرا شما روز و شبتان با خوف و هراس از حاکم جور می گذرد، لذا نمازتان از روی تقیه است و.... گفتم: اگر ما افضلیم پس چرا باید تمنی و آرزوی[ظهور] آن حضرت را داشته باشیم؟ امام صادق علیه السلام فرمود: سبحان الله! آیا دوست ندارید که عدل ظاهر شود و راهها امن گردد و با حکم منصفانه با ستمدیده رفتار شود؟

۱- بحار الانوار، ج۵۲، ص۱۴۴، باب۲۲.

حال اگر نقل الزام الناصب را بپذیریم که حضرت در حال عبور به واسطه سنگی که پرتاب می شود به شهادت می رسد؛ چطور امنیت مسیر عبور حاکم جامعه اسلامی (حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف) تامین نشده باشد؟

بنابراین به نظر می رسد که بهتر است روایت منقول از حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام را توجیه کنیم و یاتخصیص بزنیم و بگوییم امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف از این قاعده کلی به دلیل شرائط خاصِ زمانِ ظهور، مستثنی است. براین اساس حضرت حجت علیه السلام به مرگ طبیعی از دار دنیا رحلت می کنند تا نیازمند نباشیم که روایات بسیاری را توجیه و یا تاویل کنیم.

ص:۶۶

فصل دوم: منجی مسیحیت

اشاره

ص:۶۷

الف) تولد معجزه آسا

حضرت عیسی علیه السلام منجی موعود مسیحیت، در اوضاع سیاسی متزلزل و در محیط دینی پیچیده ای متولد شد. هرچند محققان عموماً اتفاق نظر دارند که او در سال چهارم ق.م متولد شده است، ولی درباره تاریخ وفات او اتفاق نظر ندارند. برخی تاریخ وفات او را سال ۳۰ م و بعضی دیگر ۳۳ م می دانند. تا پایان قرن اول میلادی، در هیچ نوشته غیر مسیحی ذکری از او نیست و آن جا هم که ذکری از او به میان آمده با ارجاعات مبهمی همراه است. بیشترین اطلاعاتی که درباره او می دانیم از طریق نوشته های مسیحیان است. از طرفی هم بیشتر مطالب عهد جدید، دست کم تا ۳۵ سال بعد از وفات او نوشته نشده بود. اولین انجیل مرقس، در سال ۷۰ م نوشته شده و متی و لوقا در سال ۸۵ م تدوین شدند و یوحنا بین سال های ۸۰ و ۱۰۰نوشته شده است. درباره عیسی داستان واحدی وجود ندارد و هر یک از اناجیل، نظر متفاوتی درباره او دارد، اما با مطالعه همه آنها می توانیم داستان واحدی ابداع کنیم. عیسی در دوره حکومت

«هرودس بزرگ» در بیت لحم متولد شد. تولد او در هاله ای از ابهام بود. در بعضی از سنت ها بیان می شود که مادرش از روح القدس حامله شد (معجزه)؛ او از مادری باکره به نام مریم متولد شد.(۱)

انجیل متی درباره نحوه ولادت عیسی علیه السلام چنین گزارش می دهد:

اما ولادت عیسی مسیح چنین بود که چون مادرش مریم به یوسف نامزد شده بود، قبل از آن که با هم آیند، او را از روح القدس حامله یافتند و شوهرش یوسف چون که مردی صالح بود و نخواست او را عبرت نماید، پس اراده نمود او را به پنهانی رها کند. اما چون او در این چیزها تفکر می کرد، ناگاه فرشته خداوند در خواب بر وی ظاهر شده گفت:ای یوسف، پسر داوود! از گرفتن زن خویش مریم مترس. زیرا آنچه در وی قرار گرفته است از روح القدس است و او پسری خواهد زایید و نام او را عیسی خواهی نهاد. زیرا او امت خویش را از گناهانشان خواهد رهانید و این همه برای آن واقع شد تا کلامی که خداوند به زبان نبی گفته بود، تمام گردد که اینک باکره آبستن شده، پسری خواهد زایید و نام او را عمانوئل خواهند خواند که تفسیرش این است: خدا با ما. پس چون یوسف از خواب بیدار شد، چنانچه فرشته خداوند بدو امر کرده بود، به عمل آورد و زن خویش را گرفت و تا پسر نخستین خود را نزایید، او را نشناخت؛ و او را عیسی نام نهاد.(۲)

۱- درآمدی به مسیحیت، ص ۷۰.

۲- متی ۱:۲۵-۱۸.

بنابراین، تولد حضرت عیسی علیه السلام از حضرت مریم، بدون پدر و به شکل اعجازگونه بوده است.

ب) بشارت های قبل از تولد حضرت مسیح

در آیاتی چند از کتاب مقدس بشارت داده شده است به روز خوشی که در پیش است که منجی بشر می آید و عدل و داد را برقرار می کند.

اما زمان وقوع این روز موعد دقیقا مشخص نیست. در بعضی از آیات کتاب مقدس وقوع این وعده الهی بسیار نزدیک شمرده شده است، آنقدر نزدیک که برخی از شاگردان حضرت مسیح زنده باشند و آن را درک کنند.

از میان بشارت های کتاب مقدس به سه مورد اشاره می شود:

۱. اشعیای نبی در موارد متعددی از کتاب خود به بنده خدا بشارت داده است که وی از هرگونه قدرت نظامی و انتظامی و شکوه ظاهری بدور خواهد بود و راه اطاعت و امانت را برخواهد گزید. در عهد جدید این لقب بر عیسی تطبیق می شود.(۱)

۲. سفر تثنیه:

و خداوند به من (موسی) گفت: آنچه گفتند، نیکو گفتند، نبی ای را برای ایشان از میان برادران ایشان، مثل تو مبعوث خواهم کرد و کلام خود را به دهانش خواهم گذاشت و هر آنچه به او امر فرمایم به ایشان خواهد گفت و هر کسی که سخنان مرا که او به اسم من گوید نشنود، من از او مطالبه خواهم کرد.(۲)

۱- درآمدی به مسیحیت، ص۴۹؛ متی ۱۲:۱۷

۲- سفر تثنیه ۱۸:۱۷-۲۰.

۳. سفر تثنیه:

و این است برکتی که موسی، مرد خدا، قبل از وفاتش به بنی اسرائیل برکت داده گفت: «یهوه از سینا آمد و از ساعیر بر ایشان طلوع نمود و از جبل فاران درخشان گردید و با کرورهای مقدسین آمد و از دست راست او برای ایشان شریعت آتشین پدید آمد.»(۱)

حضرت رضا علیه السلام عبارت ذکر شده را این گونه تفسیر کرده اند:

مراد از آمدن نور از ناحیه کوه سینا وحی خداوند به موسی علیه السلام بر کوه طور در سیناست و مراد از طلوع خدا از کوه ساعیر، وحی الهی به عیسی بن مریم علیه السلام در این کوه است(۲).

ج) مصلوب شدن، عروج آسمانی و زندگی در آسمان

ماجرای مصلوب شدن حضرت عیسی علیه السلام از دیدگاه مسیحیان با اسلام متفاوت است. انجیل های چهارگانه به طور مشروح به بیان ماجرای دستگیری و مصلوب شدن عیسی پرداخته اند.

در کتب تاریخی آمده است که به هنگام عید بزرگ یهودیان، سال ۳۰م یا۳۳م(۳) از اطراف جهان، جماعت زوار یهود به معبد بزرگ در اورشلیم آمده بودند تا مراسم آن عید بزرگ سالیانه را به عمل آورند. «پیلاطس» حکمران رومی نیز از شهر ساحلی قیصریه به اورشلیم آمد

۱- سفر تثنیه ۳۳:۱-۳.

۲- مسیحیت شناسی مقایسه ای، ص۲۱۸.

۳- درآمدی به مسیحیت، ص ۷۰.

تـا مراقب حفـظ نظم باشـد و از هر شورش و بلوای احتمـالی جلوگیری کنـد. هرودس آنتیپاس، شاه یهود هم از جلیل به آن جا سفر کرد تا در مراسم عید «فصح» شـرکت کند.... عیسـی... از جبل به اتفاق حواریان به سوی شـهر رهسپار گشت.... به معبد رفته و صـندوق هـا و تخت هـای صـرافان را واژگون سـاخت و کبوتر فروشـان را بیرون کرد و تمام آنان را که در صـحن بیت المقـدس به خریـد و فروش مشـغول بودنـد، خـارج ساخت و فریاد برآورد: «آیا مکتوب نیست که خانه من خانه عبادت تمامی امت ها نامیـده خواهد شد؟ اما شـما آن را مغازه دزدان ساخته اید».(۱) این عمـل ظاهرا مورد اسـتحسان عامه قرار گرفت، ولی اولیای معبـد در جواب او سـخنی نداشـتند بگویند و به ناچار سـکوت اختیار کردند. رؤسای کاهنان و کاتبان و زعمای یهود بر آن شدنـد که از او جلوگیری کننـد. نخست به دشـنام و ناسـزا علیه او برخاسـتند؛ بـدان امیـد که او را در نظر خلایق، موهون و خفیف سازنـد. چنـد روز پیـاپی که وی در معبـد وعـظ می گفت، آنان سـعی می کردنـد که بر او خرده گرفته اعتراضـی وارد سازنـد و او را به کفر متهم نماینـد؛ لکن او بهانه ای به دست آنان نمی داد و پیوسـته مردم عام و ساده را دعوت می کرد که به او بگرونـد و بعثت او را مقـدمه ملکوت آسـمان بداننـد و همه خلق هم بـا کمـال شوق به او گوش می دادنـد.... کم کم اتباع هرودس نیز به مخالفان پیوسـتند. از این سـبب، عیسی به زبان امثال و حکایات گفت که خداوند نخست قوم یهود را به ضیافت خواند، لیکن چون ایشان از قبول دعوت حق سر باز زدند، خداوند دیگران و بیگانگان را نزد خود به مهمانی طلب فرمود.

۱- مرقس ۱۱:۱۷.

در انجیل آمده است که عیسی فریسیان و صدوقیان را مخاطب ساخت و گفت: باج گیرها و فاحشه ها قبل از شما داخل ملکوت خدا می گردند... از این جهت شما را می گویم که ملکوت خدا از شما گرفته شده، به امتی که میوه اش را بار بیاورند، عطا خواهد شد(۱).

نگارندگان اناجیل چهارگانه متفق اند که چون عیسی بر این درجه مخالفت و معاندت دشمنان آگاه شد، دانست که توطئه قتل او را می چینند. او نیز خود را آماده مرگ ساخت. ایشان در ضمن نقل حوادث، علاقه و شور و شوق مسیحیان صدر اول را منعکس ساخته و ساعات آخرین را که بر عیسی می گذشت، به دقت ثبت کرده اند. بنابرآنچه مسیحیان اولیه گفته اند عیسی نه تنها قتل خود را به دست مخالفان پیش بینی می فرمود، بلکه حتی می دانست چه کسی به او خیانت خواهد کرد از این رو یک مجلس ساده آراست و برای آخرین بار با یاران خود غذایی صرف نمود تا آنکه دوازده تن حواریان خود را آماده مفارقت خویش سازد...(۲).

اندکی بعد از آن در باغی که «جتسیمانی» نام داشت، یکی از شاگردان موسوم به «یهودای اسخریوطی» او را به جمعی که با چوب و شمشیر به سراغ او آمده بودند، تسلیم کرد. آنها را رئیس کاهنان فرستاده بود. پس عیسی را نزد مجمع کاهنان و اصل شورا برده، همه او را به جرم گفتن کفر به قتل محکوم ساختند. آن گاه او را نزد پیلاطس رومی بردند و از او درخواست کردند که حکم را اجرا کنند.

۱- متی ۲۱:۳۱و۲۱:۴۴.

۲- تاریخ جامع ادیان، ص۶۰۴-۶۰۷.

سه ساعت از نیمه روز گذشته بود که او را به پای دار آوردند و همه او را ترک گفتند، جز چند تن از زنان که با او تا دقیقه آخر همراه بودند و ماتم گرفتند. جماعت در اطراف او فریاد برمی آوردند و او برایشان دعا می کرد و می گفت: ای پدر، اینها را بیامرز، زیرا که نمی دانند چه می کنند....(۱)

پس به آواز بلند گفت: «الاهی، الاهی چرا مرا ترک کردی؟» و جان تسلیم حق کرد. هیچ مرگی در تاریخ بشریت و در سراسر عرصه عالم به قدر مرگ عیسی در قوه متفکره انسان تأثیر نکرده است. به عقیده مسیحیان که صلیب او را مانند رمز ایمان و مثل تقدس و نشان احترام قرار داده اند، عیسی تحمل رنج نمود تا ابنای نوع خود را کفاره داده، آمرزیده سازد و در دیده ایشان، عیسی، نمونه کامل و مثال اعلای فداکاری در راه محبت الاهی است. پس برای آن که در روز سبت، جسد او بر فراز صلابه باقی نماند، شخص دولتمندی «یوسف آریماتیا» نام که از اعضای شورای کاهنان بود، کالبد او را در قبری نو از سنگ که برای خود تراشیده بود، گذاشت.

هنگامی که عیسی را در باغ جتسیمانی دستگیر کردند، همه شاگردانش پراکنده شدند و از آن میان هیچ کس جز یوحنای حواری جرئت نکرد به محل صلیب او نزدیک شود؛ حتی پطرس حواری که در آن حوالی بود. چون او را شناختند، عیسی را انکار کرد. حواریان روز شنبه را با درد و یأس و خوف، در نهان خانه به سر آوردند. صبح روز سوم، بعضی از زنان اقارب عیسی پیش از این که راه مراجعت به

۱- لوقا ۳۴:۲۳.

جلیل را پیش گیرند به طلب قبر او رفتند، ولی آن را تهی یافتند. هنگامی که سرگردان عازم بازگشت شدند، بزرگ ترین واقعه تاریخ مسیحیت برای آنها به وقوع پیوست؛ در آن موقع فرشتگانی ظاهر شدند و آوازهایی شنیدند که به آنها گفتند عیسی از مردگان برخاسته است. آن گاه پطرس حواری و دیگران او را به رأی العین دیدند. این مشاهده بار دیگر در جلیل برای آنها تکرار شد.(۱)

هر چند نویسندگان اناجیل بیان می دارند که قبر عیسی سه روز بعد از مرگش خالی بود، اما «بعضی گفته اند پیروانش جسد او را دزدیده اند و ادعا می کنند که عیسی از میان مردگان برخاسته است. اما پیروانش می گفتند که این کار را نکرده اند؛ بلکه واقعاً عیسی از میان مردگان برخاسته است و بر برخی از آنان ظاهر شده است. رستاخیز عیسی برای پیروانش نشانه ای بود بر این که او برگزیده خدا و مسیحا است. نخستین موعظه درباره عیسی ساده بود: عیسی که به صلیب کشیده شد، از میان مردگان برخاسته است؛ توجه کنید و ایمان بیاورید که او خداوند و مسیحا است».(۲)

د) القاب و اسماء حضرت عیسی علیه السلام

القاب و اسماء حضرت مسیح علیه السلام را نیز در اناجیل مورد بررسی قرار می دهیم که هر کدام جنبه ای از رسالت او را بیان می کنند:

۱. عیسی علیه السلام : منجی موعود مسیحیان را در ابتداء یشوع (یهوشاعا،

ص:۷۵

۱- تاریخ جامع ادیان، ص ۶۰۹.

۲- درآمدی به مسیحیت، ص ۷۱.

یسوع) می نامیدنـد که واژه ای عبری و به معنـای نجـات خـداست. این کلمه را رومیان و یونانیان به «یسوس» تبـدیل کردنـد و همین واژه در زبان عربی «عیسـی» شـد.(۱) انجیـل، این واژه را «خداونـد نجـات دهنـده» معنـا کرده است که امت خویش را از گناهانشان خواهد رهانید.(۲)

۲. پسـر انسان: عنوان پسـر انسان، بیش از هشـتاد بار در عهد جدید بر آن حضرت اطلاق شده است. کتاب دانیال از پسر انسان نام می برد و او را به عنوان شخصیتی مطرح می کند که قبل از تنگی واپسین روز خواهد آمد و خدا داوری و پادشاهی را به او خواهد سپرد و مسیحیان ایمان دارند که عیسی آن روزها را تحقق می بخشد.(۳)

۳. پسـر خدا: در عهد جدید دو نوع مسـیح شناسـی وجود دارد(۴): در یک بخش مسـیح؛ انسان، پیامبر خـدا، بنده خدا و پسـر انسان است؛ و اگر هم به او پسـر خدا اطلاق می شود، به معنای بنده مقرب و برگزیده خداست یعنی ما با یک «عیسـی بشـری» روبه رو هستیم.

در بخش دیگر، او خود خـدا، خالق آسـمان و زمین و پسـر خـداست؛ به این معنا که همـذات با خـداست که جسم گرفته و در میان انسانها ساکن شده است؛ یعنی یک «عیسی خدایی» را تصویر می کند.

بنابراین مجموعه عهد جدید را نیز می توان به این دو بخش

۱- آشنایی با ادیان بزرگ، ص۱۳۰.

۲- متی ۱:۲۱.

۳- کلام مسیحی، ص۶۹.

۴- درسنامه ادیان ابراهیمی، ص۱۶۶.

تقسیم کرد. یک بخش نوشته های پولس و انجیل و رساله های منسوب به یوحنا قرار دارد که به توصیف «عیسی خدایی» و عیسی فوق بشری و دارای جنبه الوهیت می پردازد؛ به عنوان نمونه در انجیل آمده است: «من و پدر یک هستیم»(۱)؛ «کسی که مرا دید پدر را دیده است»(۲)؛ «[مسیح] در صورت خدا بود، با خدا برابر بودن را غنیمت نشمرد لیکن خود را خالی کرده، صورت غلام را پذیرفت و در شباهت مردمان شد»(۳)؛ او خالق همه چیز است«همه چیز به واسطه او آفریده شد و به غیر از او چیزی از موجودات وجود نیافت»(۴)؛ «پدر در من است ومن در او».(۵)

اما بقیه قسمتهای اناجیل به «عیسی بشری» تعلق دارند. در بخش اخیر، سه انجیل متی، مرقس و لوقا قرار دارد، که به لحاظ مشابهت مطالبی که درباره حضرت عیسی نقل کرده اند، به آنها اناجیل همنوا گفته می شود. در این بخش دیگر سخن از الوهیت عیسی نیست؛ بلکه او بنده ای است از بندگان خدا که ماموریت و رسالتی خاص دارد:

اینک بنده من که او را برگزیدم و حبیب من که خاطرم از وی

۱- یوحنا ۱۰:۳۰.

۲- یوحنا ۹:۱۴.

۳- فیلیپیان ۲:۵-۸.

۴- یوحنا ۱:۳.

۵- یوحنا ۱۰:۳۸.

خرسند است. روح خود را بر وی خواهم نهاد تا انصاف رابر امتها اشتهار نماید... نیِ خرد شده را نخواهد شکست و فتیله نیم سوخته را خاموش نخواهد کرد تا آنکه انصاف را به نصرت برآورد و به نام او امتها امید خواهند داشت(1) «برای شما اولاً خدا بنده خود عیسی را برخیزانده، فرستاد تا شما را برکت دهد»(2)

پس او بنده ای از بندگان خداست که برای پایان دادن به بی عدالتیها و داوری بین مردم برگزیده شده است.

در جای دیگر او خود را پیامبری از پیامبران الهی می داند(3).وقتی در شهر خود جلیل، بی احترامی می بیند، می گوید: «نبی ای بی حرمت نباشد، مگر در وطن و خانه خویش».(4)

در این بخش او پسر خدا خوانده شده است، اما هرگز این پسر بودن به معنای همذاتِ خدا بودن نیست، بلکه به معنای بنده مقرب خدا بودن یا به معنای مخلوق بیواسطه و بدون پدر بودن است. در هنگام تولد او، فرشته خداوند به مریم می گوید: تو به زودی باردار شده پسری به دنیا خواهی آورد و نامش را عیسی خواهی نهاد. او مردی بزرگ خواهد شد و پسر خدا نامیده خواهد شد... مریم از فرشته پرسید: اما چگونه چنین چیزی امکان دارد؟ دست هیچ مردی

۱- متی ۱۲:۱۸-۲۱.

۲- اعمال ۳:۲۶.

۳- درسنامه ادیان ابراهیمی، ص۱۶۷-۱۶۹.

۴- متی ۱۳:۵۷؛ لوقا ۶: ۴.

هرگز به من نرسیده است؛ فرشته جواب داد: روح القدس بر تو نازل خواهد شدو قدرت خدا بر تو سایه خواهد افکند. از این رو آن نوزاد مقدس بوده، فرزند خدا خوانده خواهد شد.(۱) در این فقره دو بار سخن از پسر بودن حضرت عیسی رفته است.در هر دو موردسخن از آینده است. بنابراین، یک امر ذاتی نیست. در مورد نخست از آن رو پسر خدا خوانده می شود که مرد بزرگی است و در مورد دوم از آن جهت به این عنوان ملقب می گردد که بدون پدر متولد شده است؛ چنان که حضرت آدم نیز به این جهت عنوان «پسر خدا» را گرفته(۲) که مخلوق بی واسطه خدا است.(۳)

در اناجیل هم نوا عیسی هیچ گاه از عنوان «پسر خدا» برای خود استفاده نمی کند و همواره خود را «پسر انسان» می نامد. اما در انجیل یوحنا در دو جا خود را پسر خدا می خواند.(۴) ولی باید دانست که بیان این لقب در عرف مسیحیان به معنای تولد جسمانی عیسی از خدا نیست، بلکه هدف از این لقب آن است که ایمان خود به ارتباط صمیمانه و استوار عیسی با خدا را بیان کنیم.(۵)

۱- لوقا ۱:۳۱-۳۵.

۲- ابن انوش، بن شیث، بن آدم، بن الله(لوقا ۳: ۳۸).

۳- درسنامه ادیان ابراهیمی، ص۱۶۸.

۴- یوحنا ۵:۱۷ و۹:۳۵-۳۷.

۵- کلام مسیحی، ص۶۸.

۴. مسیح: مسیح را می توان نام دوم عیسی دانست.(۱) انجیل چهارم پر از لفظ مسیح از کلمه عبری ماشیاح (مسیاح) به مفهوم تدهین شده است. در دین یهود، افراد را به جهت مأموریت های مهم مذهبی با روغن مخصوص مسح می کردند. پس ایشان از ویژگی های خاصی برخوردار بودند و در میان مردم، افرادی مقدس و محترم شناخته می شدند.(۲)

۵. منجی: از دیگر القاب حضرت عیسی علیه السلام در انجیل نجات بخش و نجات دهنده می باشد.

چنان که در انجیل لوقا آمده است: «امروز برای شما در شهر داود، نجات دهنده ای که مسیح خداوند باشد متولد شد.»(۳) و همین طور در انجیل یوحنا آمده است: «به زن گفتند که بعد از این به واسطه سخن تو ایمان نمی آوریم. زیرا خود شنیده و دانسته ایم که او در حقیقت مسیح و نجات دهنده عالم است».(۴)

۶. از القاب دیگر عیسی در عهد جدید می توان به خداوند، کاهن عهد جدید، رب و رئیس کاهنان اشاره کرد.(۵)

۱- کلام مسیحی، ص ۷۰.

۲- مسیحیت شناسی مقایسه ای، ص ۱۸.

۳- لوقا ۲:۱۱

۴- یوحنا ۴:۴۲

۵- کلام مسیحی، ص ۷۱.

فصل سوم: نقد و بررسی

اشاره

ص:۸۱

الف) تولد حضرت عیسی علیه السلام از دیدگاه اسلام

دیدگاه اسلام به عنوان آخرین دین آسمانی درباره تولد و نسبت حضرت عیسی علیه السلام حائز اهمیت است. از نگاه منابع اسلامی، حضرت عیسی علیه السلام از نسل اسحاق پیامبر است. از میان فرزندان و نوادگان اسحاق می توان یعقوب، داوود و سلیمان را نام برد که هر یک در تاریخ بنی اسرائیل، پراهمیت هستند. مریم، مادر عیسی، فرزند عمران بن ماثان علیه السلام و از نوادگان داوود علیه السلام بود. بنابراین می توان برخی بشاراتی که در مسیحا از نسل داوود وارد شده است را بر حضرت عیسی منطبق کرد(۱).

در باب سالروز تولد حضرت عیسی بین مسیحیان اختلاف نظر وجود دارد. تا آنجا که برخی منتقدان وجود عیسای تاریخی را انکار کرده اند، چون در منابع تاریخی قرن اول میلادی اشاره ای به عیسی و فعالیتهای او نشده است؛ اما در بین منابع شیعی روایاتی وجود دارد

۱- مسیحیت شناسی مقایسه ای، ص ۶۰.

که این معما را حل می کند.

در حدیثی از امام باقر علیه السلام در پاسخ به شخصی مسیحی که از فاصله زمانی میان عیسی و پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم پرسیده بود، فرمودند:

به اعتقاد من میان آن دو بزرگوار پانصد سال فاصله است و به اعتقاد تو ششصد سال(۱).

و یا امام صادق علیه السلام فرمودند:

میان حضرت عیسی و محمد صلی الله علیه و آله و سلم پانصد سال فاصله است.(۲)

یعنی در قرن اول میلادی هنوز عیسی مسیح متولد نشده بود. بنابراین حدود یک قرن، تاریخ تنظیمی مسیحیت اشتباه می باشد.

متون روایی ما تولد عیسی را در ماه ذی حجه می داند. اما در باب مکان تولد آن حضرت برخلاف نظر مسیحیان که بیت لحم را زادگاه ایشان معرفی می کند؛ محل تولدش را حوالی کوفه می داند.(۳)

قرآن کریم جریان معجزه آسای تولد عیسی را چنین نقل می کند:

«... فَأَرْسَلْنَا إِلَيْهَا رُوحَنَا فَتَمَثَّلَ لَهَا بَشَرًا سَوِيًّا. قَالَ إِنَّمَا أَنَا رَسُولُ رَبِّكِ لِأَهَبَ لَكِ غُلَامًا زَكِيًّا. قَالَتْ أَنَّى يَكُونُ لِي غُلَامٌ وَلَمْ يَمْسَسْنِي بَشَرٌ وَلَمْ أَكُ بَغِيًّا. فَحَمَلَتْهُ فَانتَبَذَتْ بِهِ مَكَانًا قَصِيًّا(۴)»(۵).

۱- کافی، ج۸، ص ۱۲۰، ح۹۳.
۲- بحار الانوار، ج۱۴، ص۳۴۷، ح۷.
۳- مسیحیت شناسی مقایسه ای، ص۶۲.
۴- مریم، آیات۱۷، ۱۹، ۲۰، ۲۲.
۵- النور المبین فی قصص الانبیاء و المرسلین، ص ۴۰۴.

ما جبرئیل را به شکل بشری به سوی او (مریم) فرستادیم. مریم ترسید، اما جبرئیل گفت: من رسول پروردگار توام. آمده ام تا به تو فرزند پاکی عطا کنم. مریم گفت: من نه با کسی ارتباط داشته ام و نه بد کاره هستم. جبرئیل پاسخ داد: پروردگار تو چنین می خواهد که بدون تماس با بشری صاحب فرزند شوی. پس چون خدا می خواهد این کار بر من آسان است. سپس مریم به عیسی باردار شد، ولی از ترس حرف مردم به مکانی دور پناه برد.

هنگام ولادت حضرت عیسی علیه السلام اضطرابی عجیب حضرت مریم را فرا گرفت، اما گام هایش را محکم و استوار برمی داشت و کودکی را که در آغوش داشت نزد قومش آورد. یهودیان، تهمت های فراوانی به مریم وارد ساختند؛ بهتان ها و نسبت های ناروایی درباره او رواج دادند که گویی زنی آلوده دامن است. آنها گفتند:

ای مریم، کار بسیار عجیب و بدی انجام دادی.ای خواهر هارون! نه پدرت مرد بدی بود و نه مادرت زن بدکاره ای.(۱)

قرآن کریم این اتهام زشت یهودیان به حضرت مریم را «بهتانی عظیم» خوانده، سخت به نکوهش یهودیان پرداخته است:

به سبب کفر ایشان و آن تهمت بزرگ که به مریم زدند، آنان

ص:۸۴

۱- مریم، آیه ۲۷، ۲۸.

را به عقوبت گرفتار می کنیم.(۱)

اما خداوند با استنطاق حضرت عیسی در گهواره، از مریم رفع اتهام کرد و بر تولد معجزه گونه فرزندش مهر تایید زد:

مریم -که روزه سکوت داشت- به کودکش اشاره کرد یعنی از او بپرسید گفتند: چگونه با کودکی که در گهواره است سخن بگوییم؟ کودک زبان به سخن گشود و گفت: من بنده خدایم. او کتاب آسمانی به من عطا فرموده و مرا پیامبر قرار داده است و مرا هر جا که باشم موجودی پر برکت ساخته و تا زمانی که زنده ام مرا به زکات و نماز و نیکی به مادرم امر فرموده و مرا جبار شقی قرار نداده است. سلام خدا بر من در آن روز که متولد شدم و در آن روز که می میرم و آن روز که زنده برانگیخته خواهم شد.(۲)

ب) مصلوب شدن عیسی علیه السلام از دیدگاه اسلام

بر خلاف کتاب مقدس، قرآن و روایات اسلامی، مصلوب شدن حضرت عیسی علیه السلام را تأیید نمی کنند(۳). زیرا از مطالعه منابع اسلامی می توان نکات زیر را دریافت:

اولا، در شب حادثه، شخص دیگری را به جای عیسی علیه السلام دستگیر کردند. در آن شب، چهره این شخص به سیمای عیسی شبیه شد و

۱- نساء، آیه ۱۵۶.

۲- مریم، آیه۲۹-۳۳.

۳- مسیحیت شناسی مقایسه ای، ص۷۳-۷۴.

دشمنان او را به جای عیسی محاکمه کردند. قرآن می فرماید: «وَ أَیَّدْناهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ»(۱)؛ به وسیله جبرئیل یاری اش نمودیم؛ آن زمان که دشمنان در مقام کشتن مسیح (علیه السّلام) بودند، خداوند او را از منزل و خانه خود به طرف آسمان بالا برد و دشمن عیسی را در نظر مردم به شکل عیسی جلوه داد که گفتند این عیسی است و او را به جای عیسی کشتند.(۲) البته در روایتی(۳) آن شخص را از یاوران عیسی علیه السلام معرفی می کند که داوطلب جان نثاری بود.

ثانیا، بر اساس مستندات اسلامی در جریان توطئه علیه عیسی علیه السلام از هیچ یک از حواریون خیانتی صادر نشد و تمام آنان در ایمان به مسیح، پاک و صادق بودند. لذا داستان خیانت یهودای اسخریوطی مردود است.

در حدیثی از امام باقر علیه السلام چنین آمده است:

عیسی در شبی که خداوند او را به جانب خود برد با اصحاب خود وعده ملاقات داشت. آنان که دوازده نفر بودند، شب هنگام به نزدش آمدند. سپس عیسی در حالی که آب از سر خود می سترد از چشمه آبی که در گوشه منزل قرار داشت، بیرون آمد و فرمود: خداوند به من وحی فرموده

۱- بقره، آیه ۸۷.

۲- بحار الانوار، ج۹، ص ۳۲۰.

۳- بحار الانوار، ج۱۴، ص۳۳۶.

است که در این ساعت مرا به سوی خود بالا خواهد برد و از توطئه یهودیان نجاتم خواهد داد. کدامیک از شما حاضر است تا چهره ای شبیه من یابد و به جای من کشته و مصلوب گردد تا در بهشت در جایگاهم مرا همراه باشد. جوانی از میان آنان گفت:ای روح الله، من برای چنین کاری آماده ام. عیسی فرمود: تو همان شخص هستی....سپس عیسی گفت: به زودی شما پس از من به سه فرقه تقسیم خواهید شد. دو فرقه از شما به خدا افترا بسته، تهمت ناروا می زنند که در آتش خواهند بود و فرقه ای که از شمعون تبعیت کنند که خدا را همان گونه که شایسته است، تصدیق می کنند، به بهشت خواهند رفت. سپس خداوند عیسی را از گوشه منزل، در حالی که اصحاب او را نظاره می کردند به آسمان برد. یهودیان همان شب در طلب عیسی به آن محل آمدند و دو نفر از افراد را دستگیر کردند. شخص اول، همان کسی بود که به شکل ظاهری عیسی در آمده بود که مصلوب شد و به قتل رسید و شخص دوم تا قبل از طلوع صبح، دوازده مرتبه عیسی را انکار نمود.(۱)

روایات همچنین بیان می کنند که عیسی در آن شب، حکمت و علم به کتاب خدا را به جانشین خود، حضرت شمعون بن حمون، ملقب به صفا (صخره، پطرس) به امانت سپرد.(۲) زمان عروج عیسی علیه السلام

۱- بحار الانوار، ج۱۴، ص۳۳۶.

۲- بحار الانوار، ج۱۴، ص۳۳۵.

بر اساس گزارش برخی روایات، شب بیست و یکم ماه رمضان بود.(۱) وی به همراهی جبرئیل امین و هزاران فرشته دیگر به آسمان رفت.(۲)

قرآن نیز به صراحت مصلوب شدن و کشته شدن حضرت عیسی علیه السلام را رد می کند و می فرماید:

وَ ما قَتَلُوهُ وَ ما صَلَبُوهُ وَ لکِنْ شُبِّهَ لَهُمْ وَ إِنَّ الَّذینَ اخْتَلَفُوا فیهِ لَفی شَک مِنْهُ ما لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ إِلَّا اتِّباعَ الظَّنِّ وَ ما قَتَلُوهُ یَقیناً بَلْ رَفَعَهُ اللَّهُ إِلَیْهِ وَ کانَ اللَّهُ عَزیزاً حَکیما(۳)؛

و گفته ایشان که: «ما مسیح، عیسی بن مریم، پیامبر خدا را کشتیم»، و حال آنکه آنان او را نکشتند و مصلوبش نکردند، لیکن امر بر آنان مشتبه شد و کسانی که در باره او اختلاف کردند، قطعاً در مورد آن دچار شک شده اند و هیچ علمی بدان ندارند، جز آنکه از گمان پیروی می کنند، و یقیناً او را نکشتند، بلکه خدا او را به سوی خود بالا برد و خداوند توانا و حکیم است.

«إِذْ قالَ اللَّهُ یا عیسی إِنِّی مُتَوَفِّیک(۴) وَ رافِعُک إِلَیَّ وَ مُطَهِّرُک

۱- بحار الانوار، ج۱۴، ص۳۳۵.

۲- بحار الانوار، ج۱۴، ص۳۳۸.

۳- نساء، ۱۵۷-۱۵۸.

۴- لفظ وفی که ریشه کلمه متوفیّ است به معنای گرفتن تمام حقیقت انسان است. از آنجا که خداوند برای نجات عیسی از دست ستمکاران او را با تمام جسم و جان به آسمان برد، از کلمه متوفیّ استفاده شده است.پس نباید پنداشت که عیسی قبل از عروج از دنیا رفته است.(مسیحیت شناسی مقایسه ای، ص۷۲).

مِنَ الَّذینَ کفَرُوا...»(۱)؛

[یاد کن] هنگامی را که خدا گفت: «ای عیسی، من تو را برگرفته و به سوی خویش بالا می برم، و تو را از [آلایش] کسانی که کفر ورزیده اند پاک می گردانم.

بر اساس منابع اسلامی، خداوند رسول خود را تا قبل از عملی شدن توطئه قتل وی به آسمان برده است. البته تردیدی که مولف کتاب «درآمدی به مسیحیت» وارد کرده (مبنی بر این که برخی برخاسته شدن عیسی علیه السلام از قبر و از میان مردگان را ساختگی می دانند(۲)) می تواند مویدی بر این امر باشد.

روایات اسلامی در باب پایان کار و عمر حضرت عیسی علیه السلام - که منابع مسیحی بدان اشاره نکرده اند- گزارشاتی ارائه می دهد. قال النبی صلی الله علیه و آله و سلم فی نزول عیسی علیه السلام :

و یهلک فی زمانه الملل کلها إلا الإسلام و یهلک الدجال فیمکث فی الأرض أربعین سنه ثم یتوفی فیصلی علیه المسلمون»(۳)؛

همه ملل به جز اسلام هلاک می شوند، دجال هلاک می شود. پس عیسی ع چهل سال می ماند سپس فوت می کند و مسلمانان بر جنازه او نماز می گذارند.

ص:۸۹

۱- آل عمران: ۵۵.

۲- درآمدی به مسیحیت، ص ۷۱.

۳- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۸۴.

ج) القاب حضرت عیسی علیه السلام از دیدگاه اسلام

در قرآن کریم از عیسی علیه السلام با نام های مسیح، روح الله، عبدالله، مبارك و کلمه الله نام برده شده است. عیسی از آن رو کلمه الله خوانده شده است که با اراده مخصوص خداوند (کلمه تکوینی کن) و به گونه ای خارق العاده متولد شده است. در منابع روایی نیز روح الله، لقب عیسی بن مریم است. از دیگر القاب وی می توان به «معلم الخیر» (استاد نیکی) و «روح الامین» اشاره کرد.(۱)

د) شباهت ها

با توجه به مطالب گذشته، بین حضرت مهدی علیه السلام و حضرت عیسی علیه السلام به شباهت هایی برمی خوریم که به آنها اشاره می شود:

۱. تولد هر دو معجزه گونه است. حضرت عیسی علیه السلام بدون پدر و با عنایت خداوند متعال متولد شد و در مورد حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف خداوند آثار حمل را از مادر آن حضرت مخفی داشت و علی رغم تلاش حکومت وقت در جلوگیری از تولد آن حضرت، آن امام همام پا به عرصه وجود گذاشت و از گزند دشمنان در امان ماند و اراده و مشیت الهی بر تلاش آنان غلبه یافت.

۲. مسیح علیه السلام و مهدی علیه السلام نوادگان دختری «یسی»: یسی، پدر حضرت داوود نبی علیه السلام بود و حضرت عیسی علیه السلام نواده دختری یسی می

۱- مسیحیت شناسی مقایسه ای، ص۶۵.

باشد. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز از جانب مادرش، نرجس خاتون، نواده دختری یسی است. زیرا او دختر یشوعا، پسر پادشاه قیصر روم و از نسل داوود پیامبر بود و مادرش از اولاد یکی از حواری های عیسی علیه السلام به نام شمعون صفا، وصی حضرت عیسای مسیح علیه السلام است(۱) که وی نیز نواده دختری یسی می باشد.(۲)

بدین ترتیب بشارت کتاب «اشعیای نبی» را اشاره به آنها می توان دانست که بیان می کند:

و نهالی از تنه یسی بیرون آمده شاخه ای از ریشه هایش خواهد شکفت و روح خداوند بر او قرار خواهد گرفت؛ یعنی روح حکمت و فهم و روح مشورت و قوت و روح معرفت و ترس خداوند.... مسکینان را به عدالت داوری خواهد کرد و به جهت مظلومان زمین به راستی حکم خواهد نمود و جهان را به عصای دهان خویش زده و شریران را به نفخه لب های خود خواهد کشت. و کمربند کمرش عدالت خواهد بود و کمربند میانش امانت....»(۳)

۳. هر دو منجی مورد تأیید ملائکه الهی هستند.

۴. سنتی از عیسی علیه السلام در امام مهدی علیه السلام وجود دارد: حضرت صادق علیه السلام دراین باره فرمودند:

۱- کمال الدین و تمام النعمه، ج۲، باب۴۱، ح۱، ص۱۳۷.

۲- نزول عیسی و ظهور موعود، ص۶۳.

۳- اشعیا ۱۱: ۱-۵.

در قائم شباهتی است به عیسی؛ همچنان که در او، یهود و نصاری عقیده های خلاف پیدا کردند، همچنین درباره قائم نیز عقیده های خلاف پیدا خواهند کرد. پس بعضی منکر او شوند و بعضی گویند متولد نشده و بعضی گویند یازدهم عقیم بوده و بعضی گویند امامت منحصر به دوازده نیست، بلکه به سیزده و بیشتر نیز تجاوز کند و بعضی گویند روح قائم در هیکل غیر او نطق کند.(۱)

۵. هر دو منجی زنده اند و عمر آنها طولانی است. از این رهگذر، عمر طولانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز توجیه می شود.

۶. هر دو منجی را باید از موعودهای شخصی و متعین دانست؛ یعنی چنین نیست که هر کسی بتواند ولو شرایط برایش مهیا باشد دست به قیام زده و منجی شود؛ بلکه منجی هر دو دین، شخصی معین هستند که در آخرالزمان ظاهر شده و وظیفه خود را به منصه ظهور خواهد رساند.

۷. کتاب های آسمانی درباره هر دو منجی به امت های گذشته بشارت داده و نوید داده اند که اوضاع جهان با آمدن آنها بهبود می یابد.

۸. القاب و کنیه آنها دلالت بر نوع رسالت و قیام آنها دارد و تداعی کننده بحث منجی گری و نجات بخشی ایشان در آخرالزمان است.

۹. به نظرمی رسدکه بعد از رحلت حضرت عیسی علیه السلام، خود حضرت

۱- کمال الدین و تمام النعمه، ص۱۷۲.

حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف نماز را بر جنازه شریف شخصیتی مثل حضرت عیسی علیه السلام اقامه کند. اگر چنین باشد یک وجه مشابهت دیگر این است که نماز هر دو را امام معصوم علیهما السلام اقامه می کند؛ با این تفاوت که نماز حضرت عیسی علیه السلام را شخص امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف می خواند و نماز حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را همانگونه که بیان کردیم امام حسین علیه السلام برگزار خواهد کرد.

بخش سوم: گونه شناسی منجی موعود

اشاره

مقدمه

انـدیشه فراگیر موعود بـاوری در جهـان به گونه ای خـاص جلوه گر شـده است. در نگـاهی کلی، منجی موعود ادیان به لحاظ مـاهیت، گاه شخصـی (فردی خاص با صـفات مشـخص) است و گاه وجودی غیر شخصـی (همچون قانون و یا آرمانی خاص) است. ادیان دارای موعود شخصـی، گاه برای موعود یک جنبه الوهی قائلند و گاه او را فقط انسانی برجسـته و ممتاز می دانند. منجی موعود به لحاظ کارکرد، یا نجاتش جمعی است و کارکردش به نجات امت می انجامد و یا منجی فردی است که عمدتا به نجات معنوی منتهی می شود. نمودار زیر این تقسیم را نشان می دهد:(۱)

ص:۹۶

۱- کلیاتی درباره اندیشه منجی موعود، صص۱۹- ۲۲؛ مقتدای مسیح، ص۱۰۵.

گونه های منجی گرایی

o به لحاظ ماهیت

ـ موعود شخصی

۱- دارای جنبه الوهی (شکل مسیح برای مسیحیان)

۲- موعود بشری (مثل موعود اسلامی در نگاه عام)

ـ موعود غیرشخصی: مانند آرمان صلح کلی جهانی در آیین های دائو

o به لحاظ کارکرد

۱- نجات بخش فردی (مثل موعود بودایی مهایانه)

۲- نجات بخشی جمعی

موعود نجات بخش جمعی، خود به سه گونه می تواند باشد؛ می تواند صرفا به نجات اجتماعی (رفاه، به ورزی و آزادی اجتماعی) نظر داشته باشد، یا این که نجات این جهانی اجتماع را با نجات و رستگاری معنوی افرادش یک جا بخواهد و یا این که در باب اجتماع ساکت بماند و فقط سودای رستگاری افرادش را در سر داشته باشد.

منجی موعود به لحاظ کارکرد اجتماعی

۱ - نجات بخشی صرفاً اجتماعی (موعود ادیان سرخ پوستی و ادیان آفریقایی)

۲- نجات بخشی معنوی و اجتماعی: موعود اسلام و شیعی

۳- نجات بخشی صرفاً معنوی: موعود مسیحی

ص:۹۷

فصل اول: منجی شیعه

اشاره

ص:۹۹

مقدمه

در این قسمت ویژگی های فردی و ظاهری، همچنین جایگاه منجی موعود شیعه، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را بررسی می کنیم و با پژوهش در متون اسلامی، نوع و ماهیت وَعده و سنخ و شکل نجات بخشی آن را بیان خواهیم کرد.

الف) ویژگی ها و خصوصیات

یکم: ویژگی های ظاهری

۱. معرفی مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم فرموده است:

یخرج فی آخرالزمان رجل من ولدی اسمه اسمی و کنیته کنیتی. یملأ الأرض قسطاً و عدلاً کما ملئت ظلماً و جوراً فذلک هذا المهدی؛(۱)

ص:۱۰۰

۱- تذکره الخواص، ص۳۷۷، (به نقل از: منتخب الاثر، ص۲۳۶).

در آخرالزمان مردی از فرزندان من خروج می کند که نام و کنیه اش همانند نام و کنیه من است. او زمین را از قسط و عدل پر می کند، پس از آن که از ظلم و جور پر شده باشد. پس آن مرد، مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف این امت است.

در احادیث شیعه، نسب حضرت مهدی علیه السلام از طرف پدر به امام حسن عسکری علیه السلام امام یازدهم شیعیان و از طرف مادر، به نرجس، دختر یوشع بن قیصر، پادشاه روم می رسد. مادر او از نژاد شمعون، وصی عیسی و از حواریون آن حضرت است.(۱) او در ۵ سالگی (سال ۲۶۰ ه_.ق) و پس از شهادت پدر بزرگوارش به امامت رسید و از آن زمان تا سال ۳۲۹ ه_.ق، یعنی حدود ۶۹ سال، نوعی زندگی مخفی داشت. در این مدت، ارتباط او با پیروانش از طریق نوّاب صورت می گرفت که از آن دوران به «غیبت صغری» تعبیر می شود. آن حضرت پس از آن تاریخ، از دیدگان عموم پنهان می شود و غیبت کبری آغاز می گردد تا زمانی که به امر پروردگار ظهور کند و جهان را پر از عدل و داد گرداند. او حجت خدا، خاتم اوصیاء، رهایی بخش امت، مهدی، قائم آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم، بقیه الله و امام منتظر برای تأسیس حکومت عدل الهی است.

۲. خصوصیات جسمی و بدنی

با عنایت به روایات و برخی ملاقات های معتبر می توان گفت:

۱- کمال الدین و تمام النعمه، ج۲، ص۱۳۷.

مهـدی علیه السـلام شبیه ترین مردم به پیـامبر صـلی الله علیه و آله و سـلم است؛ هنگام ظهور، بین سـی تا چهل ساله به نظر می رسد. او جوانی است زیباروی، چهره اش همانند ماه یا ستاره تابان است؛ چهره و پوستش به رنگ عربی است؛ یعنی سفید مائل به سـرخی (گنـدم گـون) است که کمی به زردی میـل دارد. گـونه هـای حضـرت کم گـوشت است و بر گونه راست او خـال سیـاهی وجود دارد و بر پیشـانی وی اثر سـجده نمایـان است. دارای پیشانی بلنـد و درخشان است و بینی اش کشـیده و باریک است. ابروهایش بلنـد و کشـیده، رخ او درخشان و چشـمانش درشت، براق و به رنگ سـیاه است؛ دندان های پیشـین او از هم فاصله دارد و هیکلش همانند مردان بنی اسرائیل است، ولی قامتی متوسط دارد. دارای شانه هایی قوی و بزرگ، سینه ای فراخ، ساق هایی باریک و دستانی ستبر است که بر کف دست راستش یک خال وجود دارد.(۱)

۲-۱. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

مهـدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف از فرزنـدان من است.اند امش چونان مردان بنی اسـرائیل، سـخت و سـتبر است. به هنگام سختی و گرفتـاری امت من قیـام می کنـد؛ رنگ چهره اش به عرب ها شـباهت دارد، قیافه اش چون مرد چهل ساله می نمایـد، صورتش چون پاره ماه می درخشد، زمین را پر از عدل و داد می کند، آن گاه که آکنده از ظلم و سـتم شود. بیست سال زمام امور را در دست دارد و همه شهرهای کفر، چون قسطنطنیه،

۱- نک: «جمال یار»، مجله تخصصی انتظار موعود، شماره ۵، پاییز ۱۳۸۱.

روم و... را می گشاید.(۱)

۲-۲. امام حسن مجتبی علیه السلام نیز می فرماید:

...خداوند عمر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را در روزگار غیبت، طولانی می گرداند. پس از آن با قدرت بی پایانش او را در چهره جوانی کمتر از چهل ساله ظاهر می کند(۲).

۲-۳. ابوبصیر می گوید:

به امام صادق علیه السلام گفتم: از پدر شما شنیده ام که امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف سینه ای گشاد و کتف هایی باز و عریض دارد. حضرت فرمود: ای ابا محمد! پدرم زره پیامبر را پوشید، ولی برایش بلند بود، به طوری که بر زمین می رسید. من نیز آن را پوشیدم، ولی بر قامتم بلند بود، ولی آن زره بر قامت حضرت قائم چنان مناسب و اند ازه است که بر بدن رسول خدا اندازه بود و قسمت پایین آن زره کوتاه است، به طوری که هر بیننده گمان می کند اطراف آن را گره زده است.(۳)

دوم: ویژگی های اخلاقی و رفتاری

حضرت مهدی علیه السلام مانند پیشوایان معصوم دیگر دارای کمالات اخلاقی ویژه ای است. از آنجا که معصومین علیهم السلام انسان هایی کامل و از هر جهت اسوه و الگوی بشریت هستند، اخلاق نیکو را نیز در بالاترین

۱- ملاحم و الفتن فی ظهور الغائب المنتظر، ص۱۴۲.

۲- کمال الدین و تمام النعمه، ج۱، ص۳۱۵، باب۲۹.

۳- معجم احادیث الامام المهدی، ج۵، ص۸۷. به نقل از بصائر الدرجات، ص۱۸۸.

حد داشته و تمام صفات امامان شیعه را دارا می باشند. در این بخش به سه روایت اشاره می شود:

۱. ترس از خدا: کعب می گوید:

خشوع و ترس حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در برابر خداوند، مانند خشوع عقاب در برابر دو بالش است.(۱)

۲. زهد: امام صادق علیه السلام می فرماید:

چرا در ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تعجیل می کنید؟ خدا می داند که پوشاك او سخت و خشن، خوراکش نان جو و حکومتش، حکومت شمشیر است و مرگ در سایه شمشیر.(۲)

۳. افضل و سرآمد همگان: حضرت رضا علیه السلام می فرمایند:

مهدی علیه السلام داناترین، بردبارترین و پرهیزگارترین مردمان است. او از همه انسان ها بخشنده تر، شجاع تر و عابدتر است.(۳)

سوم: شباهت به انبیاء الهی

امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف شباهت های فراوانی به پیامبران گذشته و امامان علیهم السلام دارد:

۱. شباهت به پیامبراسلام صلی الله علیه و آله و سلم : اسم مبارکش محمد است و این نامی است که پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم برای او گذارده و فرموده: «...اسم او شبیه اسم من و

۱- فتن، ص ۱۰۰.

۲- غیبت نعمانی، ص۲۳۳.

۳- ینابیع الموده، ص ۴۰۱.

کنیه او شبیه کنیه من است.»(۱)

۲. شباهت در غیبت: آن چنان که در احادیث آمده، یکی از شباهت های ایشان به بعضی پیامبران، مسأله غیبت است، زیرا بعضی از پیامبران گذشته مانند حضرت یوسف علیه السلام و حضرت موسی علیه السلام نیز غیبت داشته اند.

۳. ارائه کرامت: معجزات بسیاری از آن حضرت نقل شده که گویای مقام ایشان است؛ مانند خبر دادن از متن نامه ناگشوده، خبر از محتویات یک بسته قبل از باز کردن آن، جواب به سؤالی که سؤال کننده فراموش کرده بود آن را بنویسد، شفا دادن بیماران و موارد فراوان دیگر....، از انبیاء الهی علیهم السلام نیز کرامات متعددی نقل شده است.

۴. پنهان ماندن ولادت: تولد آن حضرت را همچون حضرت ابراهیم خلیل الرحمن علیه السلام می دانند که نمرود، طاغوت زمان خواست از پیدا شدنش پیشگیری کند، اما نتوانست. او در غاری رشد کرد و در نهایت، بت ها را شکست و طاغوت را در هم کوبید. تولد امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز مخفی بود و هر آنچه حاکم وقت تلاش کرد، نتوانست مانع تابش نور وجودش شود.

ب) نقش و جایگاه (مقام، منزلت، عصمت، امامت و...)

اشاره

در این قسمت، به بررسی ویژگی ها و نقش و جایگاه منجی در

۱- عقدالدرر، ص۵۶؛ معجم احادیث الامام المهدی، ج۱، ص۹۴؛ نقل از تذکره الخواص، ص۳۶۳.

شیعه می پردازیم:

۱. امام زمان علیه السلام محور و مدار هستی: شیعه معتقد است که مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف همان طوری که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود «الائمه بعدی اثناعشر اولهم انت یا علی و آخرهم القائم الذی یفتح الله علی یدیه مشارق الارض و مغاربها»(۱) دارای مقام امامت بوده و فردی است ممتاز که قابل مقایسه با سایر افراد جامعه نمی باشد. خداوند اجازه تصرف در عالم هستی را به او داده و نقش هدایت گری برای او مقرر داشته است....عالم هستی بدون او لحظه ای دوام نخواهد آورد. اوست که باعث انسجام و فرو نریختن اجزاء عالم است. نمی شود تصور کرد که اگر امام نباشد، عالم چگونه خواهد بود. شاید این روایت امام صادق علیه السلام گویای این مطلب غیر قابل تصور باشد؛ ایشان فرمودند:

لو بقیت الارض بغیر امام لساخت؛(۲)

یعنی اگر زمین بدون امام بماند، فرو می رود.

۲. امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف واسطه فیض: در نظرحکما و اهل فن به اثبات رسیده که خداوند متعال بی نهایت است و در اوج کمال بوده و مرتبا در حال فیض رساندن می باشد و از طرفی جهان هستی در حضیض ذلت و پستی قرار گرفته است و توان اخذ مستقیم فیض از باری تعالی را ندارد. پس نظام الهی برای فیض رسانی به جهان، نیازمند یک واسطه

۱- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۲۸۲؛ معجم احادیث الامام المهدی، ج ۱، ص ۳۱۳.
۲- کافی، ج ۱، ص ۲۵۲.

می باشد و آن واسطه باید دو ساحتی باشد که از یک طرف به قدری علو داشته باشد که بتواند فیض حق را بی واسطه دریافت کند و از سویی دیگر بتواند آن فیض را به عالم پایین تر برساند. شمار بسیاری از حکما این واسطه را پیامبر و یا جانشین معصوم او (امام) معرفی می کنند. بر این اساس، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به عنوان تنها مصداق امامت در حال حاضر، واسطه فیض حق تعالی می باشد؛ یعنی تمام خیرات و کمالاتی که عائد مخلوقات می شود از طریق وی به ایشان می رسد.(۱)

۳. ملکه عصمت: عصمت، ملکه ای است که امام به واسطه آن از ارتکاب هر گناه و خطایی خودداری می کند. آیه ۱۲۴ سوره بقره براین معنا دلالت می کند. در این آیه ابتدا می فرماید خداوند، مقام امامت را به ابراهیم علیه السلام عنایت فرمود. سپس ابراهیم این مقام را برای نسل خودش درخواست کرد، اما خداوند فرمود: «لا ینال عهدی الظالمین»؛(۲) یعنی این مقام به آن دسته از ذریه ابراهیم که ظلم کرده باشند، نمی رسد. با توجه به این که گناه و سرپیچی از فرامین الهی نیز ظلم محسوب می شود، و لو در برهه ای از زمان، لذا امامت به کسانی که مرتکب گناه و خطا شده باشند یا دچار بشوند، نمی رسد. بنابراین، امام هیچ خطا و لغزشی نخواهد داشت و معصوم است.

۴. از اهل بیت وعترت: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

۱- دلائل عقلی و نقلی امامت و مهدویت، ص۱۱۱.

۲- بقره، آیه۱۲۴.

لو لم یبق من الدهر الا یوم لبعث الله رجلا من اهل بیتی یملأها عدلا کما ملئت جورا.(۱)

همچنین در حدیث دیگری می فرماید:

«لا-تقوم الساعه حتی تمتلئ الارض ظلما و عدوانا قال یخرج رجل من عترتی او من اهل بیتی، یملأها قسطا و عدلاً کما ملئت ظلما و عدوانا.»(۲)

۵. مقام: در بیان مقام و جایگاه حضرت مهدی علیه السلام این بیان امام صادق علیه السلام گویاست که فرمودند: «و لو ادرکته لخدمته ایام حیاتی؛(۳) یعنی اگر او را درک می کردم، تمام عمر، او را خدمت گزاری می کردم.»

در حدیث قدسی نیز درباره اهمیت جایگاه ولایت حضرات معصومین علیهم السلام و به خصوص حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف آمده است:

علی را پدر فرزندانت ساختم. و برای او اسمی از اسماء خود برگرفتم که من علی اعلی هستم و او علی است و فاطمه و حسن و حسین را از نور شما دو تن آفریدم. سپس ولایت ایشان را بر ملائکه عرضه داشتم و کسی که آن را پذیرفت، نزد من از مقربین است.ای محمد! اگر بنده ای مرا عبادت کند تا آن که منقطع شود و مانند مشک کهنه پوسیده گردد و در حالی که منکر ولایت ایشان است به نزد من آید، او را در بهشت خود جای نمی دهم و تحت سایه عرشم در

۱- عقدالدرر، ص۳۹؛ معجم احادیث الامام المهدی، ج۱، ص۱۱۰.

۲- عقدالدرر، ص۳۶؛ معجم احادیث الامام المهدی، ج۱، ص۸۱.

۳- غیبت نعمانی، ص۳۴۶، باب ۱۳، حدیث۴۶.

نیاورم.ای محمد! آیا دوست می داری که ایشان را ببینی؟ گفتم: آری ای، پروردگار من. گفت: سرت را بلند کن. سرم را بلند کردم و به ناگاه انوار علی و فاطمه و حسن و حسین و علی بن الحسین و محمدبن علی و جعفربن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمدبن علی و علی بن محمد و حسن بن علی و محمدبن حسن را دیدم. قائم در وسط آنان مانند ستاره ای درخشان بود. گفتم: پروردگارا! آنان چه کسانی هستند؟ فرمود: آنان ائمه هستند و این قائم کسی است که حلال مرا حلال و حرام مرا حرام می کند و به توسط او از دشمنانم انتقام خواهم گرفت و او راحت دوستان من است و او کسی است که دل شیعیانت را از ظالمان و منکران و کافران شفا می دهد. و لات و عزی را با طراوت بیرون می آورد و آنها را آتش می زند و فتنه مردم به آن دو در آن روز از فتنه عجل و سامری سخت تر است.(۱)

۶. منزلت: حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف همتای انبیاست و بر بعضی از انبیا برتری دارد. وی افضل امامان نُه گانه از نسل حسین علیه السلام است. بهشت مشتاق اوست. خداوند آنچه را که به انبیا بخشیده به او نیز عطا می کند و فزونی می بخشد.(۲)

چه مناسب است اینجا از تأویل آخرین آیه سوره ملك سخن رود

۱- کمال الدین و تمام النعمه، ص۴۷۳.

۲- «گونه شناسی منجی موعود در قرآن و سنت نبوی»، گونه شناسی موعود منجی در ادیان، ص۲۷۸.

که «ماء معین» آب روان بر روی زمین، به آن حضرت تأویل می شود. بنابر آنچه از حضرت باقر علیه السلام رسیده است در آیه شریفه «اگرآب های شما در زمین فرو رفت، پس کیست که برای شما آب روان بیاورد؟»(۱) می فرماید:

این آیه درباره قائم ما نازل شده است. خداوند می فرماید اگر امامتان از شما غایب شد که نمی دانید او در کجاست، پس کیست که برای شما امام آشکاری بیاورد که برایتان اخبار آسمان و زمین و حلال و حرام خداوند (عزوجل) را بیاورد. آن گاه فرمود: تأویل این آیه نیامده و حتماً خواهد آمد.(۲)

۷. مهدی وارث پیامبران: در بیان مقام حضرت مهدی علیه السلام مطابق منابع معتبر شیعی درمی یابیم که حضرت مهدی علیه السلام از آن جا که وارث تمامی پیامبران می باشد، مانند آنان وارث سنت های ایشان نیز هست. حدیث بعد به اهمیت همین موضوع اشاره دارد:

از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمودند:

در امام قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف از موسی و یوسف و عیسی و محمد صلی الله علیه و آله و سلم سنت هایی وجود دارد. اما سنت او از موسی علیه السلام آن است که خائف و منتظر است؛ و سنت او از یوسف علیه السلام آن است که برادرانش او را مبایعه کردند و با او سخن می گفتند و او را

۱- ملک، آیه ۳۰.

۲- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، باب ۳۲، ص ۳۲۵.

نمی شناختند؛ و سنت او از عیسی علیه السلام سیاحت کردن است و سنت او از محمد صلی الله علیه و آله و سلم شمشیر است.(۱)

در حدیثی دیگر آمده است: امام باقر علیه السلام فرمودند:

در صاحب الامر چهار سنت از چهار پیامبر وجود دارد: سنتی از موسی و سنتی از عیسی و سنتی از یوسف و سنتی از محمد صلی الله علیه و آله و سلم . اما از موسی علیه السلام ترس و انتظار و از یوسف علیه السلام زندان است و اما از عیسی علیه السلام آن است که درباره او می گویند مرده است، ولی او نمرده است و اما از محمد صلی الله علیه و آله و سلم شمشیر است.(۲)

۸. مهدی، صاحب معجزه: حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف دارای معجزات و کراماتی است که در کتب روایی به برخی از آنها اشاره شده است و ما در ذیل، یک مورد از آن را ذکر می کنیم:

محمد بن ابراهیم بن مهزیار می گوید: بعد از رحلت حضرت عسکری علیه السلام در خصوص امام بعد از وی تردید کردم. اموالی از سهم امام نزد پدرم جمع شده بود. آنها را برداشته به کشتی نشستم و او را مشایعت کردم. ناگاه تب شدیدی بر وی (پدرم) عارض شد، به طوری که گفت: فرزند، مرا برگردان! مرا برگردان که این تب علامت مرگ است. سپس گفت: در خصوص این مال، راه احتیاط را پیش گیر. آن گاه وصیت نمود و وفات یافت.

۱- کمال الدین و تمام النعمه، ج۱، ص۵۶.

۲- کمال الدین و تمام النعمه، ج۱، ص۳۰۳.

من پیش خود گفتم: پدرم به چیز نادرست وصیت نکرده است. این اموال را به عراق حمل می کنم و خانه ای کنار شط اجاره کرده، می مانم و هیچ کس را از جریان مطلع نمی گردانم. اگر مطلب برایم روشن شد و همان طور که زمان حیات امام حسن عسکری علیه السلام روشن بود، دانستم امام کیست، این اموال را به آن کس که امام است می دهم و گر نه به فقرا قسمت می کنم.

پس به عراق آمدم و کنار شط خانه ای اجاره کردم و چند روزی ماندم. روزی دیدم قاصدی آمد و نامه ای به من داد که نوشته بود: ای محمد! فلان مقدار مال در فلان چیز نزد تو هست. هر چه من آورده بودم و خودم از آن اطلاع نداشتم، نام برده بود. من آن اموال را به قاصد تسلیم نمودم و چند روزی منقلب و غمگین ماندم تا این که نامه دیگری به افتخار من صادر گشت که: ما تو را به جای پدرت وکیل نموده ایم. پس حمد خدا را به جای آور.(۱)

و همچنین از احمد بن اسحاق، دستیار امام عسکری علیه السلام روایت شده که پس از تولد امام دوازدهم عجل الله تعالی فرجه الشریف به امام عسکری علیه السلام گفتم: «آیا نشانه ای که مردم را به امامت کودک امام مطمئن سازد، هست؟» بلافاصله کودک (حضرت مهدی عج) لب به سخن بازکرد وگفت: «من بقیه الله (آخرین حجت خدا) بر روی زمینم ومنتقم دشمنان اویم».

ص:۱۱۲

۱- خورشید در نهان، ج۲، ص۳۹۸.

ای احمد بن اسحاق دلیل دیگری طلب نکن.(۱)

۹. برقرارکننده عدالت: پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم می فرمایند:

شبیه ترین مردم به من است. برای او غیبت و حیرتی است که امت ها در آن گمراه شوند. سپس مانند شهاب ثاقب پیش آید و زمین را پر از عدل و داد نماید، همان گونه که پر از ظلم و جور شده باشد.(۲)

۱۰. منجی: همان طور که بیان شد، از نظر اسلام نجات در دو معنا استعمال می شود که فقط یک معنای آن مفهوم آخرت شناسانه دارد. و آن همان معنایی است که نجات بخشی پایان دنیا (دوران ظهور) را تداعی می کند. این نوع از نجات، نوید بخش خلاصی همگان از زیر بار مصیبت و بلاها و بی عدالتی ها می باشد که با آمدن یک منجی با عنوان مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف محقق می شود. بر این اساس جایگاه حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به عنوان یک نجات بخش موعود، مورد پذیرش شیعه می باشد.

موعود شیعی به لحاظ کارکرد، نجات بخشی جمعی است، (۳) یعنی مهدی می آید برای نجات همه انسان ها؛ لذا نجات بخشی او انحصاری و قوم مدارانه نیست، بلکه فرا قومی و فرا منطقه ای بوده و جهان شمول است. روایات ذیل موید این مطلب است:

ص:۱۱۳

۱- إعلام الوری بأعلام الهدی، ص۴۴۹، فصل سوم.

۲- کمال الدین و تمام النعمه، ج۱، ص۵۳۵.

۳- «گونه شناسی منجی موعود در قرآن و سنت نبوی»، گونه شناسی موعود منجی در ادیان، ص ۲۸۰.

۱. تعبیر یملاء الارض عدلا:

مَا رَوَاهُ عَبْدُ الْعَظِیمِ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْحَسَنِیُّ قَالَ دَخَلْتُ عَلَی سَیِّدِی مُحَمَّدِ بْنِ عَلِیٍّ فَقَالَ یَا أَبَا الْقَاسِمِ إِنَّ الْقَائِمَ مِنَّا هُوَ الْمَهْدِیُّ الَّذِی یَجِبُ أَنْ یُنْتَظَرَ فِی غَیْبَتِهِ وَ یُطَاعَ فِی ظُهُورِهِ وَ هُوَ الثَّالِثُ مِنْ وُلْدِی... إِنَّهُ لَوْ لَمْ یَبْقَ مِنَ الدُّنْیَا إِلَّا یَوْمٌ وَاحِدٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِک الْیَوْمَ حَتَّی یَخْرُجَ فَیَمْلَأَ الْأَرْضَ قِسْطاً وَ عَدْلًا کمَا مُلِئَتْ جَوْراً وَ ظُلْماً(۱)؛

عبدالعظیم حسنی گوید: خدمت امام جواد رسیدم؛ ایشان فرمودند: قائم از ماست. او مهدی است که در دوران غیبتش واجب است منتظر او بود و در زمان ظهورش لازم است مطیعش گردید.او سومین از فرزندان من است... اگر از عمر دنیا یک روز هم باقی بماند خداوند آنقدر آن یک روز را طولانی می کند تا اینکه او خروج کند، پس زمین را پر از عدل و داد کند، همانطوری که پر از ظلم و جور شده بود.

۲. «رجال مسومه یجمع الله عزوجل له من اقاصی البلاد علی عدد اهل بدر ثلاثمائه وثلاثه عشر رجلا...(۲)»؛ مردانی شناخته شده و نامدار خدای تعالی برای او از اقصی نقاط بلاد ۳۱۳ تن به عدد اصحاب بدر گرد می آورد.

این روایت نشان می دهد که یاران آن حضرت از یک نژاد خاص

۱- إعلام الوری بأعلام الهدی، ص۴۲۴

۲- کمال الدین وتمام النعمه، ج۱، ص۲۶۸.

نبوده، بلکه از تمام مناطق دنیا، عدالت خواهان جهت یاری او اطرافش جمع می شوند.

سنخ نجات جمعی او هم اجتماعی است و هم معنوی؛ نه اینکه صرفا اجتماعی و یا صرفا معنوی باشد، یعنی در کارکردش هم به اموری اجتماعی مردم مثل اقامه عدل وقسط می پردازد وهم از امور معنوی و دینی و مسائل مربوط به آخرت آنان غافل نمی شود.

۳. قال علی علیه السلام : «فانه اذا قام قائم العدل وسع عدله البر و الفاجر»(۱)؛ زمانی که اقامه کننده عدل قیام کند وسعت و گستردگی عدالت او نیک کردار و فاجر را فرا می گیرد.

۴. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید: «یرد الله به الدین و یفتح له فتوح، فلا یبقی علی وجه الارض الا من یقول: لااله الاالله»(۲)؛ خداوند دین را به وسیله او بازمی گرداند و برایش فتوحات رخ می دهد، پس بر روی کره زمین هیچ کس باقی نمی ماند مگر اینکه گوینده کلمه تهلیل است.

موعود شیعی را به لحاظ آرمان، می توان از موعودهای «رو به گذشته» قلمداد کرد، زیرا مردم را به سوی کتاب خدا و سنت نبوی می خواند. چنان که امام صادق علیه السلام فرمودند:

اذا قام القائم علیه السلام دعا الناس الی الاسلام جدیدا(۳)؛

زمانی که حضرت قائم علیه السلام قیام کند مردم را به سوی اسلام

۱- معجم احادیث الامام المهدی، ج۴، ص۲۶۴.

۲- معجم احادیث الامام المهدی، ج۲، ص۳۱۷.

۳- معجم احادیث الامام المهدی، ج۵، ص۳۰۲.

دعوت می کند جدیدا.

اما دامنه رسالت موعود شیعی و کارها و فعالیتهای وی بسیار فراتر و گسترده تر از آن کارهایی است که به دست پیامبر انجام شده است. او به اقداماتی دست خواهد زد که تا آن زمان سابقه و پیشینه ای نداشته است(۱). لذا از این جهت شاید بتوان رسالت او را «رو به آینده» دانست.چنانکه حضرت علی علیه السلام می فرماید:

فیبعث المهدی علیه السلام ... و یبقی الخیر،... و یذهب الربا و الزنا و شرب الخمر و الریا و تقبل الناس علی العباده و المشروع، و الدینه و الصلاه فی الجماعات و تطول الاعمار و تودی الامانه و تحمل الاشجار و تتضاعف البرکات و تهلك الاشرار و یبقی الاخیار و لایبقی من یبغض اهل البیت علیهم السلام (۲)؛

مهدی مبعوث خواهد شد.. و خیر باقی می ماند... ربا و زنا و شراب و ریاء از بین می رود و مردم به سوی عبادت و دیانت و نماز در اجتماعات روی می آورند و عمرها طولانی شده و امانات رد می شود و درختان ثمر می دهند و برکات مضاعف شده و اشرار هلاك شده و اهل خیر باقی می مانند و کسی که با اهل بیت بغض و کینه داشته باشد باقی نخواهد ماند.

موعود منجی شیعه دارای کارکردی کیهانی است، زیرا هم پیش

۱- «گونه شناسی منجی موعود در قرآن و سنت نبوی»، گونه شناسی موعود منجی در ادیان، ص ۲۸۰.
۲- منتخب الاثر، ج۳، ص۱۴۵.

از ظهور او حوادثی رخ خواهد داد که تصرف در عالم طبیعت می کند، و هم حوادث کیهانی ای(۱) که پس از ظهور و قیام او واقع خواهد شد این موضوع را تایید می کند.

حوادث کیهانی پیش از ظهور

۱. قحطی شدید: امام علی علیه السلام فرمودند که سه سال قحطی و گرانی پیش می آید که به محصولات کشاورزی آفت زده و باعث از بین رفتن آنها می شود(۲).

۲. وقوع مرگ ناگهانی: پیامبر اسلام مرگ ناگهانی را از علائم آخر الزمان برشمرده اند و آن را به مرگ سفید تعبیر کرده اند.(۳)

۳. باران فراوان: در آخر الزمان به گونه ای باران پی در پی خواهد آمد که مثل آن را مردم ندیده اند و باعث برکت و زنده شدن زمین می شود.(۴) «ثم یختم ذلک باربع و عشرین مطره تتصل فتحیی بها الارض بعد موتها و تصرف برکاتها»؛ سپس پایان می پذیرد علامات آخرالزمان به اینکه بیست و چهار روز متصلا باران می بارد و زمین به وسیله آن سرسبز و خرم می گردد که مردم از آن بهره مند می شوند.(۵)

۱- .ر.ک: آخر الزمان در ادیان ابراهیمی، صص۱۶۳-۱۷۰و۸۶-۹۳.

۲- بحار الانوار، ج۵۲، ص۱۸۵.

۳- بحار الانوار، ج۵۲، ص۲۰۷.

۴- بحار الانوار، ج۵۲، ص۲۱۲.

۵- ارشاد، ج۲، ص۴۴۶.

حوادث کیهانی پس از ظهور

۱. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

یخرج فی آخر امتی المهدی یسقیه الله الغیث و تخرج الارض نباتها(۱)؛

مهدی در امتم خروج می کند. خداوند به وسیله باران امتم را سیراب می کند و زمین محصو ل خود را بیرون می دهد.

۲. پیامبر اسلام فرمودند:

...یفرح به اهل السماء و اهل الارض و الطیر و الوحوش و الحیتان فی البحر و تزید المیاه فی دولته و تمد الانهار و تضعف الارض اکلها و تستخرج الکنوز(۲)؛

اهل آسمان و اهل زمین و پرندگان و وحوش و ماهیان درون دریا به واسطه ظهور مهدی شادمان می شوند.در دولت او آبها فراوان شده و روزها طولانی گشته و زمین محصول مضاعف داده و گنجها استخراج می شود.

ج) نتیجه گیری

منجی موعود شیعه از لحاظ ماهیت، موعودی است شخصی و متعین؛ یعنی فردی است که از پیش تعیین شده است؛ چنان که در لابه لای روایات به مشخصات فردی آن موعود اشاره شده است؛ از قبیل اسم و اسم پدر، آباء و اجداد، ویژگی های شخصی و.... بنابراین،

۱- منتخب الاثر، ج۳، ص۱۴۲.

۲- منتخب الاثر، ج۳، ص۱۳۸.

چنین نیست که هر کسی که این شرایط برایش فراهم شود، اقدام به اصلاحات کرده و نجات بخش بشریت باشد.

نجات بخشی منجی موعود شیعه، جمعی بوده و به نجات اجتماعی و معنوی دست می زند و این نجات، جهان شمول است و تمام زمین را دربرمی گیرد و مختص قوم، منطقه، کیش و آیین خاص و ویژه ای نیست؛ بلکه همگان از برکات دولت مهدی علیه السلام بهره مند می شوند.

فصل دوم: منجی مسیحیت

اشاره

ص:۱۲۱

مقدمه

در این فصل با توجه به منابع مسیحیت و «کتاب مقدس» آنان(۱)، ابتدا به بیان ویژگی های ظاهری و فردی و سپس منزلت و جایگاه منجی موعود مسیحیان، حضرت مسیح علیه السلام، می پردازیم تا نوع و ماهیت وعده و نجات بخشی او را دریافته، بتوانیم گونه موعود منجی مسیحیان را مشخص کنیم:

الف) ویژگی ها و خصوصیات فردی

اشاره

در منابع مسیحیت، حضرت عیسی علیه السلام حضوری کم رنگ دارد و چندان از ویژگی ها و خصوصیات ایشان بحث نمی شود و این طبیعی است. چون همان طور که ذکر گردید، بیشتر مطالب عهد جدید، حداقل ۳۵ سال بعد از وفات حضرت عیسی علیه السلام نگاشته شده است و همین امر سبب گردیده است که گزارشات زیادی در این باره در دسترس نداشته

۱- Biblia.

باشیم. فقط از لابه لای کتاب مقدس و اناجیل، به برخی از صفات رفتاری آن حضرت دست می یابیم که به آن می پردازیم:

یکم: ویژگی های ظاهری

جیمز هاکس در «قاموس کتاب مقدس» عیسی را شخصی معتدل القامه با موهای می گون و طلایی رنگ و صاف که در مقابل گوش ها مجعد و درخشان بود، توصیف می کند. او موهایش را به دو نیم تقسیم می کرد. پیشانی اش مستوی و نرم بود، رویش بی عیب و مایل به قرمزی بود و ریش کامل و تمام، به رنگ موی سرش داشت. دارای چشمانی کبود رنگ و درخشنده و دستانی خوش ترکیب بود.(۱)

او را در روز هشتم تولد بنا به رسم اسرائیلیان ختنه کردند.(۲) در سنین خردسالی در کنار پدر و مادرش می زیست و مطیع آنان بود(۳). او برای امرار معاش به شغل نجاری اشتغال داشت، (۴) اما جایی برای استراحت نداشت.عیسی خود در این مورد گفته است:

«روباهان را سوراخ است و مرغان هوا را آشیان ها، اما پسر انسان را جای سر نهادن نیست».(۵)

۱- قاموس کتاب مقدس، ص۸۰۷.

۲- لوقا ۲:۲۱

۳- لوقا ۲:۵۱

۴- مرقس ۶:۳.

۵- لوقا ۹:۵۸.

نزدیک به ۳۰ سال داشت که رسالت خود را آغاز کرد(۱) و سه سال بعد به صلیب کشیده شد.(۲)

دوم: ویژگی های اخلاقی و رفتاری

بسیار کم حرف بود. کسی خنده او را ندید، اما بسیاری گریه او را دیده بودند. هیچ صغیره و کبیره و ترک اولایی را مرتکب نشد.(۳) شخصی امین(۴) و مهربان(۵) بود. مباحثات او با مخالفان نشان از احاطه وی بر کتاب مقدس یهود دارد(۶). برای تبلیغ رسالت خود به شهرهای مختلف سفر می کرد و بشارت ملکوت خدا محور اصلی تعالیم وی بود(۷). در روش تبلیغی خود آموزش تمثیلی را برگزیده بود.به ویژه در انجیل متی مثالهای حکمت آموز او آمده است(۸).با وجود آنکه یحیی شاگردانش را به روزه توصیه می کرد عیسی می خورد و می آشامید و شاگردانش را هم به روزه توصیه نمی کرد(۹).

۱- لوقا ۳:۲۳.

۲- مسیحیت شناسی مقایسه ای، ص ۵۰.

۳- قاموس کتاب مقدس، ص۸۰۷.

۴- اول تسالونیکیان ۵:۲۴.

۵- یوحنا ۲۳:۱۱.

۶- مسیحیت شناسی مقایسه ای، ص ۵۰.

۷- متی ۲۳:۴

۸- مسیحیت شناسی مقایسه ای، ص ۵۰.

۹- متی ۱۴:۹

بر خلاف شریعت موسی علیه السلام که هم سیاسی و هم روحانی بود، اصول و تعالیم عیسی مسیح علیه السلام فقط روحانی است. او از اقدام سیاسی علیه حکومت ممانعت می کرد؛ به شدت از جنگ و خون ریزی وخشونت متنفر بود و برای ایجاد آشتی و صلح و اصلاح، از حق خود می گذشت(۱) و به دیگران نیز توصیه می کرد که چنین کنند. مطیع مقررات حکومتی و مخالف به کارگیری شمشیر بود. در عین حال، شخصی شجاع بود که در مقابل روحانیت فاسد، علناً قیام نمود.(۲) او شخصی بسیار فروتن و متواضع بود و در شام آخر، پای شاگردان را به دست خویش شستشو داد. عیسی بسیار غیور، مظلوم، صبور و حلیم، با محبت و مطیع خداوند بود. در ذیل به برخی از این خصوصیات اخلاقی اشاره می شود:

حلم و صبر: یوغ مرا برخود گیرید و از من تعلیم یابید، زیرا که حلیم و افتاده دل می باشم.(۳)

تواضع و فروتنی: از شام برخاست و جامه خود را بیرون کرد و دستمالی گرفته، به کمر بست. پس آب در لگن ریخته، شروع کرد به شستن پای های شاگردان و خشکاندن آنها با دستمالی که بر کمر داشت.(۴)

۱- متی ۳۸:۵.

۲- متی ۱۲:۲۱.

۳- متی ۲۹:۱۱.

۴- یوحنا ۴:۱۳.

محبت: همچنان که پدر مرا محبت نمود، من نیز شما را محبت نمودم.(۱)

مطیع اوامر و احکام الهی:...من احکام پدر خود را نگاه داشته ام.(۲)

شجاع و مبارز: پس عیسی داخل هیکل خدا گشته، جمیع کسانی را که در هیکل خرید و فروش می کردند، بیرون نمود و تخت های صرافان و کرسی های کبوتر فروشان را واژگون ساخت.(۳)

علاوه بر این، حضرت عیسی علیه السلام شخصی سخندان و منطقی، زیرك، هوشیار و حاضر جواب بود که مضامین اناجیل گویای این حقیقت است.(۴)

ب) نقش و جایگاه

اشاره

در ادبیات الهیات سنتی مسیحی، میان شخص مسیح و عملکرد او تمایز نهاده اند. «مباحث مربوط به دسته نخست را معمولاً مسیح شناسی و دسته دیگر را موضوعات نجات شناسی لقب می دهند.»(۵) به طور قطع، این تمایز در زمان شخص عیسی وجود نداشته و درست از زمانی پدید آمده است که عیسی بی آن که کاری شاهانه انجام داده و بنی اسرائیل

۱- یوحنا ۹:۱۵.

۲- یوحنا ۱۰:۱۵.

۳- متی ۱۲:۲۱.

۴- لوقا ۲۰:۲۰؛ متی ۱۵:۲۲.

۵- الهیات سیستماتیک، ص ۲۳۱.

را از پراکندگی و غم رهایی دهد (به باور مسیحیان) بر صلیب شد. در این زمان بود که برای عیسی دو کارکرد تصور شد؛ یکی از این دو کاملاً مبتنی بر شخص اوست و دیگری به عمل تاریخی اش. همین تمایز سبب شده است که در مسیحیت دو گونه نجات و به تبع آن، دو گونه منجی تصور شود:

الف) نجات سیال، شخصی و میانجی گرایانه

این درک از نجات، به رستاخیز عیسی علیه السلام ارتباط چندانی ندارد و کاملَا با همان زندگی اولیه او سازگار است. این نجات، ثمره میانجی گری عیسی علیه السلام است و نه منجی گری اش. در این معنا از نجات است که عیسی با فدیه کردن خود، رابطه میان انسان و خدا را اصلاح می کند. «مسیح بره خدا بود که گناهان جهان را بر می دارد.»(۱) بنابراین، این گونه نجات به معنای رهایی از تقصیر یا گناه و یا رهایی از پی آمدهای آن در این جهان و حیات اخروی است. بر این اساس، نجات بخشی عیسی، سیال و غیر زمان مند (هرزمان به عیسی ایمان آورده شود، نجات می یابد) فردی و غیرآخرت شناختی (با پایان تاریخ ربطی ندارد) است. بهتر است این گونه نجات بخشی را از مقوله مباحث موعود باوری بیرون بدانیم.

ب) نجات جمعی، زمان مند و منجی گرایانه

اشاره

در این نگاه، عیسی علیه السلام در بازگشت مجدد خود، کار شاهانه ای انجام

۱- یوحنا ۱:۲۹.

خواهد داد که همان تشکیل حکومتی است فراگیر که پیام انجیلی را به همه مردم می رساند.(۱) در این درک از نجات، ما با یک منجی روبرو هستیم و نه یک میانجی. این گونه نجات، به اجماع تمام مسیحیان، رهایی بخشی عیسی به معنای نجات بخشیدن از پراکندگی، ظلم و نابسامانی است؛ امری که در سایه تشکیل یک حکومت مرکزی عملی می گردد. نجات بدین معنا، نجاتی است زمان مند (در زمان مشخصی طبق پیش گویی ها تحقق می پذیرد)، اجتماعی و معنوی (هم به نجات معنوی می اندیشد هم به رفاه دنیوی)، فراملی (دارای رسالت جهانی) و رو به آینده است. در این گونه از نجات، ما با منجی ای روبرو هستیم که علاوه بر توجه به رستگاری معنوی، اهدافی چون برپایی عدل، امن و رفاه اجتماعی را هم مد نظر دارد.

اکنون با عنایت به این دو دیدگاه درباره منجی مسیحیت، نقش و جایگاه عیسی علیه السلام در متون مسیحیت را مورد بررسی قرار می دهیم:

۱. نبی: عیسی نبی خوانده شده؛ یعنی کسی که پیام خدا را برای انسان آورد و انحرافات رهبران دینی و ستمکاری به بینوایان را محکوم کرد.(۲)

۲. صاحب معجزه: کتاب مقدس گزارشاتی از کرامات و معجزات

۱- الهیات سیستماتیک، ص۲۳۲.

۲- کلام مسیحی، ص ۷۱.

حضرت عیسی علیه السلام نقل می کند؛ همچون شفای دیوانگان(۱)، شفای پیسی(۲)، مفلوج(۳)، کور(۴) و کر و لال(۵)، خشکاندن درخت انجیر(۶)، تبدیل آب به شراب(۷)و(۸)، صید مقدار زیادی ماهی(۹)، آرام کردن طوفان(۱۰)، برکت دادن به غذا(۱۱)، راه رفتن بر روی آب(۱۲)، زنده کردن مردگان(۱۳) و غیره.

۳. عیسی به عنوان خدا: اناجیل هم نوا به عیسای بشری اعتقاد دارند، اما در انجیل یوحنا، عیسی حکمت خدا خوانده می شود که جسمانی شده است. او الوهیت یافته و ازلی است. لذا او مانند یک خدا عمل می کند و سخن می گوید. معرفی عیسی بدین گونه، در

۱- لوقا ۴:۳۵.

۲- لوقا ۵:۱۱-۱۲.

۳- مرقس ۵: ۱۱-۱۲.

۴- یوحنا ۹: ۶-۷.

۵- مرقس ۷: ۳۲-۳۵.

۶- متی ۲۱:۹.

۷- یوحنا ۲:۱.

۸- طبق شریعت ما همه پیامبران از چنین عملی بری هستند و آن را تحریم کرده اند .

۹- لوقا ۵:۴.

۱۰- متی ۸:۱۳.

۱۱- متی ۱۴:۱۷.

۱۲- متی ۱۴:۲۵.

۱۳- متی ۹:۱۸؛ لوقا ۷:۱۲؛ یوحنا ۱۱:۲۱

نوشته های پولس ابداع شده است.

بر این اساس، در برخی نوشته ها عیسی خداست و در برخی جاها انسان است. این اختلاف شیوع پیدا کرد و باعث سردرگمی مسیحیان شد تا این که کلیسای اولیه در سال ۳۲۵م در شورای «نیقیه» به یک جمع بندی رسید که درسال ۴۵۱م از سوی «شورای کالسدون» مورد تأیید قرار گرفت و چنین اعلام شد که: «پسر یگانه و واحد خداوند ما (عیسی مسیح) دارای الوهیت و انسانیت کامل است.» یعنی یک مسیح است دارای دو ذات؛ او واقعا هم انسان است و هم خداست. از حیث الوهیت با خدا هم ذات است و از جهت انسانیت با انسان برابر است. عیسی نیز در مقام عمل، گاه بر اساس انسانیت خود و زمانی بر پایه الوهیت خود اقدام کرده است، ولی در همه موارد، آنچه را که انجام داده می توان به شخص واحدی نسبت داد.(۱)

توماس میشل در کتاب «کلام مسیحی» این لقب را عنوانی برای کارکرد عیسی می داند و می گوید:

این لقب به کسی داده می شودکه قدرت و سلطه دارد و به عقیده مسیحیان، هنگامی که خدا عیسی را از مردگان برخیزاند، این لقب را به وی عطا کرد. این لقب همچنین به این اشاره دارد که عیسی تنها میانجی بین خدا و بشر است. علاوه براین، لقب «خداوند» بر اعتقاد مسیحیان، مبنی بر

ص:۱۳۰

۱- . «گونه شناسی اندیشه منجی موعود در مسیحیت»، گونه شناسی منجی موعود در ادیان، ص ۲۳۰-۲۳۲.

آوردن عیسی در واپسین روز و نشستن وی بر طرف راست خدا برای داوری انسان ها دلالت دارد.(۱)

۴. برقرارکننده ملکوت خدا: ملکوت خدا در حقیقت تحقق وعده هایی است که خدا به داوود داد که سلطنت او را تا ابد پایدار خواهد ساخت و این وعده با آمدن و بازگشت عیسی علیه السلام محقق خواهد شد. مراد از ملکوت خدا در این وعده ها، مجموعه آرمان های معنوی و اجتماعی است که عیسی علیه السلام در یک فعالیت شاهانه و با تشکیل حکومتی الاهی (ملکوت خدا) آنها را عملی خواهد ساخت.(۲)

۵. منجی: عیسی مسیح، منجی نامیده شده؛ یعنی کسی که خدا نجات بشر را به دست او تحقق می بخشد.(۳) یعنی می آید تا انسان را از ظلم و ستم رهایی بخشد.

ویژگی های این منجی و نجات بخشی عبارتند از:

موعود مسیحی بازگشت کننده است: مسیحیان بر این باورند که در بازگشت دوباره مسیح پسر انسان، جهان، روی سعادت را خواهد دید، بیان شد که مسیحیان بعد از مصلوب شدن عیسی منتظر رجعت دومین او هستند تا انسان گرفتار در ظلم و تباهی را نجات بخشد چنانکه کتاب مقدس در این باره می گو ید:

۱- کلام مسیحی، ص۶۹.
۲- «گونه شناسی اندیشه موعود در مسیحیت»، گونه شناسی منجی موعود در ادیان، ص۲۳۸.
۳- «گونه شناسی اندیشه موعود در مسیحیت»، گونه شناسی منجی موعود در ادیان، ص۲۳۸.

«همچنین مسیح نیز چون یک بار قربانی شد تا گناهان بسیاری را رفع نماید، بار دیگر بدون گناه، برای کسانی که منتظر او می باشند، ظاهر خواهد شد به جهت نجات».(۱)

ویا «مسیح می آید و جهان، پس از ظهور آن منجی، در صلح و صفای کامل به سر خواهد برد و زمین ایشان از طلا و نقره پر خواهد شد »(۲).

در بازگشت مجدد مسیح، شاهد بر پایی ملکوت خدا و پادشاهی پسر انسان و غلبه خیر برشر خواهیم بود و صلح و آرامش جهان را فرا خواهد گرفت.

مسیح دوباره در آخرالزمان خواهد آمد و برنامه نجات را کامل خواهد کرد، زیرا در حقیقت شنیده ایم که او نجات دهنده عالم است.(۳)

«و جنگ و خونریزی از جهان رخت بر می بندد و امتی بر امتی شمشیر نخواهد کشید»(۴).

موعود مسیحی نجات دهنده جمعی و فرامنطقه ای است: عیسی علیه السلام دیدگاه تنگ نظرانه یهود درباره انحصار نجات در قوم بنی اسرائیل را رد می کند و نجاتگری منجی را جمعی و شامل حال همگان اعلام

۱- رساله به عبرانیان، ۲۸:۹ .

۲- اشعیاء ۷:۲ .

۳- یوحنا ۴۲:۴ .

۴- اشعیاء ۴:۲ .

می کند؛ چنان که در کتاب «تاریخ جامع ادیان» می گوید:

در انجیل متی آمده است:

به شما می گویم که بسا از مشرق و مغرب آمده در ملکوت آسمان با ابراهیم و اسحاق و یعقوب خواهند نشست، اما پسران ملکوت بیرون افکنده خواهند شد و در ظلمت خارجی که گریه و فشار دندان باشد.

از این قرار، ملکوت الهی محدود به حد و محصور به حصر برای چند تن از صالحان یهود نخواهد بود، بلکه دایره اخوتی است که محیط آن شامل تمام اقوام عالم می شود.(۱)

موعودی «رو به آینده» است:(۲) در این مفهوم از نجات ما به معنای درست کلمه با یک «منجی» رو به روییم و نه یک «میانجی». او کسی است که در آینده ای نامعلوم خواهد آمد و رهایی انسانها را به ارمغان خواهد آورد. این گونه از نجات به اجماع همه مسیحیان، رهایی بخشی عیسی به معنای نجات بخشیدن از پراکندگی، ظلم و نابسامانی است؛ امری که در سایه تشکیل یک حکومت مرکزی عملی می گردد.

دارای نجاتی زمان مند است:(۳) اینگونه از نجات بر اساس سنت دینی

۱- تاریخ جامع ادیان، ص۵۹۵.

۲- «گونه شناسی اندیشه منجی موعود در مسیحیت»، گونه شناسی منجی موعود در ادیان، ص۲۳۵.

۳- «گونه شناسی اندیشه منجی موعود در مسیحیت»، گونه شناسی منجی موعود در ادیان، ص۲۳۷.

مسیحی، و پیش گوییهای شخص عیسی و مکاشفه های رسولان مسیحی، رهایش زمان مند است.یعنی در زمانی خاص و با بازگشت دوباره عیسی آغاز می شود، مطابق نقشه خدا پیش خواهد رفت و در روزگاری به پایان خواهد رسید. با این حال ادبیات دین مسیحی تاکید دارد که آن زمان نامشخص است و هیچ کس از آن خبر ندارد:«اما از آن روز و ساعت، هیچ کس خبر ندارد حتی ملائکه آسمان جز پدر من و بس»(۱).

نجات بخشی اجتماعی- معنوی است:(۲) یعنی ما با منجی ای روبروییم که آرمان او صرفا رستگاری معنوی یا اخروی مردمان نیست. بلکه اهدافی مانند برپایی عدل، امن و رفاه اجتماعی را مد نظر دارد که معمولاً با تشکیل حکومت و برقراری نظامی آرمانی محقق می شود.

کارکرد کیهانی دارد: یعنی دامنه رسالت موعود مسیحی، محدود در جهان بشری نیست.

وقایع کیهانی پیش از پایان عالم

وقایع کیهانی پیش از پایان عالم(۳)

۱. اتفاقات آسمانی: «بعد از مصیبت آن ایام آفتاب تاریک گردد و ماه نور خود را بدهد و ستارگان از آسمان فرو ریزند و قوتهای افلاک

۱- متی ۳۶:۲۴.

۲- «گونه شناسی اندیشه منجی موعود در مسیحیت»، گونه شناسی منجی موعود در ادیان، ص۲۳۷.

۳- آخر الزمان در ادیان ابراهیمی، ص۸۵.

متزلزل شود. آنگاه علامت پسر انسان در آسمان پدیدار گردد.»(۱)

۲. وقوع زلزله و حوادث طبیعی: «و زلزله ها حادث خواهد شد و قحطی ها و اغتشاشها پدید می آید. اینها ابتدای دردهای تازه می باشد.»(۲)

۳. بروز مرگ و بلایا: «لهذا بلایای او از مرگ و ماتم و قحط در یک روز خواهد آمد و به آتش سوخته خواهد شد.»(۳)

وقایع کیهانی پس از بازگشت مسیح

وقایع کیهانی پس از بازگشت مسیح(۴)

۱. مرگ از بین خواهد رفت و چنین برداشت می شود که انسانها دارای حیات ابدی می شوند: «و خدا هر اشکی را از چشمان ایشان پاک خواهد کرد و بعد از آن مرگ نخواهد بود و ماتم و ناله و درد دیگر رو نخواهد داد.»(۵)

۲. آبادی شهر مقدس اورشلیم بعد از خرابی و محاصره و عذاب: «و شهر مقدس اورشلیم جدید را دیدم که از جانب خدا از آسمان نازل می شود؛ حاضر شده چون عروسی که برای شوهر خود آراسته است»(۶)

۱- متی ۲۴:۲۹-۳۰.

۲- مرقس ۸:۱۳.

۳- یوحنا ۸:۱۸.

۴- آخر الزمان در ادیان ابراهیمی، ص۱۶۳.

۵- یوحنا ۲۱:۴.

۶- یوحنا ۲۱:۲.

و یا در جای دیگر می گوید: «و شهر اورشلیم را به من نمود که از آسمان از جانب خدا نازل می شود و جلال خدا را دارد ونورش مانند جواهر گرانبها است چون یشم بلورین.»(۱)

۳. پدید آمدن آسمان و زمین جدید: «و دیدم آسمانی جدید و زمینی جدید چون که آسمان اول و زمین اول درگذشت.»(۲)

ج) نتیجه گیری

ازآنچه بیان گردید می توان دریافت که موعود مسیحی، شخصی و متعین می باشد؛ یعنی بنابر اعتقاد مسیحیت، منجی موعود یک نفر خاص بوده و چنین نیست که هر کسی بتواند منجی باشد، و لو شرایط برایش فراهم شود. این موعود دارای نوعی وحدت با خدا تلقی شده است. از این نظر، واقعه نجات موعود در مسیحیت می تواند به نوعی تجلی خدا در زمین محسوب شود. گذشته از اینها، منجی موعود مسیحیت، از جمله موعودهای رجعت کننده است. نجات گری منجی موعود مسیحی هم فردی، هم جمعی، هم معنوی و هم اجتماعی است. گرچه نجات بخشی فردی این موعود منوط به ایمان به او و محدود به ایمان آورندگان به وی است، اما نجات فرجامین و جمعی اش به هیچ رو قومی، ملی یا منطقه ای تلقی نمی شود.

از آن جا که مسیح برای داوری جهان باز می گردد و این امر

۱- یوحنا ۲۱:۱۰-۱۱.

۲- یوحنا ۱:۲۱.

تاکنون محقق نشده است، موعود باوری مسیحی در زمره اندیشه های موعود «رو به آینده» دسته بندی می شود و با لحاظ پیش گویی هـایی که در سـنت مسـیحی دربـاره تغییر اوضـاع عـالم پس از بـازگشت مسـیح شـده است، کـارکرد او را بایـد کیهانی دانست.(۱)

۱- «گونه شناسی اندیشه منجی موعود در مسیحیت»، گونه شناسی منجی موعود در ادیان، ص۲۵۸.

فصل سوم: نقد و بررسی

اشاره

ص:۱۳۹

منابع اسلامی ما، خصوصا روایات اهل بیت علیهم السلام درمورد شخصیت عیسی بن مریم علیه السلام اطلاعات مفیدی ارائه می دهد و ما را بیشتر با شخصیت آن حضرت آشنا می سازد که در ذیل به برخی از این روایات اشاره می شود:

الف) از نظر خصوصیات

الف) از نظر خصوصیات(۱)

۱. از نظر ظاهری دارای قامتی میانه، سیمایی سفید مایل به سرخی و موهای مجعد بود.

۲. همچون برخی پیامبران، مختون متولد گردید. در سه سالگی حجت خدا بر بندگان خدا و حتی حجت بر حضرت یحیی علیه السلام بود. در هفت سالگی به رسالت رسید، اما در سی سالگی ماموریت یافت رسالت خود را بر بنی اسرائیل آشکار کند. در کوه «ساعیر» از سوی خداوند به وی وحی رسید و در زمان عروج، سی و سه سال داشت.

۳. از نظر اخلاقی و زهد و ورع و کثرت عبادت، مثال زدنی بود. وی خود را عبد(۲) و بنده خدا می دانست. بسیار روزه می گرفت؛ لباس خشن می پوشید و نان جو می خورد. آن گاه که آفتاب غروب می کرد، هر کجا بود به نماز می ایستاد و در حال عبادت بود تا خورشید طلوع می کرد. به محتاجان رسیدگی می کرد. برای خود غذایی ذخیره نمی کرد و می فرمود:

۱- ر.ک: مسیحیت شناسی مقایسه ای، صص ۶۶-۶۹.

۲- مریم، آیه ۳۰.

«همان خدایی که غذای صبح مرا داده است، شامگاهان نیز مرا طعام خواهد داد.»(۱)

حضرت علی علیه السلام در وصف عیسی علیه السلام می گوید:

سنگ را بالش خود می ساخت، لباس خشن می پوشید و غذایی ناگوار (بدون خورشت) می خورد و خورشت غذایش گرسنگی بود... مرکبش دو پایش و خدمتکارش دستانش بودند.(۲)

او از نگاه شهوت آلود و معاشرت با زنان شدیدا گریزان بود. عیسی علیه السلام گریه را با خنده می آمیخت. گاهی لبخند بر لب داشت و گاه می گریست. در ماه ذی حجه، حج به جا می آورد.

۴. این نکته که شریعت عیسی فقط روحانی بود و یا عیسی از اقدامات سیاسی علیه حکومت ممانعت می کرد، مخالف به کارگیری شمشیر بود و از این دست تعالیمی که وجهه حضرت عیسی را عاری از مبارزه سیاسی نشان می دهد، برداشتی برهانی و دقیق نیست، زیرا در انجیل لوقا ۳۶:۲۲ آمده است که «پس به ایشان گفت: لیکن الان هرکه کیسه ندارد، آن را بردارد و همچنین توشه دان را و کسی که شمشیر ندارد، جامه خود را فروخته، آن را بخرد.» این فراز نشان می دهد آن حضرت مخالف به کارگیری شمشیر نبوده است و اگر این سخن عیسی به گونه ای دیگر توجیه شود که اقدام سیاسی او را

۱- بحارالانوار، ج۱۰۳، ص۵۶، ح۳۵.
۲- بحارالانوار، ج۱۴، ص۲۳۸، ح۱۶، ص۲۳۹، ح۱۷.

برنتابد، باز هم دلیلی بر مخالفت حضرت عیسی علیه السلام با اقدامات سیاسی نیست. چرا که تمام انبیای الهی براساس مقتضیات زمانی خود دست به اقدام می زدند و حضرت عیسی نیز همان سیره و روش را درپیش گرفته است. پس ما اگر رد پایی از اقدامات سیاسی آن حضرت را در اناجیل نبینیم، نباید چنین برداشت شود که ایشان اصلا عملکرد سیاسی نداشته است. چرا که:

اولا، طبق تصریح مورخان مسیحی و طبق گواهی صریح خود اناجیل و سایر کتاب ها و رساله های عهدجدید، هیچ یک از اناجیل موجود، کتاب آسمانی نیستند، بلکه بعد از حضرت مسیح نگاشته شده اند؛(۱) پس چندان قابل اعتماد نیستند.

ثانیا، عهد جدید تمام رخدادهای زندگی عیسی را گزارش نکرده است. وقتی سال وفات عیسی نیامده است، احتمال بیان نشدن بسیاری از وقایع دیگر و سرگذشت عیسی هم، احتمالی نامعقول و غیر منطقی به نظر نمی رسد. براین اساس، شاید سیره سیاسی آن حضرت از آن ناگفته های تاریخ و اناجیل باشد، لذا نمی توان با قطع و یقین گفت که تعالیم عیسی فقط روحانی بود.

ثالثا، شاید از باب تقیه و برای حفظ جان پیروان کم شمار خود از اقدام سیاسی بارز – اگر همان مخالفت های صریح با هیئت حاکمه و

۱- سایت مرکز ملی پاسخگویی به سئولات دینی http://www.pasokhgoo.ir ؛ تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۳۱۱_ و ج ۲۳ص ۳۹۱.

فریسیان و روحانیت فاسد را اقدام سیاسی بر اساس شرایط خاص زمانی قلمداد نکنیم- خودداری کرده است که قرائنی دال بر این مطلب وجود دارد. دین مسیحیت تا سال چهارم میلادی، یعنی حدود چهار قرن پس از عروج آسمانی حضرت عیسی، در انزوای شدید بود و پیروان این دین الهی تحت تعقیب قرار داشتند. این امر از جو خفقان حاکم در عصر خود عیسی خبر می دهد.

رابعا، هم آیات قرآن کریم، حضرت عیسی را تصدیق کننده کتب پیشین(۱) معرفی می کند و هم خود کتاب مقدس بر این امر صحه می گذارد و عیسی را مکمل و متمم شریعت موسوی می داند.(۲) اگر ما شریعت حضرت موسی را هم سیاسی و هم روحانی بدانیم، پس عیسی این شریعت را تصدیق و تأیید می کند. بنابراین، ممانعت عیسی از اقدام سیاسی، نه به این خاطر است که مخالف کار سیاسی بود، بلکه زمینه این امر برایش فراهم نبود.

ب) از نظر مقام و جایگاه

۱. عیسی علیه السلام از پیامبران اولوالعزم و دارای مقام عصمت است. او دو اسم اعظم از اسماء الهی را می دانست. او به جهت تبلیغ رسالت خود بسیار مسافرت می کرد و در قالب مثال، موعظه می فرمود. مسیحیان اگر چه عیسی را نبی خدا می دانند، ولی نه با آن ویژگی هایی که

۱- آل عمران، آیه ۵۰؛ مائده، آیه۴۶.

۲- متی ۵:۱۷.

شیعه درباره پیامبران الهی معتقد است؛ مثل مقام عصمت از گناه و خطا.

۲. قرآن کریم درباره حضرت عیسی تعبیری دارد که خبر از جایگاه و عظمت وی در پیشگاه خداوند متعال می دهد. آیه ۴۵ سوره آل عمران، ایشان را آبرومند در دنیا و آخرت و از مقربان درگاه احدیت معرفی می کند:

«إِذْ قالَتِ الْمَلائِکهُ یا مَرْیَمُ إِنَّ اللَّهَ یُبَشِّرُک بِکلِمَه مِنْهُ اسْمُهُ الْمَسیحُ عیسَی ابْنُ مَرْیَمَ وَجیهاً فِی الدُّنْیا وَ الْآخِرَهِ وَ مِنَ الْمُقَرَّبین»؛

[یاد کن] هنگامی [را] که فرشتگان گفتند: «ای مریم، خداوند تو را به کلمه ای از جانب خود، که نامش مسیح، عیسی بن مریم است مژده می دهد، در حالی که [او] در دنیا و آخرت آبرومند و از مقربان [درگاه خدا] است. همچنین در جای دیگر او را از صالحان بر می شمرد. «وَ زَکرِیَّا وَ یَحْیی وَ عیسی وَ إِلْیاسَ کلٌّ مِنَ الصَّالِحین»(۱)؛ زکریّا و یحیی و عیسی و الیاس همه از شایستگان بودند.

۳. در روایات و آیات، معجزاتی از حضرت عیسی علیه السلام ذکر می شود که بسیارشگفت آور و به جهت تاثیرگذاری، بسیار مهم تر از معجزاتی است که منابع مسیحی نام می برند؛ همچون «سخن گفتن عیسی علیه السلام در گهواره در سن طفولیت، آن هم با محتوایی بسیار عمیق، همراه با

۱- انعام، آیه۸۵.

پیش گویی از آینده» که خود، سندی بر حقانیت او می باشد(۱) و یا «طلب مائده آسمانی و اجابت از طرف خداوند متعال»(۲) و یا «خلقت پرنده از گِل» که قرآن از آن پرده برمی دارد.(۳)

۴. آیات قرآن کریم، الوهیت عیسی علیه السلام را رد می کند و او را همچون سایر مخلوقات خداوند، بشر و بنده ای از بندگان خدا معرفی می نماید:

«إِنْ هُوَ إِلاَّ عَبْدٌ أَنْعَمْنا عَلَيْهِ»(۴)؛

[عیسی] جز بنده ای که بر وی منّت نهاده ایم نیست.

و در جای دیگر، از قول خود حضرت عیسی علیه السلام، بیان می دارد که:

«قالَ إِنِّی عَبْدُ اللَّهِ آتانِیَ الْکتابَ وَ جَعَلَنی نَبِیًّا وَ جَعَلَنی مُبارَکاً أَیْنَ ما کنْتُ وَ أَوْصانی بِالصَّلاهِ وَ الزَّکاهِ ما دُمْتُ حَیا»(۵)

[عیسی] گفت: «منم بنده خدا، به من کتاب داده و مرا پیامبر قرار داده است، و هر جا که باشم مرا با برکت ساخته، و تا زنده ام به نماز و زکات سفارش کرده است.

این آیه علاوه بر اینکه حضرت عیسی را بنده خود معرفی می کند، حتی برای او وظائف بندگی نیز تعیین کرده، توصیه به نماز و زکات هم می کند.

۱- مریم، آیه ۳۰-۳۳.

۲- مائده، آیه ۱۱۴-۱۱۵.

۳- آل عمران، آیه۴۹.

۴- زخرف، آیه۵۹.

۵- مریم، آیه ۳۰-۳۱.

و در جایی دیگر اصولا خداوند را از داشتن فرزند، پاک و منزه می داند:

«إِنَّمَا الْمَسیحُ عیسَى ابْنُ مَرْیَمَ رَسُولُ اللَّهِ وَ کلِمَتُهُ أَلْقاها إِلى مَرْیَمَ وَ رُوحٌ مِنْهُ.... إِنَّمَا اللَّهُ إِلهٌ واحِدٌ سُبْحانَهُ أَنْ یَکونَ لَهُ وَلَد»؛(۱)

عیسی رسول خدا است و کلمه خدا بود که به مریم القا کرد و روحی از او بود.... خداوند واحد است و پاک و منزه است از این که دارای فرزندی باشد.

در این فراز از آیه با خطاب آن حضرت به عنوان پسر مریم او را زاده بشری معرفی می کند، همچنین ضمن اشاره به خلقت شگفت آور عیسی، خود را پاک و منزه از ولد داشتن می داند.

لذا ادعای الوهیت عیسی و اعتقاد به تثلیث از مواردی است که قرآن کریم صریحا آن را رد کرده و معتقدین به این مطلب را کافر قلمداد می کند:

«لَقَدْ کفَرَ الَّذینَ قالُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْمَسیحُ ابْنُ مَرْیَم»(۲)؛ کسانی که گفتند: «خدا همان مسیح پسر مریم است»، قطعاً کافر شده اند.

۱- نساء، آیه ۱۷۱.

۲- مائده، آیه ۷۲.

ج) شباهت ها

با مطالعه ویژگی ها و خصوصیات فردی دو منجی و همچنین نوع نجات بخشی ایشان، به پاره ای شباهت ها و مشترکات، می رسیم که عبارتند از:

۱. هردو شخصیت از جایگاه ممتازی برخوردار و دارای مقام عصمت و پرهیز از خطا و گناه و آبرومند در پیشگاه حضرت حق می باشند.

۲. خدا به ایشان اذن تصرف در نشئه طبیعت را عطا کرده است؛ لذا صاحب معجزه و کرامت بودند.

۳. تکلم کردن حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در کودکی، شباهت زیادی با سخن گفتن حضرت عیسی علیه السلام در گهواره دارد. زیرا هر دو به صورت اعجاز در طفولیت سخن گفته و رسالت خود را اثبات کردند. با این تفاوت که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف حجیت امامت خود را به اثبات رساند و حضرت عیسی علیه السلام نبوت خود را به همگان اعلام داشت.

۴. القاب هر دو به رسالت آنها در نجات جهانی اشاره دارد.

۵. از نظر ویژگی های اخلاقی و رفتاری و عبادی، سرآمد روزگار می باشند.

۶. هدف آنها اجرای فرامین الهی است.

۷. هر دو دارای غیبت می باشند، اما یکی آسمانی و دیگری زمینی است.

۸. هر دو منجی موعود، شخصی و متعین هستند و سنخ

ص:۱۴۷

نجات بخشی آنها فردی، جمعی، معنوی و اجتماعی و جهانی با نوعی کارکرد کیهانی است.

۹. همانطور که بیان شد در دین مسیحیت و اسلام، دو معنا از نجات دهندگی مطرح است که در اینجا یک معنای آن مد نظراست که معنای آخرت شناسانه دارد و مربوط به بحث منجی آخر الزمان می شود. این نوع از نجات بخشی اسلامی و مسیحی در نقاطی با هم مشابهت دارند که عبارتند از(۱):

۹-۱. امید به آینده جهان و بشریت (غلبه حق بر باطل)؛ یعنی آینده از آن خوبیها است و آن چه می ماند خیر و حق است و باطل، رفتنی است.

بشارت ادیان الهی مبنی بر پیروزی حق و نابودی باطل تاکنون در تاریخ تجربه نشده و صرف ادعاست. اما اعتقاد به مهدویت نقش مهمی در حل این شبهه دارد؛ زیرا قرآن به صراحت می فرماید:

«وَ لَقَدْ كَتَبْنا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُها عِبادِيَ الصّالِحُونَ»؛(۲)

و در حقیقت، در زبور پس از تورات نوشتیم که زمین را بندگان شایسته ما به ارث خواهند برد.

«وَ نُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ

ص:۱۴۸

۱- «نجات بخشی تطبیقی(اسلامی- مسیحی)»، فصلنامه علمی- تخصصی انتظار موعود، ش۴، ص۸۸-۹۳.

۲- انبیاء،آیه ۱۰۵.

أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوارِثِینَ»(۱)؛

و خواستیم بر کسانی که در آن سرزمین فرو دست شده بودند منّت نهیم و آنان را پیشوایان [مردم] گردانیم، و ایشان را وارث [زمین] کنیم.

همچنین پیامبر اسلام می فرماید:

«لو لم یبق من الدهر الا یوم لبعث الله رجلا من اهل بیتی یملؤها عدلا کما ملئت جورا»(۲)؛

اگر فقط یک روز از عمر دنیا باقی باشدخداوند مردی از اهل بیتم را مبعوث خواهد کرد و زمین را پر از عدل کرده همانطور که پراز جور شده بود.

در فرهنگ مسیحی نیز همین اعتقاد غلبه حق بر باطل به وضوح و روشنی وجود دارد. در مزامیر داوود آمده است:

و مسیح می آید و جهان پس از ظهور آن منجی در صلح و صفای کامل به سر خواهد برد(۳).

۹-۲. زمان ظهور مخفی است و هیچ یک از این دو دین وقت خاصی را برای ظهور مشخص نکرده اند؛ چنانکه کتاب مقدس از قول حضرت عیسی علیه السلام بیان می دارد که: «اما از آن روز و ساعت، هیچ کس اطلاعی ندارد حتی ملائکه آسمان جز پدر من و بس(۴)» و یا

۱- قصص، آیه۵.

۲- عقدالدرر، ص۳۹؛ معجم احادیث الامام المهدی، ج۱، ص۱۱۰.

۳- اشعیاء ۲:۷.

۴- متی ۳۶:۲۴.

می گوید:«پس بیدار باشید. زیرا که آنروز و ساعت را نمی دانید»(۱).

در حوزه تفکر شیعی نیز توقیت زمان ظهور رد شده است و تعیین کنندگان وقت ظهور متهم به کذب شده اند و تصریح شده که امر فرج ناگهانی بوده و هر آن باید منتظرش بود.

حضرت رضا علیه السلام دراین باره می فرماید:

مثله مثل الساعه التی لا یجلیها لوقتها الا هو ثقلت فی السموات و الارض(۲) لا تاتیکم الا بغته(۳)؛

زمان قیام موعود مانند قیامت است که کسی جز خداوند آن را نمی داند و فرا نمی رسد مگر ناگهانی.

۹-۳. علایم ظهور؛ برای ظهور هر چند وقتی مشخص تعیین نشده است؛ اما یکسری علائم برای آن بیان شده است.

در کتاب مقدس و در عرصه تفکر مسیحی، برای ظهور منجی و آمدن عیسی علیه السلام علائم و نشانه هایی ذکر شده است. همچون؛ فراگیری ظلم و جرم، ذلت قوم یهود، خروج دجال و بروز نشانه هایی در آسمان و ماه و ستارگان.

روایات شیعی نیز برای ظهور منجی نشانه هایی را ذکر می نماید. همچون؛ خروج دجال، خروج یمانی، سفیانی، نداء آسمانی، خسف بیداء و قتل نفس زکیه.

۱- متی ۱۳:۲۵.
۲- اعراف، آیه۱۸۷.
۳- منتخب الاثر، ج۲، ص ۱۹۰، ح۵۵۶.

۹-۴. جهـان پس از ظهور؛ هر دو دین بیـان می دارنـد که با ظهور منجی موعود، صـلح و صـفا تمام کره زمین را فرا می گیرد، نعمت فراوان می شـود، فقر و بیچـارگی از بین می رود، امنیت کامـل برقرار می شـود، زمین آبـاد می شود، عـدل وداد همه جا سایه افکن می گردد.

د) تفاوت ها

۱. امـام، مهم ترین جزء نظـام احسن می باشـد. اساسا موقعیت امام معصوم در نظام احسن را از دو زاویه می توان ملاحظه کرد: یکی نظام احسن و دیگری هدف و غایت آفرینش. انسان معصوم علیه السلام مظهر تجلی اسماء الحسنی و جلوه همه زیبایی ها و نیز هادی انسان ها و رهایی بخش جامعه بشری از بدبختی ها و ستم هاست.

امـام زمان علیه السـلام چنان مقامی دارد که می توانـد برکات الهی را از آسـمان گرفته و به اهل زمین برسانـد. بنابراین، وجود امام زمان علیه السـلام در نظام آفرینش، مقصـد أعلی و ترجمان عنایت خداوندی است.(۱) هرچند حضرت عیسی علیه السلام پیامبر الهی و جزء نظام احسن است، ولی جایگاه امام، بسی والاتر و برتر از پیامبر است. بنابراین، مقام و جایگاه امام مهدی علیه السـلام بالاتر از حضـرت عیسی علیه السلام می باشد؛ چنان که روایات به این مطلب تصریح دارند؛ در تأیید این برتری، امامت حضرت مهدی علیه السلام بر عیسی علیه السلام در نماز می باشد.

۱- خط امان در ولایت صاحب الزمان، ص۱۴۹.

امام باقر علیه السلام در این باره فرمودند:

... حتی ینزل عیسی بن مریم من السماء و یقتل الله الدجال علی یدیه و یصلی بهم رجل منا اهل البیت الا تری ان عیسی یصلی خلفنا و هو نبی الا و نحن افضل منه.(۱)

۲. منجی موعود مسیحیت، رجعت کننده است، هر چند مسیحیان معتقدند که حضرت عیسی علیه السلام بعد از مصلوب شدن، زنده گردید و به نزد خدا رفت:«بالاخره مرا می کشند اما من روز سوم دوباره زنده می شوم(۲)»؛ و یا «بعد از مصلوب شدن در حالی که ایشان را برکت می داد، از روی زمین جدا شده به طرف آسمان بالا رفت(۳)». به اعتقاد مسیحیان منجی موعود در میان مردم و روی زمین حضور ندارد و در آخر الزمان بر زمین نازل می شود تا صلح و نجات را بیاورد.

اما از نظر شیعه منجی موعود، در میان مردم است و در میان مردم حضوردارد و غیبت او به معنای عدم حضور نیست؛ بلکه او حضوری کارآمد و فعال در جامعه دارد و به علاقه مندان و مریدانش و هر گرفتار در بند مشکلاتی که او را بخواند عنایت و توجه دارد.(۴)

امام عصر در توقیعی شریف به شیخ مفید فرمود:

ص:۱۵۲

۱- بحارالانوار، ج۱۴، صص۳۴۸و۳۴۹.

۲- لوقا ۱۸:۳۳.

۳- لوقا ۲۴:۵۰.

۴- «نجات بخشی تطبیقی(اسلامی- مسیحی)»، فصلنامه علمی- تخصصی انتظار موعود، ش۴، ص۹۸.

انـا غیر مهملین لمراعاتکم و لا ناسـین لـذکرکم[1]؛ از سـرپرستی و رسـیدگی کارهای شـما کوتاهی نورزیـده و یاد شـما را از صفحه خاطر نزدوده ایم.

بنابراین منجی موعود شیعه در متن جامعه بوده و هم اکنون هم در حال انجام وظایف خطیر امامت است.

۱- بحار الانوار، ج۵۳، ص۱۷۷.

فصل چهارم: منجی موعود کیست؟

اشاره

ص:۱۵۵

تا این جا هرکدام از دو منجی را معرفی کرده، ویژگی ها و خصوصیات فردی آنها را توضیح دادیم. در ضمن، هر دو منجی موعود را از نظر گونه شناسی مورد ارزیابی و دقت نظر قرار داده و به این نتیجه رسیدیم که منجی موعود مسیحیان، فردی است به نام عیسی علیه السلام که فرزند مریم است و از این طریق، نسل او به داوود علیه السلام پیامبر متصل می شود. خداوند عیسی علیه السلام را به آسمان عروج داد و ذخیره کرده است تا در آخرالزمان بازگردد و ملکوت خدا را برقرار کند. در سال های نزدیک به بازگشت، عده زیادی ادعای مسیحایی کرده و خود را منجی معرفی خواهند کرد؛ بلایای طبیعی گسترش می یابد؛ اهل ایمان کم خواهند بود... در چنان اوضاع و احوالی عیسی علیه السلام با جلال و شکوه بازمی گردد و با کاری شاهانه ملکوت خدا را برقرار می سازد.

اما منجی موعود شیعه، حضرت مهدی علیه السلام است که هم نام و هم کنیه پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم و دارای خلق و خویی همچون پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است. شخص پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم از او خبر داده و آمدنش را بشارت داده است. پدرش امام حسن عسکری علیه السلام و مادرش نرجس خاتون از نسل داوود علیه السلام است. در پنج سالگی از دیده عموم مردم پنهان گردید، ولی برخی خواص توفیق زیارتش را یافته اند. ایشان در آخرالزمان پس از یکسری حوادث و بلایای طبیعی و پر شدن زمین از جور و ستم و فساد و بی عدالتی، ظهور خواهد کرد و با امدادهای غیبی الهی یاری خواهد شد و زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد و بنیان ظلم و

ص:۱۵۶

ستم و ستمکاران را ویران خواهد کرد.

بنابراین، با نگرشی سطحی و ابتدایی، چنین به نظر می رسد که هرکدام از دو آیین مسیحیت و اسلام (شیعه) منجی جداگانه ای را معرفی می کنند. براین اساس، آیا باید قائل شویم که در آخرالزمان دو منجی می آید؟ در این صورت، نحوه همکاری یا تعامل آنها با هم چگونه خواهد بود؟ بر فرض صحت چنین فرضی، آیا جهان با دو حاکم، شانس بقا و استمرار، همراه باگسترش و برقراری عدل وداد را خواهد داشت (یا) باید ویژگی های بیان شده درباره منجی را بر یک منجی تطبیق دهیم و بگوییم مصداق هر دو منجی یکی است؛ یعنی هردو دین از یک نفر و یک منجی سخن می گویند، ولی هر کدام به شکلی خاص از ویژگی های منجی خود یاد کرده اند (یا) گونه سومی در کار است؟

برای یافتن جوابی قانع کننده و پاسخی صحیح به این سؤالات، تذکر نکاتی چند ضروری است:

۱. حضرت مسیح برای برپایی پادشاهی خدا و داوری جهان باز می گردد، و این هدف چیزی است که تاکنون محقق نشده است(۱) و در آینده اتفاق خواهد افتاد.

۲. محققان جدید متفق اند که عیسی علیه السلام خود، ادعای «مسیحا»

۱- «گونه شناسی اندیشه منجی موعود در مسیحیت»، گونه شناسی منجی موعود در ادیان، ص۲۵۸.

نداشته است؛(۱)یعنی خود را منجی موعود معرفی نکرده است و ادعای مسیحا بودن او از سوی مریدان او پس از رستاخیزش از میان مردگان طرح گردیده است. پس ادعای نجات بخشی عیسی مستند به گفتار خودش نیست و نمی تواند حجت باشد.

۳. گزارش اناجیل از عیسی علیه السلام هرگز یادآور فرمانروای پرقدرتی نیست که یهودیان از دیرباز منتظرش بودند. عیسی علیه السلام بر آن نبوده است که حکومتی برپا کند. در تمام سخنان او از هیچ نظریه سیاسی اثری نمی توان دید، یا حتی به یک ایده اجتماعی شاخص دست یافت. عیسی علیه السلام مدعی است که آمده است تا شریعت موسی علیه السلام را کامل کند. براساس روایت اناجیل، عیسی علیه السلام هرگز فرضیه نجات بخشی خود را بر تشکیل یک نهاد حکومتی یا نظریه ای اجتماعی بنا نکرده است. به همین دلیل، نمی توان کارکرد اجتماعی هویدایی برای او در نظرگرفت.(۲) براین اساس، بدون تشکیل یک حکومت کارآمد و مقتدر، برقراری عدالت کامل که شاخصه ای مهم برای عملکرد منجی آخرالزمان است، عملا تحقق ناپذیر می نماید. بنابراین، باید بگوییم نجات بخشی صورت نگرفته است.

۴. آیات اناجیل مرتبط با موضوع منجی و پایان دنیا، از وارد شدن

۱- درآمدی به مسیحیت، ص۷۷.

۲- «گونه شناسی اندیشه منجی موعود در مسیحیت»، گونه شناسی منجی موعود در ادیان، ص۲۲۹-۲۳۰.

به حکومت خدا یا قلمرو دولت خداوند سخن می گویند. در بسیاری از فرازهای اناجیل، عیسی علیه السلام به جای حکومت خدا از عنوان «دولت» یا «ملکوت پدرم» نام می برد. انجیل متی گفتار عیسی علیه السلام در شام آخر را چنین نقل قول می کند: «اما به شما می گویم بعد از این از میوه مو دیگر نخواهم نوشید تا روزی که آن را با شما در ملکوت پدر خود، تازه آشامم».(۱) یعنی سخن از حکومت شخص دیگری و نه حکومت خود عیسی، در میان است که البته حضرت عیسی نیز در آن نقش آفرین خواهد بود، ولی مستقلا برای تشکیل چنین حکومتی اقدام نمی کند.

۵. نکته قابل توجه این که در اناجیل، اصطلاح «پسر انسان» مختلف به کار رفته است. در انجیل یوحنا از آن معنای ساده «پسر» را اراده کرده که مفهوم ضمنی اش پسر خداست؛ اما سه انجیل متی، مرقس و لوقا، اعتقاد دارند پسر انسان در جایگاه شخصی الهی که غیر از خود عیسی است از جانب خداوند با قدرت وجلالت خواهد آمد و بین مردم داوری خواهد کرد و او است که ملکوت خدا را بر روی زمین پیاده می کند(۲). آن شخص چون دارای صفات ممتاز و ویژگی های برجسته ای است، از موقعیت و مقامی بالاتر از عیسی علیه السلام برخوردار است. چنان که مطابق نوشته مستر هاکس آمریکایی در «قاموس کتاب

۱- متی ۲۹:۲۶.

۲- آخرالزمان در ادیان ابراهیمی، ص۱۸۳.

مقدس» این عبارت، هشتاد بار در انجیل و ملحقات آن (عهد جدید) آمده است که فقط سی مورد آن با حضرت عیسی مسیح علیه السلام قابل تطبیق است.(۱) و اما پنجاه مورد دیگر از نجات دهنده ای سخن می گوید که در آخرالزمان و پایان روزگار ظهور خواهد کرد و حضرت عیسی علیه السلام نیز با او خواهد آمد و او را جلال و عظمت خواهد داد و از ساعت و روز ظهور پسر انسان، جز خداوند تبارک و تعالی کسی اطلاع ندارد.

از طرفی عیسی علیه السلام هیچگاه خود را برپاکننده سلطنت پسر انسان و یا «پادشاه مسیح» نمی داند. چرا که تصریح می کند «پادشاهی من از این جهان نیست. اگر پادشاهی من از این جهان می بود، خدام من جنگ می کردند تا به یهود تسلیم نشوم(۲)»؛ بلکه خود را رسولی معرفی می کند که آمده تا حکومت خداوند را مژده دهد؛ حکومتی که متعلق به کسی دیگر است، نه عیسی علیه السلام . به عنوان نمونه، در انجیل مرقس، بعد از بیان حوادث آخرالزمان و بلاها و مصیبت های پایانی از زبان عیسی علیه السلام می گوید: «... آن گاه پسر انسان را ببینید که با قوت و جلال عظیم بر ابرها می آید.»(۳)

همچنین در انجیل لوقا آمده است:

کمرهای خود را بسته، چراغ های خود را افروخته بدارید. و شما مانند کسانی باشید که انتظار آقای خود را می کشند، که

۱- قاموس کتاب مقدس، ص۲۱۹.

۲- یوحنا ۳۶:۱۸.

۳- مرقس ۲۶:۱۳.

چه وقت از عروسی مراجعت کند، تا هر وقت آید و در را بکوبد بی درنگ برای او باز کنند. خوشا به حال آن غلامان که آقای ایشان چون آید، ایشان را بیدار یابد... پس شما نیز مستعد باشید، زیرا در ساعتی که گمان نمی برید، پسر انسان می آید.(۱)

عیسی علیه السلام در جای دیگر می گوید:

زیرا هر که از من و کلام من عار دارد، پسر انسان نیز وقتی که در جلال خود و جلال پدر و ملائکه مقدسه آید، از او عار خواهد داشت.(۲)

اما در این بین یک فراز از انجیل تصریح دارد که پسر انسان غیر از خود عیسی است:

لیکن به شما می گویم هرکه نزد مردم به من اقرار کند، پسر انسان نیز پیش فرشتگان خدا او را اقرار خواهد کرد(۳).

همچنان که ملاحظه می شود، عیسی علیه السلام از آمدن شخص دیگری غیر از خودش خبر می دهد. چنانکه در انجیل یوحنا نیز از قول عیسی علیه السلام بیان می کند: «من جلال خود را طالب نیستم، کسی هست که [آن را]می طلبد و داوری می کند»(۴).

طبق گزارش اناجیل، عیسی علیه السلام رسالت خود را مژده دادن به

۱- لوقا ۱۲: ۳۵-۴۰.

۲- لوقا ۹:۲۷.

۳- لوقا ۱۲:۸.

۴- یوحنا ۸:۵۰.

«ملکوت خدا» می دانست. عیسی علیه السلام به ایشان گفت:

مرا لازم است که به شهرهای دیگر نیز به ملکوت خدا بشارت دهم. زیرا که برای همین کار فرستاده شده ام.(۱)

بنابراین، می توان نتیجه گرفت که عیسی منجی موعود نیست.

اما با این نتیجه، یک سؤال به ذهن خطور می کند که اگر حضرت عیسی منجی آخرالزمان نیست و از طرفی هم در آخرالزمان می آید، پس عنوان، نقش و عملکرد او در حکومت پایانی چیست؟ چه سمتی در این حکومت بر دوش او سنگینی خواهد کرد و با بازگشتش چه هدفی را دنبال می کند؟

نقش عیسی در حکومت پایانی

منابع مسیحیت برای جواب به این سؤال، چندان پاسخ دقیقی نمی دهد، ولی منابع مکتوب اسلامی و روایات معصومین علیهم السلام حاوی نکات مهمی است که روشن کننده ابهامات موجود در این سؤالات است. در زیل به چند مورد از آنها اشاره می کنیم:

۱. عیسی بن مریم علیه السلام نابود کننده بدعت ها: پیامبراکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

وَ الَّذِی نَفْسِی بِیَدِهِ لَیُوشِکَنَّ أَنْ یُنْزِلَ فِیکمُ ابْنُ مَرْیَمَ حُکماً عَدْلًا یَکسِرُالصَّلِیبَ وَ یَقْتُلُ الْخِنْزِیرَ وَ یَضَعُ الْجِزْیَهَ...(۲)؛ قسم به کسی که جان من در دست قدرت اوست عیسی بن مریم

۱- لوقا ۴:۴۳.

۲- بحار الأنوار، ج ۵۲، ص۳۸۲.

به عنوان قاضی ای دادگر در میان شما نازل می شود، صلیب را می شکند و خوک را می کشد و جزیه را برمی دارد.

این روایت خبر از منسوخ شدن مسیحیت کنونی و آداب و رسوم غلط آن داده و فراگیری دین اسلام را نوید می دهد. چون حکم جزیه برای غیر مسلمان است و برداشته شدن آن، حکایت از مسلمان شدن همه ساکنین ارض دارد. یعنی حضرت عیسی علیه السلام در راستای تحقق اهداف عالیه حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف گام برمی دارد و در جهت برپایی حکومت اسلامی، معین و مدد کار حضرت مهدی علیه السلام است.

۲. حضرت مسیح، وزیری امین: پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف متوجه می شود که عیسی در قدس در نزدیکی مناره بیضاء فرود آمده است؛در حالی که دستهای خود را بر بالهای دو فرشته نهاده آب از موهایش فرو می چکد. پس مهدی می گوید: جلو بایست و با مردم نماز بخوان. عیسی می گوید نماز برای شما اقامه شده است. پس عیسی پشت سر او نماز می خواند و می گوید: «انما بعثت وزیرا و لم ابعث امیرا»؛ همانا من به عنوان وزیر و معاون برانگیخته شده ام، نه به عنوان امیر و امام.(۱)»

این حدیث خبر از مسلمان بودن و گرویدن حضرت عیسی علیه السلام به آیین اسلام می دهد؛ همچنین در فرازی دیگر درباره صفات حضرت عیسی علیه السلام می فرماید: «و هو (عیسی) الوزیر الایمن للقائم و حاجبه و

۱- یوم الخلاص، ج۱، ص۵۵۳، ح۷۲۴.

نائبه.»(۱) این روایت به خوبی منش و روحیه تواضع و فروتنی حضرت عیسی را به تصویر کشیده و همچنین فرمانبرداری او را در انجام وظیفه و اطاعت از ولی خدا نشان می دهد.

۳. عیسی علیه السلام قاضی عادل: مسیحیان معتقدندکه عیسی علیه السلام در بازگشت مجدد خویش بین نیکان و شریران داوری خواهد کرد؛ منابع اسلامی این مطلب را تأیید می کنند. درحدیثی از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم آمده است: «عیسی بن مریم درمیان امت من، داور (قاضی) دادگری خواهد بود، کینه و عداوت را ازمیان مردم بردارد....»(۲) همچنین «... در میان شما عیسی بن مریم به عنوان داوری عادل، نزول می کند»(۳) بنابراین یکی از عناوین حضرت عیسی در حکومت جهانی حضرت مهدی، قضاوت خواهد بود.

۴. عیسی علیه السلام قاتل دجال: «کتاب مقدس» از واقعه ای بزرگ، یعنی آمدن فرزند هلاکت خبر می دهد که تا آن واقعه رخ ندهد، (۴) بازگشت مسیح علیه السلام اتفاق نمی افتد. احادیث اسلامی مؤید این مطلب است که در آخرالزمان، فردی شرور به نام «دجال» می آید که یک چشم دارد و در پیشانی او نوشته شده است «کافر». او ادعای خدایی می کند و

۱- معجم احادیث الامام المهدی، ج۲، ص۴۲۸ به نقل از غایه المرام، ج۷، ص۹۲.

۲- بشارت الاسلام، ص ۲۷۹.

۳- بحار الانوار، ج۵۲، ص۳۸۲.

۴- دوم تسالونیکیان، ۲: ۳.

بسیاری را گمراه می سازد.(۱)برابر احادیث، دجال خروج کرده، فتنه گری می کند و در نهایت به دست عیسی مسیح علیه السلام به قتل می رسد. چنان که امیر مؤمنان در خطبه ای فرمودند:

... آنگاه که مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف حضرت عیسی را به جانشینی خود، در عملیات تهاجمی علیه دجال بر میگزینند... دجال به سوی حجاز حرکت می کند و عیسی در گردنه هرشا به او می رسد و فریاد هولناکی بر او می کشد و ضربه ای سخت بر او فرود می آورد و او را در شعله های آتش ذوب می کند آن سان که سرب در آتش ذوب می شود.(۲)

لازم به ذکر است که روایاتی هم داریم که قاتل دجال را حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف معرفی می کند. بنابراین، راه جمع بین این دو دسته روایت این است که بگوییم حضرت عیسی علیه السلام به امر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف دجال را به قتل می رساند. در این صورت، می توان قتل دجال را هم به حضرت عیسی و هم به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف منتسب دانست.

نتیجه گیری

با توجه به این که منجی موعود مسیحیان، حضرت عیسی مسیح علیه السلام خود مدعی مسیحایی و نجات بخشی نبوده و حتی در بین

۱- کمال الدین و تمام النعمه، ج۲، ص۳۱۴.

۲- الشیعه و الرجعه، ج۱، ص۱۶۷؛ به نقل از چشم اند ازی به حکومت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، صص۹۳-۹۴.

سخنانش و یا گزارش های اناجیل، مطلبی دال بر تشکیل حکومت توسط حضرت عیسی علیه السلام به چشم نمی خورد و اگر درباره پایان جهان و نجات بخشی سخنی آمده است، از شخص والاتری به نام «پسر انسان» یاد شده است که در همه موارد استعمال، قابل تطبیق با خود عیسی علیه السلام نیست و مهم تر این که منابع مکتوب اسلامی و شیعی به صراحت از کارکرد ها و رسالت های حضرت عیسی مسیح علیه السلام در دولت و حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف سخن گفته است، خصوصا آن جا که عیسی علیه السلام را وزیری امین برای مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف معرفی می کند، می توان چنین نتیجه گرفت که منجی موعود در هر دو دین مسیح و اسلام (شیعه) یکی است و او همان حضرت حجه بن الحسن العسکری عجل الله تعالی فرجه الشریف است.

اما حضرت عیسی مسیح علیه السلام نیز قطعا در پایان دنیا بازمی گردد و در کنار حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به عنوان وزیری لایق و البته همراهی صادق و امین، انجام وظیفه کرده و حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را در پیش برد اهداف مقدس و الهی اش یاری خواهد کرد.

بازگشت و نزول حضرت عیسی علیه السلام دارای حکمت و برکاتی خواهد بود از جمله:

اولا، بازگشت مجدد او رد قول کسانی است که گمان می کنند که او را کشته اند. خداوند به این وسیله دروغ آنان را روشن و واضح می کند.

ثانیا، نقش حضرت عیسی علیه السلام در فراگیری دین اسلام بسیار کلیدی، مهم و تاثیرگذار خواهد بود. چرا که: حضرت عیسی علیه السلام و حضرت

مهدی علیه السلام دارای هدف مشترک می باشند و آن «حاکمیت دین الهی و برقراری عدل و داد و اجرای فرامین الهی» است و همین امر، وحدت رویه آن دو را در پی خواهد داشت.

ثالثا، آمدن عیسی تکذیب اعتقاد مسیحیانی است که مثل یهود قائل به مصلوب شدن و مرگ حضرت عیسی علیه السلام شده اند.

رابعا، اقتداء حضرت عیسی علیه السلام به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در نماز، نشانه پذیرش دین اسلام و پیروی او از آیین اسلام است و در نتیجه، گویا به آن دسته از مسیحیانی که ادعای پیروی از او را دارند، اعلام می کند که اگر در گفتار خود صادق هستند، باید به اسلام گرویده، مسلمان شوند؛ این عمل عیسی می تواند در تسریع ایمان مسیحیان به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف کمک کند و وعده الهی را زودتر محقق سازد.

خامسا، عمر طولانی حضرت مهدی علیه السلام سبب می شود عده ای دچار شک و شبهه شده و در پیروی از حق، سستی کنند و عده ای نیز که به دنبال راهی هستند تا از زیر بار مسئولیت شانه خالی کنند و از گردن نهادن به فرامین الهی طفره روند، این بهانه را دستاویز خود قرار می دهند تا از پذیرش حق سرباززنند. بازگشت حضرت عیسی علیه السلام می تواند اتمام حجتی برای اینان باشد. چرا که وقتی حضرت عیسی علیه السلام را با عمری بیشتر از عمر حضرت مهدی علیه السلام می بینند، عمر طولانی حضرت مهدی علیه السلام را بهتر می پذیرند و به گونه ای رفع استبعاد شده، تسلیم دستورات اسلام و حکومت عدل مهدوی می شوند.

سادسا، تحقق این پیش گویی قرآن کریم است که می فرماید:

ص:۱۶۷

«وَ إِنْ مِنْ أَهْلِ الْکتابِ إِلاَّ لَيُؤْمِنَنَّ بِهِ قَبْلَ مَوْتِه»(۱)؛

و از اهلِ کتاب، کسی نیست مگر آنکه پیش از مرگ خود حتماً به او ایمان می آورد.

یعنی همه اهل کتابی که در زمان نزول عیسی وجود دارند به او ایمان می آورند.

چنان که امام باقر علیه السلام در این باره فرمود:

پیش از قیامت، (عیسی) به دنیا فرود می آید و هیچ یک از ملت یهود ومسیح نماند مگر اینکه قبل از مرگ به او ایمان آورد و آن حضرت پشت سر مهدی نماز گزارد.(۲)

۱- نساء، آیه۱۵۹.

۲- بحارالانوار، ج۱۴، ص ۵۳۰.

بخش چهارم: کارکردهای منجی

اشاره

فصل اول: کارکردهای قبل از ظهور

فصل دوم: مراحل ظهور

فصل سوم: کارکردهای بعد از ظهور

فصل اول: کارکردهای قبل از ظهور

اشاره

ص:۱۷۱

الف) مقدمه

از فصل های مهم در بررسی شخصیت دو منجی شیعه و مسیحیت، بیان کارکردها و آثار وجودی آنها می باشد. این دو منجی موعود در رابطه با کارکرد ها نیز شباهت هایی با هم دارند که می تواند زمینه را برای گفتگو بین صاحب نظران و متفکران معتقد به این ادیان فراهم سازد تا در جهت تقریب این دو، گامی مؤثر بردارند و بیش از پیش به همگرایی و نزدیک شدن پیروان آنها به یکدیگر کمک کنند.

ب) کارکردها و فوائد منجی شیعه

اشاره

یکی از ویژگی های منجی موعود شیعه، زنده بودن این منجی است؛ خصوصیتی که کمتر در موعودهای دیگر به این شکل و با این کارکرد یافت می شود. شیعه معتقد است منجی اش هم اکنون زنده است؛ در جامعه زندگی عادی دارد؛ مثل دیگران به امور شخصی خود می پردازد... هرچند از دیده ها غایب است و شناخته نمی شود؛

چنان که حضرت علی علیه السلام فرمودند: زمین از حجت خالی نمی باشد. پس حجت خدا مردم را می شناسد، ولی مردم او را نمی شناسند؛ همچون حضرت یوسف که مردم و برادرانش را می شناخت، ولی آنان او را نمی شناختند؛(۱) در حالی که همگان از برکت و فیض وجودش بهره مند می شوند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

انتفاع مردم از حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در زمان غیبت، مانند بهره بردن انسان از آفتاب است، در زمانی که زیر ابر پنهان است.(۲)

بنابراین، به اعتقاد شیعه، عدم رؤیت امام مهدی علیه السلام به معنای عدم فایده او نیست، بلکه صرف وجود او، فواید بی شمار و برکات فراوانی دارد که به برخی از آنها اشاره می شود:

۱. رابط بین حق و خلق

وجود امام، غایت نوع و فرد کامل انسانیت و رابطه عالم مادی و عالم ربوبی است. اگر امام روی زمین نباشد نوع انسان منقرض می شود. اشراقات و افاضات عوالم غیبی، اولا برآینه پاک قلب امام و به وسیله او بر دلهای سایر افراد نازل می گردد.

امام سجاد علیه السلام می فرماید:

نحن ائمه المسلمین.... و بنا یمسک السماء ان تقع علی

۱- غیبت نعمانی، ص۱۴۳، ب۱۰، ح۲.

۲- بحارالانوار، ج۵۳، ص ۱۸۰.

الارض الا باذنه و بنا ینزل الغیث و تنشر الرحمه و تخرج برکات الارض و لولا ما علی الارض منا لساخت باهلها[(۱)]؛ ما امامان مسلمانان هستیم... به واسطه ماست که آسمان بر زمین فرود نمی آید مگر وقتی خدا بخواهد. به واسطه ما باران رحمت حق نازل و برکات زمین خارج می شود. اگر ما روی زمین نبودیم اهلش را فرو می برد.

۲. عامل حفظ مذهب شیعه

وجود امام برای حفظ و حضانت از مکتب شیعه و دوام و بقاء دین اسلام، علی رغم تمام دسیسه ها و دشمنی ها در جهت خاموش کردن نور حق و ایجاد انحراف در تشیع از سوی دشمنان، یک عامل قوی و مستحکم شمرده می شود. به اعتقاد شیعه، امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف دست روی دست نگذاشته و بیکار ننشسته است؛ بلکه او نیز در حال انجام وظایف خطیر امامت بوده و در جهت اعتلای اسلام و دستورات و احکام نورانی آن، تمام همت و نیروی خویش را به کار می گیرد و دست از تلاش برنمی دارد، نقشه دشمنان را نقش بر آب می کند و ناکامشان می گذارد و از نابودی دین اسلام جلوگیری می کند.

۳. شکل گیری مرجعیت و ولایت فقیه

از آثار و برکات وجودی حضرت مهدی علیه السلام ایجاد مفاهیم و اصطلاحات فقهی است که در صحنه سیاسی و زندگی اجتماعی مردم

۱- ینابیع الموده، ج۲، ص۲۱۷.

نیز اهمیت زیادی دارد. بحث «مرجعیت دینی» شیعه در عصر غیبت امام و حجت حق، از اموری است که با اشاره امامان معصوم علیهم السلام و حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف شکل پیدا کرد تا مردم در این دوران نیز حیران و سرگردان نبوده و به گمراهی نیفتند. در نتیجه، افرادی برجسته از میان فقها و علمای شیعه به عنوان نایبان عام آن حضرت وظیفه یافتند مردم را ارشاد و راهنمایی کنند. وجود آن حضرت در امر تشکیل حکومت، شرایط حاکم و مشروعیت آن نیز، نقش کلیدی و مؤثر دارد. زیرا در عصر غیبت امام نیز احکام متعالی اسلام تعطیل نشده و باید اجرا شود. بنابراین، فقیه جامع الشرایط به عنوان «ولی فقیه» در عصر غیبت امام، تشکیل حکومت داده و احکام و حدود اسلامی را اجرا و زمینه ظهور دولت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را فراهم می کند. مردم نیز مکلفند از چنین شخصی اطاعت کرده و دستوراتش را اجرا کنند.

۴. حل مشکلات علمی و فکری

امامان معصوم علیهم السلام مرجع علمی و معدن جوشان حکمت الهی هستند که آن را بدون هیچ بخل و امساکی در اختیار جویندگان مستعد و شایسته می دهند. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز از این قاعده مستثنا نیست و شیفتگان علم و دانش از وجود آن دریای علم و حکمت بهره مند می شوند. کتاب شریف «کمال الدین وتمام النعمه» به توقیعاتی اشاره می کند(۱) که طی آن، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به برخی مشکلات فکری

۱- کمال الدین و تمام النعمه، ج۲، ب۴۵، ص۲۳۵.

و علمی و سؤالات علما و مردم پاسخ داده اند و آنها را از شک و شبهه و جهل در آورده اند. بنابراین، آن حضرت در عصر غیبت نیز در انجام وظیفه خویش کوتاهی نکرده و همچنان مرجعی مطمئن در حل مشکلات علمی و مشکلات فکری جویندگان آن هستند.

۵. مایه امید

وجود امام و رهبر حی حاضر، دل ها را به آینده ای روشن و قطعی امیدوار کرده، نور امید را در دل پیروان و مریدان و منتظران ظهور حضرت مهدی علیه السلام برافروخته می کند و شور و شوق حرکت و تلاش در جهت زمینه سازی و تشکیل حکومت الهی را افزایش داده و دشمنان را مأیوس می سازد. مردمی که چشم انتظار رهبرشان هستند و او را زنده و ناظر اعمال خود می دانند، همیشه در حال انجام وظایف خود بوده و لحظه ای دست از کار و کوشش برنمی دارند.

۶. خودسازی

قرآن می فرماید: « و قل اعملوا فسیری الله عملکم و رسوله و المومنون.»(۱) طبق بیان روایات، مقصود از «مؤمنون»، امام معصوم است که شاهد و ناظر بر اعمال بندگان خداست. شیعیان با اعتقاد به این امر و باورداشت به زنده بودن امام خود، انگیزه ای قوی و روحیه ای مضاعف پیدا کرده و در جهت خود سازی و تهذیب نفس و تذکیه

۱- توبه، آیه ۱۰۵.

درون تلاش می کنند.

۷. ایمنی از بلاها

امنیت، یکی از حیاتی ترین و ضروری ترین نیازهای جوامع بشری است که با فقدان آن، زندگی بسیار تلخ و سخت خواهد شد. تأمین این مهم با وجود امام زمان علیه السلام امکان پذیر است؛ چنان که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف فرمودند: «و انی لامان لاهل الارض؛(۱)

من موجب ایمنی برای ساکنان زمین هستم.»

آن حضرت با عنایات ویژه خویش بلاها و گرفتاری ها را از دوستان و شیعیان و پیروان خویش دور می کند. می فرماید:

انا خاتم الاوصیاء و بی یدفع الله عزوجل البلاء من اهلی و شیعتی؛(۲)

من خاتم اوصیاء هستم و خداوند به وسیله من بلا را از خاندان و شیعیانم دور می کند.

فریادرسی بیچارگان و گرفتاران در بند مشکلات، شفای بیماران، ارتباط با برخی از بزرگان، امدادهای غیبی و مدد رسانی و... از دیگر کارکردهای آن حضرت می باشد.

فقط در اینجا با اشاره به فرازی از خطبه ۱۵۰ نهج البلاغه در این باب، بحث را خاتمه می دهیم.

۱- کمال الدین و تمام النعمه، ج۲، ب۴۵، ص۲۳۹، ح۴.
۲- کمال الدین و تمام النعمه، ج۲، ب۴۳، ص۱۷۱، ح۱۲.

وَ أَخَذُوا يَمِيناً وَ شِمَالًا ظَعْناً فِی مَسَالِكِ الْغَیِّ وَ تَرْكاً لِمَذَاهِبِ الرُّشْدِ فَلَا تَسْتَعْجِلُوا مَا هُوَ كَائِنٌ مُرْصَدٌ وَ لَا تَسْتَبْطِئُوا مَا يَجِیءُ بِهِ الْغَدُ فَكَمْ مِنْ مُسْتَعْجِلٍ بِمَا إِنْ أَدْرَكَهُ وَدَّ أَنَّهُ لَمْ يُدْرِكْهُ وَ مَا أَقْرَبَ الْيَوْمَ مِنْ تَبَاشِيرِ غَدٍ يَا قَوْمِ هَذَا إِبَّانُ وُرُودِ كلِّ مَوْعُودٍ وَ [دُنُوِّ دُنُوٍّ مِنْ طَلْعَهِ مَا لَا تَعْرِفُونَ أَلَا وَ إِنَّ مَنْ أَدْرَكَهَا مِنَّا يَسْرِی فِيهَا بِسِرَاجٍ مُنِيرٍ وَ يَحْذُو فِيهَا عَلَى مِثَالِ الصَّالِحِينَ لِيَحُلَّ فِيهَا رِبْقاً وَ يُعْتِقَ فِيهَا رِقّاً وَ يَصْدَعَ شَعْباً وَ يَشْعَبَ صَدْعاً فِی سُتْرَهٍ عَنِ النَّاسِ لَا يُبْصِرُ الْقَائِفُ أَثَرَهُ وَ لَوْ تَابَعَ نَظَرَهُ ثُمَّ لَيُشْحَذَنَّ فِيهَا قَوْمٌ شَحْذَ الْقَيْنِ النَّصْلَ تُجْلَى بِالتَّنْزِيلِ أَبْصَارُهُمْ وَ يُرْمَى بِالتَّفْسِيرِ فِی مَسَامِعِهِمْ وَ يُغْبَقُونَ كأْسَ الْحِكمَهِ بَعْدَ الصَّبُوحِ (1)؛

به راههای چپ و راست رفتند، و راه ضلالت و گمراهی پیمودند، و راه روشن هدایت را گذاشتند. پس در باره آنچه که باید باشد شتاب نکنید، و آنچه را که در آینده باید بیاید دیر مشمارید، چه بسا کسی برای رسیدن به چیزی شتاب می کند، امّا وقتی به آن رسید دوست دارد که ای کاش آن را نمی دید، و چه نزدیک است امروز ما به فردایی که سپیده آن آشکار شد. ای مردم! اینک ما در آستانه تحقّق وعده های داده شده و نزدیکی طلوع آن چیزهایی که بر شما پوشیده و ابهام آمیز است، قرار داریم. بدانید آن کس از ما (حضرت مهدی « عجل الله تعالی فرجه الشریف ») که فتنه های آینده را دریابد، با چراغی روشنگر در آن گام می نهد، و بر همان سیره و روش پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و

۱- نهج البلاغه، خطبه ۱۴۶، ترجمه دشتی.

امامان علیهم السّلام رفتار می کند تا گره ها را بگشاید، بردگان و ملّت های اسیر را آزاد سازد، جمعیّت های گمراه و ستمگر را پراکنده و حق جویان پراکنده را جمع آوری می کند. [حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف] سال های طولانی در پنهانی از مردم به سر می برد؛ آن چنان که اثر شناسان، اثر قدمش را نمی شناسند، گر چه در یافتن اثر و نشانه ها تلاش فراوان کنند. سپس گروهی برای درهم کوبیدن فتنه ها آماده می گردند، و چونان شمشیرها صیقل می خورند، دیده هاشان با قرآن روشنایی گیرد، و در گوش هاشان تفسیر قرآن طنین افکند، و در صبحگاهان و شامگاهان جامهای حکمت سر می کشند.

ج) کارکردها و آثار منجی مسیحیت

اشاره

پیش تر بیان شد که درباره «نوع نجات بخشی منجی» در بین مسیحیان، دو دیدگاه مطرح می باشد. بنابر دیدگاه اول از نجات (نجات سیال، شخصی و میانجی گرایانه) کارکرد زیادی برای عیسی علیه السلام نمی توان تصور کرد، ولی بنا بر دیدگاه دوم (نجات جمعی، زمان مند و منجی گرایانه) عیسی علیه السلام و رستاخیزش دارای کارکرد هایی است که در ذیل بدان اشاره می کنیم:

۱. مشروعیت بخشیدن به دین مسیحیت و دوام آن

بیان شد که مسیحیت از درون دین یهود نضج گرفته و شکوفا شد و بالطبع در بسیاری از عقاید با یهودیان مشترک بود. به اعتراف

محققـان، این آیین هیـچ گاه از آن عقایـد به طور صـد در صـد جـدا نگردیـده است. یکی از این عقایـد آموزه نجات و منجی گرایی مسیح بود؛ لذا مسیحیان هم باور داشتند که عیسی علیه السلام همان منجی موعودی است که قرار است ملکوت الهی را برقرار کنـد و به تمام رنـج ها پایان دهـد. اما عیســی علیه الســلام بـدون این که کار شاهانه ای انجام دهد و ملکوت خدا را برپا کنـد، به صـلیب کشـیده شـد و هیچ کدام از آرمان ها و آرزوهای دیرینه آنها تحقق نیافت و حالا اینان خجل و سرشکسـته در مقابل هم کیشان خویش بایـد به اشـتباه خود اعتراف می کردند، اما با قبول رسـتاخیز عیسـی علیه السـلام و اعتقاد به بازگشـت مجدد او در آخرالزمان، پیروان کم تعداد این آیین، جان تازه ای گرفته و سـرافرازانه حتی راسخ تر از گذشته به تبلیغ دین خود پرداختنـد. از این نگـاه، قیـام مسـیح و برخاسـتن عیسـی علیه السـلام از میـان مردگـان، اثبـات کننـده حقانیت انجیل(۱)و مؤید ادعاهای آنان بود و دلیلی روشن بر مشروعیت این دین نوپا محسوب می شد.(۲)

۲. معنا بخشی به آیات کتاب مقدس

در «کتاب مقدس» به آیاتی برمی خوریم که اگر قضـیه رستاخیز و بازگشت عیسی علیه السلام را نپذیریم، تفسیر درست و قابل فهمی از این

ص:۱۸۰

۱- تاریخ جامع ادیان، ص ۶۱۰.

۲- «گونه شناسی اندیشه منجی موعود در مسیحیت»، گونه شناسی موعود منجی در ادیان، ص۲۲۴.

فرازها به دست نمی آوریم و این سری آیات، مهمل و نامفهوم باقی می ماند. به عنوان نمونه، در انجیل لوقا آمده است:

کمرهای خود را بسته چراغ های خود را افروخته بدارید و مانند کسانی باشید که انتظار آقای خود را می کشند که چه وقت از عروسی مراجعت کند تا هر وقت که آید و در را بکوبد، بی درنگ برای او باز کنند.(۱)

و یا در انجیل متی چنین آمده است:

پس آن غلام امین و دانا کیست که آقایش او را بر اهل خانه خود بگمارد تا ایشان را در وقت معین خوراک دهد خوشا به حال غلامی که چون آقایش آید، او را در چنین کار مشغول یابد.(۲)

هنری تیسن می نویسد: درک صحیح رجعت مسیح، کلید کتاب مقدس است. بدون درک صحیح رجعت مسیح، نخواهیم توانست بسیاری از تعالیم و آیین های مقدس و وعده ها و نمونه های کتاب مقدس را درک نماییم؛ مثلاً این که مسیح هم پیامبر، هم کاهن و هم پادشاه است، بدون درک رجعت قابل فهم نیست.

... در آیات زیادی، مسیحیان تشویق شده اند که برای بازگشت مسیح آماده باشند و از این حقیقت تسلی پیدا کنند و ضعیفان را برای این حقیقت تقویت نمایند؛ سختی ها را تحمل کنند و اعتماد

۱- لوقا ۱۲: ۳۵ و ۳۶.

۲- متی ۲۴: ۴۵و۴۶.

خود را حفظ نمایند. زیرا خداوند به زودی مراجعت خواهد کرد و برای منتظران خود برکت و اجر و پاداش خواهد آورد.(۱)

نمونه هایی از این قبیل در اعتقاد مسیحیان که به بازگشت مجدد عیسی علیه السلام اشاره می کند، همچین مفهوم «پادشاه» و «پادشاهی عیسی» که انجیل آن را قویا به پادشاهی داوود منتسب می داند که قرار بود عیسی علیه السلام سلطنت ابدی داشته باشد و یا «ملکوت خدا» که وعده مؤکد پیامبران بنی اسرائیل بود، (۲) با مصلوب شدن عیسی علیه السلام قابل فهم نخواهند بود، مگر به وسیله اعتقاد به آموزه بازگشت عیسی علیه السلام و باور به آن؛ در این صورت است که این فرازهای «کتاب مقدس» تبیینی درست و تفسیری قابل توجیه خواهد داشت.

۳. معنا بخشی به برخی آیین ها و رفتارهای دینی

در میان سنت ها و آداب و رسوم مذهبی مسیحیان، به یکسری آیین ها و مراسمی برمی خوریم که در صورت باورداشت و اعتقاد به رستاخیز و رجعت دوباره عیسی علیه السلام دارای معنا و مفهوم می باشد، و الا مبنای معقول و منطقی برای پذیرش و باور ندارند. چند مورد از این آیین ها را عبارتند از:

۲-۱. تعمید: تعمید، نشانه ورود به جامعه مسیحیت و بر عهده

۱- الهیات مسیحی، ص۳۲۷ _ ۳۲۸.

۲- «گونه شناسی اندیشه منجی موعود در مسیحیت»، گونه شناسی موعود منجی در ادیان، ص۲۴۵-۲۴۶.

گرفتن رسالت کلیساست. این رسالت عبارت است از گواهی دادن به کارهای نجات بخش خدا به وسیله عیسی علیه السلام (۱). تعمید، امری است که هنگام بازگشت عیسی علیه السلام روی خواهد داد. براین اساس، اگر اعتقاد به بازگشت عیسی علیه السلام نباشد، این آیین بی معنا خواهد بود.

۲-۲. عشای ربانی: در آیین عشای ربانی که اتحاد مقدس خوانده می شود، (۲) مسیحیان با فرو بردن تکه ای نان که نمادی از جسم عیسی علیه السلام است در کاسه ای از شراب که نمادی از خون عیسی علیه السلام است به صورت نمادین، بدن خود و عیسی علیه السلام را در هم می آمیزند و با او متحد می شوند تا آن گاه که عیسی علیه السلام باز می گردد، آنان نیز –که در گوشت و خون با مسیح شریک شده اند- با او باز گردند. روشن است که این اسرار مسیحی تنها در این صورت قابل فهم اند که در کنار آموزه بازگشت مسیح قرار گیرند.(۳)

۲-۳. دعا برای بازگشت عیسی علیه السلام : در میان دعاهای مسیحی که در مراسم خاص می خوانند، دعا برای تسریع در بازگشت عیسی علیه السلام جایگاه ویژه ای دارد. آنان در بخشی از دعای سال نو می خوانند:ای خداوند، قدرت خود را ظاهر ساز و بیا. بیا که با حمایت تو ما نجات می یابیم و با نجات تو از خطراتی که به واسطه گناهان مان ما را

۱- کلام مسیحی، ص۹۲-۹۳.

۲- مسیحیت از لابه لای متون، ص۷۴.

۳- «گونه شناسی اندیشه منجی موعود در مسیحیت»، گونه شناسی موعود منجی در ادیان، ص۲۴۷؛ به نقل از آیین کاتولیک، ص۸۰.

تهدید می کند، رهایی می یابیم.(۱)

۴. فرقه گرایی و پیدایش نهضت های هزاره گرا

در این بـاره در مقـاله «گونه شناسـی موعود در مسـحیت» چنین آمـده است: «به درستی می توان عمیق ترین جلوه هـای حضور اجتمـاعی باور بازگشت عیسـی علیه السـلام را در پیـدایش نهضت های «مسـیحایی(۲)» یـا «هزاره گرا(۳)» دانسـت. اگرچه این نهضت ها در صورت و ریشه های اولیه با یکـدیگر تفاوت های اساسـی دارنـد، ولی عنصـر اساسـی [مشترک در آنها] انتقاد از وضـعیت موجود و تلاش برای رسـیدن به وضعیت مطلوب تر است. این نهضت ها غالباً وقتی برپا شده اند که مردم در شدت و سختی و رنـج قرار داشـته و در تلاش بوده انـد تـا وضـعیت بهتری برای جوامع خود پدیـد آورنـد. به همین دلیـل بحث از این نهضت ها معمولاً با رویکرد جامعه شـناختی انجام می گیرد. با این حال، نمی توان ساده انگارانه «مسـیانیزم» را پدیده ای صـرفاً اجتمـاعی یا روان شـناختی دانست، زیرا –چنان که دیـدیم- این آموزه ریشه های کاملاً الهیاتی و ایمانی دارد. هزاره گرایی به عنوان نمود بیرونی مسـیانیزم در ادیان مسـیحی، غالباً به شخصـی اشاره دارد که در پایان سـناریو[ی خدا] نقش تعیین کننده ای ایفا می کند[که البته] برای مسیحیان این

ص:۱۸۴

۱- «گونه شناسی اندیشه منجی موعود در مسیحیت»، گونه شناسی موعود منجی در ادیان، ص۲۴۷

۲- Messianic mormenits.

۳- - Millennialist.

نقش را عیسی علیه السلام بر عهده دارد و پایان آن برپایی پادشاهی خداست. نهضت های هزاره گرا در شمار مهم ترین نهضت های مسیحایی اند که بر محور اعتقاد به هزاره خوش بختی شکل گرفته اند. این گروه ها بر اساس باوری که در اناجیل و عهد جدید به روشنی بر آن تأکید شده است، اعتقاد دارند مسیح، هزار سال راستی را بر زمین استوار خواهد کرد. این مفهوم کلیدی در الهیات مسیحی بیان گر یک دوره زمانی است که در آن ایمان انجیلی و کلیسا به اوج خواهد رسید و امت هایی که دعوت دیانت انجیلی را می شنوند به آن اقبال کرده و ایمان می آورند.»(1)

براین اساس، تأثیر رستاخیز عیسی علیه السلام در پدیده های اجتماعی و نهضت های هزاره گرا کاملا روشن و واضح است. لذا بازگشت دوباره عیسی مسیح، یکی از کارکردهای منجی موعود مسیحیت قلمداد می شود.

۵. اخلاق مسیحی و آخرت شناسی و انتظار

آموزه رستاخیز عیسی علیه السلام در مباحث اخلاقی و معنا بخشی به آن هم تأثیرات مهمی داشته است، به طوری که این اخلاق، بر بن نگرشی آخرت شناختی استوار می شود؛ نگرشی که با انتظار و مراقبه همراه باشد؛ امری که در سراسر اناجیل بارها مورد تأکید بوده است:

۱- «گونه شناسی اندیشه منجی موعود در مسیحیت»، گونه شناسی موعود منجی در ادیان، ص۲۴۸-۲۴۹.

«پس بیدار باشید، زیرا نمی دانید که در چه وقت صاحب خانه می آید، در شام یا نصف شب یا بانگ خروس یا صبح.»(۱)

این وعده آخرت شناختی، زمینه مناسبی است برای موعظه دایمی رعایت آنچه عیسی علیه السلام گفته است. مدام تأکید می شود که با بازگشت عیسی علیه السلام و اقامه «ملکوت الهی» تنها کسانی وارد این ملکوت خواهند شد که اخلاقی زیسته باشند و مطابق خواسته عیسی علیه السلام رفتار کرده باشند: «تا عدالت شما بر عدالت کاتبان و فریسیان افزون نشود، به ملکوت آسمان هرگز داخل نخواهید شد.»(۲)

اوج این رهیافت آخرت شناختی در اخلاق مسیحی، در رساله های پولس تجلی کرده است. در نگرش پولس، غایت زیست اخلاقی یک مؤمن، مسیحی زیستن در عیسی علیه السلام و یکی شدن با اوست، تا هنگام بازگشت عیسی علیه السلام نیز دوباره با او باز گردد.(۳)

بازگشت عیسی عامل مؤثری برای تذکیه وانگیزه ای قوی جهت خودسازی به شمار می رود. یوحنا می گوید:

ای حبیبان! الان فرزندان خدا هستیم و هنوز ظاهر نشده است آنچه خواهیم بود؛ لکن می دانیم که چون او ظاهر شود، مانند او خواهیم بود. زیرا او را چنان که هست،

۱- مرقس ۱۳: ۳۵.

۲- متی ۵: ۲۰.

۳- «گونه شناسی اندیشه منجی موعود در مسیحیت»، گونه شناسی موعود منجی در ادیان، ص۲۴۶-۲۴۷.

خواهیم دید و هر کس این امید را بر وی دارد، خود را پاک می سازد؛ چنان که او پاک است.(۱)

هنری تیسین، اعتقاد به ظهور مجدد مسیح را سرچشمه بسیاری از باورها و اعمال می داند و می نویسد: قبول این عقیده باعث می شود که ما خودمان را پاک کنیم(۲)و مواظب و پایدار باشیم.(۳) این عقیده، لغزش خوردگان را به بازگشت تشویق می کند(۴) و باعث هشدار بی دینان می گردد(۵)و در مشکلات و ناراحتی ها، باعث پایداری واستقامت می شود.(۶)

روشن است که این اعتقاد، انگیزه مسیحیت رسول مان بود؛ کسانی که شنیده بودند مسیح گفته است که باز می گردد، ممکن نبود فریب دنیا را بخورند. آنها در انتظار بازگشت او بودند و با همین اعتقاد زندگی می کردند.(۷)

۶. امیدبخشی

پطرس می گوید:

۱- اول یوحنا ۳: ۲ و ۳.

۲- متی ۲۵؛ اول یوحنا ۳: ۲و۳.

۳- مرقس ۱۳: ۳۵و۳۶؛ اول یوحنا ۲: ۲۸.

۴- رومیان ۱۲: ۱۱و۱۲.

۵- دوم تسالونیکیان ۱: ۷ — ۱۰.

۶- اول تسالونیکیان ۴: ۱۳-۱۸؛ عبرانیان ۱۰: ۳۵-۳۸؛ یعقوب ۵: ۷.

۷- الهیات مسیحی، ص۳۲۹.

متبارک باد خدا و پدر خداوند ما، عیسی مسیح که به حسب رحمت عظیم خود، ما را به وساطت برخاستن عیسی مسیح از مردگان، از نو تولید نمود برای امید زنده.(۱)

جان بایر ناس در کتاب «تاریخ جامع ادیان» به اثر بخشی باورداشت به رجعت حضرت عیسی پرداخته و ایجاد روح امید در میان مسیحیان و استمرار حرکت در جهت تبلیغ بیش از پیش مسیحیت، خصوصا مسیحیان اولیه را مورد دقت نظر قرار داده و می نویسد: بحث رستاخیز عیسی علیه السلام و بازگشت دوباره او برای برقراری ملکوت الهی، جان تازه ای به مسیحیان اولیه بخشید و آنها را آماده تر و پرانرژی تر از همیشه برای تبلیغ دین مسیح، دور هم جمع کرد و نور امید را در دل های مأیوس آنها برافروخته کرد. با مروری بر تاریخ مسیحیان اولیه و مطالعه سرگذشت سخت و رنج آور آنها و استقامت و پایداری آنها در مقابل فشارها و احضار در برابر سنهدرین (شورای مشایخ یهود) و مقایسه این احوال با انکار عیسی علیه السلام هنگام دستگیری پی می بریم که ایمان و اعتقاد به رستاخیز عیسی علیه السلام چقدر در استقامت اینان مؤثر بوده است. چرا که نزد مسیحیان صدر اول، قیام مسیح، اثبات حقانیت انجیل بود و هبوط روح القدس به آنها اطمینان و قوت قلب بخشیده و امید فراوانی را ایجاد کرد. از این رو با کمال شجاعت به وعظ و تبلیغ دین مسیحیت پرداختند.(۲)

۱- اول پطرس ۱:۳.

۲- تاریخ جامع ادیان، صص ۶۱۲- ۶۱۰.

۷. شفای بیماران

بنـا برنظر برخی از مسـیحیان، یکی دیگر از کارکردهای مسـیح علیه السـلام شـفای بیماران و زنـده کردن مردگان است. کتاب مقـدس، گزارشـاتی از این گونه امور را به صورت کرامـات و معجزاتی از حضـرت عیسـی علیه السـلام نقل می کنـد؛ همچون شفای دیوانگان(۱)، پیسی(۲)، مفلوج(۳)، کور(۴) و کر و لال(۵)، زنده کردن مردگان(۶)و غیره.

د) نقد و بررسی

۱. کتاب مقدس، گزارشاتی از معجزات حضـرت عیسی ارائه می دهد. قرآن کریم مؤید این مطلب بوده و خود نیز معجزاتی را از آن حضرت بیان می کند که بسی مهم تر و شگفت آورتر از معجزات مذکور در کتاب مقدس است؛ به عنوان نمونه در آیه ۲۹ و ۳۰ سوره مریم از تکلم آن حضرت در گهواره خبر می دهد:

«فَأَشارَتْ إِلَيْهِ قالُوا كَيْفَ نُكَلِّمُ مَنْ كانَ فِي الْمَهْدِ صَبِيًّا. قالَ إِنِّی عَبْدُ اللَّهِ آتانِيَ الْكِتابَ وَ جَعَلَنی نَبِيًّا»؛

پس مریم به عیسی (در گهواره) اشاره کرد. آنها گفتند

۱- لوقا ۴:۳۵.

۲- لوقا ۵:۱۱-۱۲.

۳- مرقس ۵: ۱۱-۱۲.

۴- یوحنا ۹: ۶-۷.

۵- مرقس ۷: ۳۲-۳۵.

۶- لوقا ۷: ۱۲ -۱۶.

چگونه با بچه ای که در گهواره است، تکلم کنیم؟ عیسی (در گهواره) گفت: من بنده خدایی هستم که به من کتاب داده و مرا نبی قرار داده است.

همچنین درسوره مائده، آیه ۱۱۰ از زنده کردن مرده به امر خدا خبر می دهد:

«إِذْ قالَ اللَّهُ یا عیسَی ابْنَ مَرْیَمَ اذْکرْ نِعْمَتی عَلَیْک.... إِذْتُخْرِجُ الْمَوْتی بِإِذْنی»؛

به یاد آور آن زمانی که خدا فرمود: ای عیسی بن مریم، یاد کن نعمتم را بر خودت... که به اذن من مردگان را از قبر بیرون می آوردی.

۲. اگر چه وجود هر دو منجی دارای خیر و برکت فراوان می باشد، اما نا آگاهی برخی از پیروان آنها و شیطنت گروهی معاند، سبب ایجاد برخی انحرافات و فرقه گرایی ها در هر دو آیین شده است. البته این را نباید از کارکرد های منجی به حساب آورد. چرا که حضرت عیسی علیه السلام و حضرت مهدی علیه السلام خود چنین انحرافاتی را منتشر نکرده و حتی به پیروان خویش هشدار می دهند که گول شیاطین و مدعیان دروغین را نخورند. به عنوان نمونه، حضرت عیسی علیه السلام به پیروان خویش خطاب کرده، می گوید:

زنهار کسی شما را گمراه نکند، ازآن رو که بسا به نام من آمده، خواهند گفت که من مسیح هستم و بسیاری را گمراه

خواهند کرد.(۱)

و یا

آن گاه اگر کسی به شما گوید: اینک مسیح در این جا یا در آن جاست باور مکنید. زیرا که مسیحیان کاذب و انبیاء کذبه ظاهر شده، علامات و معجزات عظیمه چنان خواهند نمود که اگر ممکن بودی برگزیدگان را نیز گمراه کردندی.(۲)

همچنین حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در آخرین توقیع شریف به علی بن محمد سمری تصریح می کند: «... و سیأتی الی شیعتی من یدعی المشاهده. الا فمن ادعی المشاهده... و هو کذاب مفتر»؛(۳) یعنی عده ای سراغ شیعیان من خواهند آمد و ادعای مشاهده مرا خواهند کرد، ولی آگاه باشید که هر کسی ادعای مشاهده کرد... دروغگو بوده و نسبت دروغ داده است. لذا نباید این چنین انحرافاتی را به حساب این دو منجی گذاشت.

۳. حفظ دین و مذهب از کارکردهای هر دو منجی است، ولی این بدان معنا نیست که هیچ گونه انحرافی در آن دین پیش نیاید. چرا که وقتی پیشوای یک دین در بین قوم خود نباشد، طبیعی است که تعالیم آن دین دچار انحراف و دست خوش تحریفاتی بشود و اعوجاج

۱- متی ۲۴:۴و۵.

۲- متی ۲۴:۲۳و۲۴.

۳- احتجاج، ج۲، ص۲۹۷.

و کژی در آن راه یابـد. امـا وجود و اعتقـاد به رسـتاخیز و قیـام این دو منجی، مانع از آن است که دین به طور کلی نابود شـده وخطوط کلی و اصول اساسی آن به بوته فراموشی سپرده شود.

ه) شباهت ها

۳-۱. هردو مایه امید و حرکت رو به جلوی پیروان خویش اند.

۳-۲. هر دو باعث تداوم، حفظ و بقاء دین خود هستند.

۳-۳. وجود و بازگشت هر دو مایه دلگرمی و عامل خودسازی است.

۳-۴. حضـرت عیسـی علیه السلام حجت زمان خود بود؛ همچنین حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز حجت زمان حاضر است.

ص:۱۹۲

فصل دوم: مراحل ظهور

اشاره

ص:۱۹۳

الف) شیعه

اشاره

موعود شیعی (حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف) به لحاظ ماهوی، موعودی «شخصی» است. او فرد خاصی است که خواهد آمد و حکومت حق را احیا خواهد نمود. مهدی موعود علیه السلام را که از سلاله امامان معصوم علیهم السلام است، باید همچون اجدادش بشری با صفات الهی و ربوبی دانست. به هر حال او را نمی توان همسنگ مصلحان و رهبران عادی جوامع شمرد. چرا که طبق روایات، آن حضرت به وسیله نصرت الهی یاری و مدد می شود، ولی مراحل ظهور و تشکیل حکومت وی به روال طبیعی خواهد بود که در ذیل بدان اشاره می شود:

۱. در آستانه ظهور

در روایات، نشانه های فراوانی برای ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ذکر شده است؛ مثل ندای آسمانی، خروج سفیانی، خروج یمانی، کشته شدن نفس زکیه؛ همه از علائم حتمی ظهور می باشند. همچنین از علائم غیر حتمی دیگری نیز یاد شده است، همچون وقوع بلاها و

ص:۱۹۴

مصیبت های گوناگون طبیعی و غیر طبیعی از قبیل؛ سیل و زلزله و جنگ و خونریزی و غیر آن. زمانی که چهره عالم ازاین ظلم ها و جفاکاری ها سیاه و کدر شد و مظلومان و ستمدیدگان هیچ مأوا و پناهگاهی جز درگاه الهی نداشتند و مردم برای پذیرش حکومت الهی و قوانین و اصول آن آمادگی کامل داشته باشند و او را از صمیم دل بخواهند، هنگامه ظهور فرا می رسد. دراین زمان، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به صورت ناشناس در مدینه سکونت دارد.

چنان که امام صادق علیه السلام می فرماید:

لَا بُدَّ لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ مِنْ غَیْبَهٍ وَ لَا بُدَّ لَهُ فِی غَیْبَتِهِ مِنْ عُزْلَهٍ وَ نِعْمَ الْمَنْزِلُ طَیْبَهُ وَ مَا بِثَلَاثِینَ مِنْ وَحْشَه(۱)؛ صاحب این امر را غیبتی است و در آن غیبت، عزلتی، بهترین منزلگاه وی مدینه است و با وجود سی نفر اضطراب و وحشتی نخواهد بود.

و یا

لِلْقَائِمِ غَیْبَتَانِ إِحْدَاهُمَا قَصِیرَهٌ وَ الْأُخْرَی طَوِیلَهٌ الْغَیْبَهُ الْأُولَی لَا یَعْلَمُ بِمَکانِهِ فِیهَا إِلَّا خَاصَّهُ شِیعَتِهِ وَ الْأُخْرَی لَا یَعْلَمُ بِمَکانِهِ فِیهَا إِلَّا خَاصَّهُ مَوَالِیه(۲)؛

حضرت قائم دارای دو غیبت خواهد بود. یکی کوتاه و دیگری طولانی. در غیبت اولی جز شیعیان مخصوص از

۱- اصول کافی، ج ۱، ص ۳۴۰.

۲- اصول کافی، ج ۱، ص ۳۴۰.

جای آن حضرت خبر ندارند، و در غیبت دیگر جز دوستان مخصوص (خادمان) از جای او خبر ندارند.

سفیانی به مـدینه حمله می کند و بسـیاری از بنی هاشم را از دم تیغ می گذراند. حضـرت مهدی ازمدینه خارج و به سوی مکه رهسپار می گردد.

امام باقر علیه السلام می فرماید:

...یَبْعَثُ بَعْثاً إِلَی الْمَـدِینَهِ فَیَقْتُلُ بِهَا رَجُلًا وَ یَهْرُبُ الْمَهْـدِیُّ وَ الْمَنْصُورُ مِنْهَا وَ یُؤْخَـذُ آلُ مُحَمَّدٍ صَـغِیرُهُمْ وَ کَبِیرُهُمْ لَا یُتْرَک مِنْهُمْ أَحَدٌ إِلَّا حُبِسَ وَ یَخْرُجُ الْجَیْشُ فِی طَلَبِ الرَّجُلَیْنِ وَ یَخْرُجُ الْمَهْدِیُّ مِنْهَا عَلَی سُنَّهِ مُوسَی خائِفاً یَتَرَقَّبُ حَتَّی یَقْدَمَ مَکه...(۱)؛

...سـپس سفیانی لشکر دیگری به مدینه می فرستد، مردی در آنجا کشته می شود و مهدی و منصور فرار می کنند، سفیانی هم بزرگ و کوچک سادات و ذریه پیغمبر را گرفته و حبس می کنـد. آنگاه لشـکری برای پیـدا کردن مهـدی و منصور از مـدینه بیرون می رود مهـدی همچون موسـی بن عمران (که هراسـان از مصـر خارج شـد) هراسان و نگران از مـدینه بیرون می رود، و بدین گونه وارد مکه می شود... .

همینطور پیامبر اسـلام صـلی الله علیه و آله و سـلم فرمودنـد: «یخرج المهدی من المدینه الی مکه»؛(۲) مهـدی از مدینه به سوی مکه خارج می شود.

ص:۱۹۶

۱- بحار الانوار، ج۵۲، ص۲۲۳.

۲- معجم احادیث الامام المهدی، ج۲، ص۳۱۱ به نقل از الفتاوی الحدیثیه، ص۲۸.

روایات می گوید که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف هنگام خروج از مدینه میراث رسول الله را با خود به همراه می برد. دراین باره مفضل بن عمر از امام صادق علیه السلام بیان می کند:

سوگند به خدا ای مفضل! گویا اکنون می بینم او را (حضرت مهدی) که وارد مکه می شود در حالی که عمامه ای زرد فام بر سر نهاده و کفش مخصوص پیامبر را پوشیده و چوبدستی او را در دست گرفته وچندین بزغاله لاغر پیشاپیش خود می برد تا به خانه خدا برسد، اما هیچکس او را در آن جا نمی شناسد.(۱)

سپس «سفیانی» برای مقاتله با او لشکر عظیمی را از مدینه به سوی مکه گسیل می دارد که این لشکر در سرزمین «بیداء» که بین مکه و مدینه واقع شده است، در زمین فرو رفته و هلاک می شوند.(۲)

روایات بیان می کنند که در هنگامه ظهور، ندایی آسمانی، ظهور آن منجی موعود را به جهانیان بشارت می دهد(۳) وخبر ظهور امام عجل الله تعالی فرجه الشریف همه جا پخش خواهد شد. به تعبیر روایات، آن حضرت

۱- بشارت الاسلام، ص۲۶۷ به نقل از عصر ظهور، ص۲۷۵.

۲- «فَيَبْعَثُ جَيْشاً عَلَى أَثَرِهِ فَلَا يُدْرِكُهُ حَتَّى يَدْخُلَ مَكَهَ خائِفاً يَتَرَقَّبُ عَلَى سُنَّةِ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ عليه السلام قَالَ فَيَنْزِلُ أَمِيرُ جَيْشِ السُّفْيَانِيِّ الْبَيْدَاءَ فَيُنَادِي مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ يَا بَيْدَاءُ أَبِيدِي الْقَوْمَ فَيَخْسِفُ بِهِمْ فَلَا يُفْلِتُ مِنْهُمْ إِلَّا ثَلَاثَهُ نَفَر»، (غیبت نعمانی، ص۳۹۲، باب۱۴، ح۶۷).

۳- «أَبَو جَعْفَرٍ عليه السلام يَقُولُ إِنَّ الْمُنَادِيَ يُنَادِي أَنَّ الْمَهْدِيَّ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ فُلَانُ بْنُ فُلَانٍ بِاسْمِهِ وَ اسْمِ أَبِيه» (غیبت نعمانی، ص۳۹۲، باب۱۴، ح۲۷، ص۳۷۲).

همچون«شهاب ثاقب(۱)» به فرمان خدا پدیدار می شود و زمین را از لوث بیدادگران پاک می کند.

۲. قیام از کنار کعبه

روایـات متعـددی محـل قیـام آن حضـرت و اعلام آن به جهانیان را مکه معظمه و کنار خانه خـدا می داننـد. امام و یارانش در مسـجدالحرام اجتماع می کننـد و طبق روایات در روز عاشورا؛ پانزده روز بعـد از شـهادت نفس زکیه در کنار مقام ابراهیم قیام خواهد کرد.

امام صادق علیه السلام می فرماید:

... حضـرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف یکی از یاران خود را فراخوانده و برای ابلاغ پیام، او را کنار کعبه می فرستد و او پیام را برای آنان می خواند، ولی آنان بر او هجوم آورند و او را در مسـجدالحرام میان رکن و مقام به شـهادت رسانند؛ او همان نفس زکیه است....(۲)

۱- برگرفتـه از روایـتی از امـام بـاقر(ص)«...ثم یقبـل کالشـهاب الثـاقب...»، (کمـال الـدین و تمـام النعمه، ج۲، باب۳۳، ح۲۲، ص۱۶).

۲- «عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السـلام فِی حَدِیثٍ طَوِیلٍ إِلَی أَنْ قَالَ یَقُولُ الْقَائِمُ علیه السلام لِأَصْحَابِهِ یَا قَوْمِ إِنَّ أَهْلَ مَکهَ لَا یُرِیدُونَنِی وَ لَکنِّی مُرْسِلٌ إِلَیْهِمْ لِأَحْتَـجَّ عَلَیْهِمْ بِمَا یَنْبَغِی لِمِثْلِی أَنْ یَحْتَـجَّ عَلَیْهِمْ فَیَـدْعُو رَجُلًا مِنْ أَصْـحَابِهِ فَیَقُولُ لَهُ امْضِ إِلَی أَهْلِ مَکهَ فَقُلْ یَا أَهْلَ مَکهَ أَنَا رَسُولُ فُلَانٍ إِلَیْکمْ وَ هُوَ یَقُولُ لَکمْ إِنَّا أَهْلُ بَیْتِ الرَّحْمَهِ وَ مَعْدِنُ الرِّسَالَهِ وَ الْخِلَافَهِ وَ نَحْنُ ذُرِّیَّهُ مُحَمَّدٍ وَ سُـلَالَهُ النَّبِیِّینَ وَ إِنَّا قَـدْ ظُلِمْنَا وَ اضْـطُهِدْنَا وَ قُهِرْنَا وَ ابْتُزَّ مِنَّا حَقُّنَا مُنْـذُ قُبِضَ نَبِیُّنَا إِلَی یَوْمِنَا هَـذَا فَنَحْنُ نَسْتَنْصِـرُکمْ فَانْصُـرُونَا فَإِذَا تَکلَّمَ هَذَا الْفَتَی بِهَذَا الْکلَامِ أَتَوْا إِلَیْهِ فَذَبَحُوهُ بَیْنَ الرُّکنِ وَ الْمَقَامِ وَ هِیَ النَّفْسُ الزَّکیَّهُ فَإِذَا بَلَغَ ذَلِک الْإِمَامَ قَالَ لِأَصْـحابِهِ أَلَا أَخْبَرْتُکمْ أَنَّ أَهْلَ مَکهَ لَا یُرِیدُونَنَا فَلَا یَدْعُونَه»، (بحار الانوار، ج۵۲، ص۳۰۷).

امیرالمومنین علیه السلام می فرماید:

کشته شدن بیگناهی در سرزمین حرم توسط قومی از قریش. سوگند به خدایی که دانه را می شکافد و جان ها را می آفریند بعد از این حادثه به جز پانزده شب حکومتی برای آنان باقی نمی ماند.(۱)

بعد از شهادت نفس زکیه دیگر خداوند مهلت نمی دهد و قیام حضرت مهدی آغاز می شود.

امام باقر علیه السلام ضمن حدیثی، بعد از بیان پاره ای علائم و نشانه ها می فرماید:

...در این هنگام است که قائم ما خروج کند و چون ظهورکند، به خانه کعبه تکیه زند و ۳۱۳ مرد به گرد او اجتماع کنند و اولین سخن او این آیه قرآن است: «بقیهُ اللهِ خَیرٌ لَکم إن کنتُم مؤمنین». سپس می گوید: «منم بقیه الله در زمین و منم خلیفه خداوند و حجت او بر شما....(۲)

۱- «أَ لَا أُخْبِرُكمْ بِآخِرِ مُلْك بَنِی فُلَانٍ قُلْنَا بَلَی یَا أَمِیرَ الْمُؤْمِنِینَ قَالَ قَتْلُ نَفْسٍ حَرَامٍ فِی یَوْمٍ حَرَامٍ فِی بَلَدٍ حَرَامٍ عَنْ قَوْمٍ مِنْ قُرَیْشٍ وَ الَّذِی فَلَقَ الْحَبَّهَ وَ بَرَأَ النَّسَمَهَ مَا لَهُمْ مُلْك بَعْدَهُ غَیْرَ خَمْسَ عَشْرَهَ لَیْلَه»، (بحار الانوار، ج۵۲، ص۲۳۴).
۲- « قُلْتُ یَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ مَتَی یَخْرُجُ قَائِمُكمْ قَالَ إِذَا تَشَبَّهَ الرِّجَالُ بِالنِّسَاءِ وَ النِّسَاءُ بِالرِّجَالِ وَ اكتَفَی الرِّجَالُ بِالرِّجَالِ وَ النِّسَاءُ بِالنِّسَاءِ وَ رَكبَ ذَوَاتُ الْفُرُوجِ السُّرُوجَ وَ قُبِلَتْ شَهَادَاتُ الزُّورِ وَ رُدَّتْ شَهَادَاتُ الْعُدُولِ وَ اسْتَخَفَّ النَّاسُ بِالدِّمَاءِ وَ ارْتِكابِ الزِّنَاءِ وَ أُكلَ الرِّبَا وَ اتُّقِیَ الْأَشْرَارُ مَخَافَهَ أَلْسِنَتِهِمْ وَ خُرُوجُ السُّفْیَانِیِّ مِنَ الشَّامِ وَ الْیَمَانِیِّ مِنَ الْیَمَنِ وَ خَسْفٌ بِالْبَیْدَاءِ وَ قَتْلُ غُلَامٍ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله و سلم بَیْنَ الرُّكنِ وَ الْمَقَامِ اسْمُهُ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ النَّفْسُ الزَّكیَّهُ وَ جَاءَتْ صَیْحَهٌ مِنَ السَّمَاءِ بِأَنَّ الْحَقَّ فِیهِ وَ فِی شِیعَتِهِ فَعِنْدَ ذَلِك خُرُوجُ قَائِمِنَا فَإِذَا خَرَجَ أَسْنَدَ ظَهْرَهُ إِلَی الْكعْبَهِ وَ اجْتَمَعَ إِلَیْهِ ثَلَاثُمِائَهٍ وَ ثَلَاثَهَ عَشَرَ رَجُلًا وَ أَوَّلُ مَا یَنْطِقُ بِهِ هَذِهِ الْآیَهُ بَقِیَّتُ اللَّهِ خَیْرٌ لَكمْ إِنْ كنْتُمْ مُؤْمِنِینَ ثُمَّ یَقُولُ أَنَا بَقِیَّهُ اللَّهِ فِی أَرْضِهِ وَ خَلِیفَتُهُ وَ حُجَّتُهُ عَلَیْكمْ فَلَا یُسَلِّمُ عَلَیْهِ مُسَلِّمٌ إِلَّا قَالَ السَّلَامُ عَلَیْك یَا بَقِیَّهَ اللَّهِ فِی أَرْضِهِ فَإِذَا اجْتَمَعَ إِلَیْهِ الْعِقْدُ وَ هُوَ عَشَرَهُ آلَافِ رَجُلٍ خَرَجَ فَلَا یَبْقَی فِی الْأَرْضِ مَعْبُودٌ دُونَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ مِنْ صَنَمٍ وَ وَثَنٍ وَ غَیْرِهِ إِلَّا وَقَعَتْ فِیهِ نَارٌ فَاحْتَرَقَ وَ ذَلِك بَعْدَ غَیْبَهٍ طَوِیلَهٍ لِیَعْلَمَ اللَّهُ مَنْ یُطِیعُهُ بِالْغَیْبِ وَ یُؤْمِنُ بِه» (كمال الدین و تمام النعمه، ج۲، باب۳۲، ح۱۶، ص۶۰۴).

در هنگامه قیام، خطبه ای می خواند و در آن به مواضع خویش اشاره کرده و موارد فراموش شده را به مردم یادآور می شود.

امام باقر علیه السلام در این باره می فرماید:

سپس مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در «مکه» هنگام «عشاء» ظاهر می شود، در حالی که پرچم رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و پیراهن و شمشیر آن حضرت همراه اوست و علامت ها و نشانه هایی نیز با او می باشد. سپس هنگامی که نماز عشاء را به جای آورد، با صدای بلند فریاد زند:

ای مردم! من خدا را به شما متذکر می شوم و جایگاه شما را در پیشگاه او یادآوری می کنم؛ او حجت خود را بر شما تمام کرد و انبیا را فرستاد و کتاب (قرآن) را نازل کرد و شما را امرکرد که هرگز به او شرک نورزید و از او و

ص:۲۰۰

رسولش صلی الله علیه و آله و سلم اطاعت کنید و آن چه را که قرآن آورده و احیا نموده است، زنده نگاه دارید و هرچه را که قرآن میرانده، آن را بمیرانید و یار و مددکار هدایت باشید و تقوا پیشه کنید که نابودی دنیا و زوال آن نزدیک شده و اعلام جدایی و وداع کرده است و من شما را به سوی خدا و رسولش صلی الله علیه و آله و سلم و عمل به کتاب خدا، میراندن باطل و نابود کردن آن و احیاء سنت و روش پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم دعوت می کنم.(۱)

امام مهدی علیه السلام بعد از آن که یارانش به ده هزار نفر رسید با سپاه خود از مکه به سوی مدینه حرکت خواهد کرد(۲) و از آن جا به سوی

۱- «عن أبی جعفر علیه السلام قال: ثم یظهر المهدی بمکه عند العشاء و معه رایه رسول اللّه «ص» و قمیصه و سیفه و علامه و نور و بیان فاذا صلی العشاء نادی بأعلی صوته یقول اذکرکم اللّه أیها الناس و مقامکم بین یدی ربکم و قد اکد الحجه و بعث الانبیاء و أنزل الکتاب یأمرکم أن لا تشرکوا به شیئا و أن تحافظوا علی طاعه اللّه و طاعه رسوله «ص» و ان تحیوا ما أحین القرآن و تمیتوا ما أمات و تکونوا أعوانا علی الهدی و وازروا علی التقوی فان الدنیا قد دنا فناؤها و زوالها و أذنت بالوداع و انی أدعوکم إلی اللّه و إلی رسوله صلی الله علیه و آله و سلم و العمل بکتابه و إماته الباطل و احیاء السنه فیظهر فی ثلثمائه و ثلاثه عشر رجلا عده أهل بدر علی غیر میعاد قزعا کقزع الخریف رهبان باللیل أسد بالنهار فیفتح اللّه أرض الحجاز و یستخرج من کان فی السجن من بنی هاشم و تنزل الرایات السود الکوفه فیبعث بالبیعه الی المهدی جنوده إلی الآفاق و یمیت الجور و أهله و تستقیم له البلدان و یفتح اللّه علی یدیه القسطنطینیه»، عقدالدرر، ص۱۹۵؛ معجم احادیث الامام المهدی، ج۴، ص۴۵۶-۴۵۷).

۲- «إِذَا قَامَ الْقَائِمُ لَا یَبْقَی أَرْضٌ إِلَّا نُودِیَ فِیهَا شَهَادَهُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنَّ مُحَمَّداً رَسُولُ اللَّه»، (ارشاد، ج۲، ص۳۵۷؛ معجم احادیث الامام المهدی، ج۵، ص۲۲۷).

کوفه و نجف رهسپار شده و در کوفه مستقر می شود.(۱)در این هنگام حضرت عیسی علیه السلام نازل شده و در نماز به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف اقتدا می کند و به عنوان وزیر، آن حضرت را یاری خواهد کرد.(۲)

۳. پیروزی و تشکیل حکومت

هدف از قیام حضرت مهدی علیه السلام برپایی حکومت الهی در سرتاسر گیتی و اجرای فرامین الهی و برقراری عدل و داد است. طبیعی است که در این مسیر با مخالفت ها و موانعی نیز روبرو شود و عده ای از حاکمان جور در مقابل اصلاحات آن حضرت سنگ اندازی کرده و مانع تراشی کنند. براین اساس، حضرت مهدی علیه السلام ناگزیر به نبرد با آنان می شود تا طبق مضمون روایات، شرق و غرب عالم را فتح کند و پرچم اسلام را در سرتاسر دنیا به اهتزاز در آورده و جز گوینده «لا اله الا الله» باقی نماند.(۳)

۳-۱. جنگ و نبرد: نباید تصور شود کار تشکیل حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به آسانی و راحتی انجام پذیرد؛ بلکه بنابرروایات، در بین چکاچک شمشیر و خون بسته شده و عرق(۴) طی هشت ماه، (۵)مبارزه

۱- بحارالانوار، ج۵۲، ص۳۰۸؛ معجم احادیث الامام المهدی، ج۴، ص۴۶۲.

۲- «مِنْ ذُرِّيَّتِي الْمَهْدِيُّ إِذَا خَرَجَ نَزَلَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ علیه السلام لِنُصْرَتِهِ فَقَدَّمَهُ وَ يُصَلِّي خَلْفَه،:«و هو(عیسی) الوزیر الایمن للقائم و حاجبه و نائبه»، (ینابیع الموده، ج۲، ص۸۸؛ معجم احادیث الامام المهدی، ج۲، ص۴۲۳).

۳- عقدالدرر، ص۵۶؛ معجم احادیث الامام المهدی، ج۲، ص۳۱۷.

۴- «سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع وَ قَدْ ذَكَرَ الْقَائِمَ ع فَقُلْتُ إِنِّي لَأَرْجُو أَنْ يَكونَ أَمْرُهُ فِي سُهُولَةٍ فَقَالَ لَا يَكونُ ذَلِك حَتَّى تَمْسَحُوا الْعَلَقَ وَ الْعَرَق»، (غیبت نعمانی، ب۱۵، ح۲، ص۳۹۹).

۵- «صَاحِبُ الْأَمْرِ الطَّرِيدُ الشَّرِيدُ الْمَوْتُورُ بِأَبِيهِ الْمُكَنَّى بِعَمِّهِ يَضَعُ سَيْفَهُ عَلَى عَاتِقِهِ ثَمَانِيَةَ أَشْهُر»؛ «صاحب الامر طرید است و شرید و پدر کشته که بعم خود کنیه او ادا شود و هشت ماه شمشیر خود را روی دوش خود گذارد»، (کمال الدین، ج۱ ص۳۱۸).

جانانه و جنگ و جهاد، دولت کریمه مهدوی استقرار پیدا خواهد کرد. اگر چه حضرت برای انجام مأموریت الهی خویش از امدادهای غیبی و نصرت الهی بهره مند است، اما از امکانات مادی و طبیعی نیز استفاده کرده و نیروهای تحت امرش را به آلات و وسایل جنگی و سلاح های روز مجهز می کند. امام صادق علیه السلام فرمود: «يُؤَيِّدُهُ بِثَلَاثَهِ أَجْنَادٍ بِالْمَلَائِكهِ وَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الرُّعْبِ»؛(۱) حضرت قائم را سه لشکر یاری می دهد: فرشتگان، مؤمنان و رعب (افتادن ترس در دل دشمنان).

در روایت ابن حجاج آمده است که امام صادق علیه السلام فرمودند:

وقتی قائم ما عجل الله تعالی فرجه الشریف قیام می کند به سرزمینی نزدیک کوفه به نام «رحبه» می آید و به نقطه ای اشاره کرده می فرمایند: این محل را حفر کنید. چون آن زمین را حفر می کنند، سلاح های بسیاری در آنجا می بینید که بیرون آورده و حضرت، لشکری با دوازده هزار نیرو را با آن سلاح ها مسلح و مجهز کرده به سوی دشمن می فرستند.(۲)

۱- بحارالانوار، ج۵۲، ص۳۵۶.

۲- «إِذَا قَامَ الْقَائِمُ علیه السلام أَتَى رَحْبَهَ الْكوفَهِ ... ثُمَّ قَالَ احْفِرُوا هَاهُنَا فَيَحْفِرُونَ فَيَسْتَخْرِجُونَ اثْنَیْ عَشَرَ أَلْفَ دِرْعٍ وَ اثْنَیْ عَشَرَ أَلْفَ سَيْفٍ وَ اثْنَیْ عَشَرَ أَلْفَ بَيْضَه لِكلِّ بَيْضَهٍ وَجْهَانِ ثُمَّ يَدْعُو اثْنَیْ عَشَرَ أَلْفَ رَجُلٍ مِنَ الْمَوَالِي مِنَ الْعَرَبِ وَ الْعَجَمِ فَيُلْبِسُهُمْ ذَلِك ثُمَّ يَقُولُ مَنْ لَمْ يَكنْ عَلَيْهِ مِثْلُ مَا عَلَيْكم فَاقْتُلُوه»، (بحارالانوار، ج۵۲، ص۳۷۷؛ معجم احادیث الامام المهدی، ج۵، ص۲۹۳).

آن حضـرت در سرتاسـر زمیـن برای نـابودی دشـمنان دیـن نیرو می فرسـتد تـا کـل کره خـاکی مطیـع امر الهی شـده، در برابر دستورات دین و ولی خدا گردن نهند و در نهایت، تمام بلاد به دست او فتح شده و دین اسلام تنها دین باقی مانده خواهد بود.

امام باقر علیه السلام فرمودند:

حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف لشکریان خود را برای گرفتن بیعت به سراسر جهان می فرستد و ستم و ستمگر را نابود می کند و شهرهای گشوده شده برای او تثبیت می گردد.(۱)

۳-۲. یاران و سـپاهیان: در برخی روایات از افرادی خاص نام برده شـده که به نظر می رسد از فرماندهان سـپاه حضـرت مهدی علیه السـلام باشـند، همچون: حضرت عیسی علیه السلام وگاهی از جمع ۳۱۳ نفر(۲) و گـاهی نیز از جمع چهار هزار و ده هزار نفری(۳) سخن گفته می شود که جزء

۱- ملاحم، ص۶۴.

۲- «الْمَفْقُودُونَ عَنْ فُرُشِهِمْ ثَلَاثُمِائَهٍ وَ ثَلَاثَهَ عَشَرَ رَجُلًا عِدَّهُ أَهْلِ بَدْرٍ فَیُصْبِحُونَ بِمَکَهَ وَ هُوَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَ یْنَ ما تَکونُوا یَأْتِ بِکمُ اللَّهُ جَمِیعاً وَ هُمْ أَصْحَابُ الْقَائِمِ علیه السلام »، (کمال الدین و تمام النعمه، ج۲، ب۵۷، ح۲۱، ص۵۶۲).

۳- «سَأَلَ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ الْکوفَهِ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع کمْ یَخْرُجُ مَعَ الْقَائِمِ ع فَإِنَّهُمْ یَقُولُونَ إِنَّهُ یَخْرُجُ مَعَهُ مِثْلُ عِدَّهِ أَهْلِ بَدْرٍ ثَلَاثُمِائَهٍ وَ ثَلَاثَهَ عَشَرَ رَجُلًا قَالَ وَ مَا یَخْرُجُ إِلَّا فِی أُولِی قُوَّهٍ وَ مَا تَکونُ أُولُو الْقُوَّهِ أَقَلَّ مِنْ عَشَرَهِ آلَاف»، (کمال الـدین و تمام النعمه، ج۲، ص۶۵۴).

لشکریان و سربازان آن حضرت می باشند. هرکدام از این افراد دارای ویژگی های خاص و برجسته ای می باشند که برای تحقق وعده الهی در رکاب آن حضرت نبرد می کنند.

در برخی روایات آمده است که یاران آن حضرت از مکانهای مختلف گرد هم می آیند که به عنوان نمونه حدیث زیر نقل می کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

إِذَا کَانَ عِنْدَ خُرُوجِ الْقَائِمِ یُنَادِی مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ أَیُّهَا النَّاسُ قُطِعَ عَنْکمْ مُدَّةُ الْجَبَّارِینَ وَ وَلِیَ الْأَمْرَ خَیْرُ أُمَّهِ مُحَمَّدٍ فَالْحَقُوا بِمَکهَ فَیَخْرُجُ النُّجَبَاءُ مِنْ مِصْرَ وَ الْأَبْدَالُ مِنَ الشَّامِ وَ عَصَائِبُ الْعِرَاقِ رُهْبَانٌ بِاللَّیْلِ لُیُوثٌ بِالنَّهَارِ کأَنَّ قُلُوبَهُمْ زُبَرُ الْحَدِیدِ فَیُبَایِعُونَهُ بَیْنَ الرُّکنِ وَ الْمَقَامِ(۱)؛

در موقع آمدن قائم گوینده ای از آسمان بانگ میزند: ای مردم! زمان حکومت جباران به پایان رسید، ولیّ امر بهترین امت محمد صلّی اللّه علیه و آله قیام کرده است، در مکه بوی ملحق شوید: آنگاه نجباء از مصر و ابدال از شام و دستجات عراق که شبها را بعبادت مشغول و روزها همچون شیر می باشند و دلهاشان مانند پاره های آهن است بیایند و در بین رکن و مقام با وی بیعت کنند.

۱- بحار الانوار، ج۵۲، ص۳۰۴.

۳-۳. حکومت: دراین باره حضرت صادق علیه السلام می فرمایند:

دَارُ مُلْکِهِ الْکوفَهُ وَ مَجْلِسُ حُکمِهِ جَامِعُهَا وَ بَیْتُ مَالِهِ وَ مَقْسَمُ غَنَائِمِ الْمُسْلِمِینَ مَسْجِدُ السَّهْلَهِ... »؛

مرکز سلطنت او کوفه و مرکز قضاوت او مسجد اعظم کوفه است. مرکز بیت المال و محل تقسیم غنایم جنگی مسلمانان، مسجد سهله است. و در نجف و کوفه ساکن می شود، سپس سپاهیان خود را از آن جا به سراسر [دنیا] می فرستد تا به دفع عمال دجال بپردازد. پس زمین را از عدل و داد آکنده می سازد.(۱)

۳-۴. مدت حکومت حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف و چگونگی پایان آن: مدت حکومت حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف و مدت زمامداری آن حضرت، در روایات با اختلاف ذکر شده است. در برخی روایات سیصدونه سال و در برخی دیگر هفتاد سال، برخی نوزده سال و برخی هفت سال ذکر شده است. اما روایت هفتاد سال را ممکن است با روایت هفت سال به این طریق جمع کرد که هر سال آن به مقدار ده سال می باشد که در نتیجه همان هفتاد سال می شود. علامه مجلسی اختلاف بین این روایات را این چنین توجیه می کند:

برخی روایات بر تمام حکومت دلالت دارد و برخی بر مدت ثبات و استقرار حکومت. بعضی بر طبق سالها وروزهایی است که ما با آنها آشنا هستیم و بعضی احادیث دیگر بر طبق سالها و روزهای روزگار

۱- ارشاد، ج۲، ص۳۸؛ بحار الانوار، ج۵۳، ص۱۱.

آن حضرت است که طولانی می باشد و خداوند به حقیقت مطلب آگاه است.(۱) و یا ممکن است این تفاوت اشاره به مراحل و دورانهای حکومت آن حضرت باشد. مثلا آغاز شکل گرفتن و پیاده شدن حکومت پنج یا هفت سال و دوران تکامل آن چهل سال و دوران نهایی اش بیش از سیصد سال باشد.(۲)

در این جا به ذکر چند روایت می پردازیم:

۱. ابوجارود از حضرت ابوجعفر، امام باقر علیه السلام روایت کرده است که فرمود:

یَمْلِکُ الْقَائِمُ ثَلَاثَمِائَهِ سَنَهٍ وَ یَزْدَادُ تِسْعاً کَمَا لَبِثَ أَهْلُ الْکَهْفِ فِی کَهْفِهِم..؛

همانا دوران حکومت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف سیصد و نه سال خواهد بود. به همان مقدار که اصحاب کهف در غار ماندند.(۳)

۲. ابن ابی یعفور از حضرت صادق علیه السلام نقل کرده است که آن حضرت فرمود: «یَمْلِکُ الْقَائِمُ علیه السلام تِسْعَ عَشْرَهَ سَنَهً وَ أَشْهُرا»؛ «حکومت قائم، نوزده سال و چند ماه خواهد بود.»(۴)

۳. قُلْتُ لِأَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام کَمْ یَمْلِکُ الْقَائِمُ؟ قَالَ: اسَبْعَ سِنِینَ یَکونُ سَبْعِینَ سَنَهً مِنْ سِنِینکمْ هَذِه»؛ «از امام صادق پرسیدم که حضرت قائم علیه السلام چند سال حکومت می کند؟ فرمود: حکومت حضرت، هفت سال است که

۱- بحارالانوار، ج۵۲، ص ۲۸۰.

۲- حکومت جهانی مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ص۱۳.

۳- غیبت طوسی، ص۲۸۳؛ بحارالانوار، ج۵۲، ص ۳۹۰.

۴- غیبت نعمانی، ص ۳۳۱.

هر سالی به مقدار ده سال از سال های شما می باشد. پس سالیان حکومت آن حضرت به اندازه هفتاد سال شما خواهد بود.(۱)

۵_۳. ساختار حکومت: نویسنده کتاب «آینده جهان»(۲)با توجه به روایات و احادیث، ساختار نظام سیاسی حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را چنین به تصویر می کشد:

۳-۵-۱. نهاد امامت (رهبری و خلافت): حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف پس از فتح جهان و تسلط بر آن، خود امامت و رهبری را به عهده می گیرد و ریاست عالی و مدیریت کامل بر جهان را در دست دارد. سیاست گذاریها، برنامه ریزیها و تصمیم گیری ها زیر نظر او صورت می گیرد و مسولیت ها و وظایف با دستور او مشخص و تقسیم می شود. از جمله این برنامه های اساسی تشکیل حکومت فراگیر جهانی و اداره اجتماعات از یک نقطه و با یک سیاست و برنامه است. «و تشرق الارض بنوره و یبلغ سلطانه المشرق و المغرب.»(۳)

آن حضرت با اقتدار و نفوذ تمام جهان را اداره و همه کشورها را تحت سلطه خود خواهد داشت و عزل و نصب حاکمان و زمامداران_ به اذن خدا_ در دست اوست: «... آنها را فرمانروایان کشورهای جهان می گرداند.»(۴)

۱- ارشاد، ص۳۶۳.

۲- صص ۲۶۶-۲۸۴.

۳- کمال الدین و تمام النعمه، ج۱، ص ۲۸۰، ح۲۷.

۴- «...یجعلهم حکاما فی الاقالیم...»، یوم الخلاص، ج۲، ص ۶۵۰.

۳-۵-۲. نهاد وزارت (وزیر و مشاور امام): مـدیریت، در سـطح جهانی، کاری بس دشوار است و احادیث از افرادی نام می برد که به عنوان وزیر و همکار، امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف را یاری می کنند. در صدر این افراد، حضـرت عیسی بن مریم علیه السلام است که در روایات با عناوینی چون وزیر، جانشین، مشاور، فرمانده سپاه و مسئول در حکومت یاد شده است.

در روایتی از پیامبر اسلام نقل شده است:

مهدی متوجه می شود که عیسـی در قدس در نزدیکی مناره بیضاء فرود آمده است؛ در حالی که دستهای خود را بر بالهای دو فرشـته نهاده آب از موهایش فرو می چکـد. پس مهـدی می گویـد: جلو بایست و با مردم نماز بخوان. عیسـی می گویـد: نماز برای تو اقامه شـده است. پس عیسـی پشت سر او نماز می خواند و با او بیعت می کند و می گوید: من به عنوان وزیر و معاون برانگیخته شده ام و نه به عنوان امیر و امام.(۱)

همچنین از افرادی دیگر نیز به عنوان وزیران حکومت مهـدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف نام برده شـده است؛ چنانکه پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید:

وزیران مهدی همه عجم (غیر عربی) هستند و در میان آنان حتی یک نفر هم عرب نیست؛ ولی به عربی سخن می گویند

ص:۲۰۹

۱- «یلتفت المهـدی علیه السـلام و قد نزل عیسـی عند المناره البیضاء فی القدس واضـعا کفیه علی اجنحه ملکین کأنما یقطر من شعره الماء فیقول المهدی علیه السلام : تقدم فصلّ بالناس، فیقول: إنما أقیمت الصلاه لک، فیصلّی خلفه فیقول: انما بعثت وزیرا و لم ابعث امیرا»، (یوم الخلاص، ج۱، ص۵۵۳، ح۷۲۴).

و آنان خالصترین و برترین وزیران هستند.(۱)

۳-۵-۳. نهاد امارت و ولایت: این نهاد مهم ترین و اساسی ترین رکن حکومتی دولت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است.صاحبان امارت و ولایت، حاکمان و روسای سراسر زمین و کارگزاران نظام جدید جهانی هستند که مستقیماً از سوی امام زمان به این مقام مهم نصب شده و مدیریت و اداره جهان را در دست دارند.

مهدی یارانش را در همه شهرها پراکنده می سازد و به آنان دستور می دهد که عدل و احسان را شیوه خود سازند و آنها را فرمانروایان کشورهای جهان گرداند و به آنان فرمان می دهد که شهرها را آباد سازند.(۲)

امیرالمومنین علیه السلام می فرماید:

یبعث الی امرائه بسائر الامصار بالعدل بین الناس(۳)؛ مهدی امیران و کارگزاران خود را به شهرها می فرستد و دستور می دهد که عدالت را در میان مردم پیاده کنند.

به نظر می رسد والیان از میان همان ۳۱۳ نفر اصحاب خاص انتخاب شوند که دارای برخی ویژگی ها هستند، از جمله:

۱. آنان از اقصا نقاط عالم جمع شده و نخستین بیعت کنندگان با

۱- «... وزراء المهدی من الاعاجم ما فیهم عربی یتکلمون العربیه وهم اخلص الوزراء و افضل الوزراء»، (بحارالانوار، ج۴۸، ص۳۰۵).

۲- «یفرق المهدی اصحابه فی جمیع البلدان و یامرهم بالعدل و الاحسان و یجعلهم حکاما فی الاقالیم و یامرهم بعمران المدن»، (یوم الخلاص، ج۲، ص۶۵).

۳- منتخب الاثر، ج۳، ص۱۴۵.

امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف هستند؛

۲. آنان مدافعان مخصوص و حافظان ویژه امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف می باشند؛

۳. آنان پرچم داران و حاکمان روی زمین اند؛

۴. آنان ارکان و پایه های خلل ناپذیر و پشتیبان محکم حکومت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف هستند؛

۵. آنان به دلیل اینکه دست خدا بالای سر آنان است، همیشه پیروز و ثابت قدم اند؛

۶. آنان به قدرت ایمان کامل، ممتازند و شک و تردید در باور آنها راه ندارد.(۱)

۳-۵-۴. نهاد کارگزار و اجرا: کارگزار، همان مجری قانون و مأمور و نماینده دولت و حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است که امور محوله را انجام می دهد. اینان به عناوین مختلف در روایات ذکر شده اند؛ عناوینی همچون:

فقها و حاکمان شرع: امام صادق علیه السلام فرمودند:

... گروهی هستند که همراه قائم خارج می شوند و آنان فرماندهان، قاضیان، حاکمان شرع و فقیهان دین هستند که خداوند با دست قدرت خود بر شکم و پشت آنها می کشد؛ دیگر هیچ حکمی بر آنها دشوار نمی ماند.(۲)

۱- سیمای آفتاب، ص۲۳۷.

۲- «... هم النجباء و الفقهاء و هم الحکام و هم القضاه الذین یمسح بطونهم و ظهورهم فلا یشکل علیکم حکم»، (الملاحم و الفتن فی ظهور الغائب المنتظر عجل الله تعالی فرجه الشریف، ص۲۰۵).

خُزان (خزانه داران): امام باقر علیه السلام فرمودند:

هر گاه صاحب این امر [خروج کند] هر آینه به هر مردی از شـما قوت چهل مرد داده شود و دل های شما مانند پاره های آهن می شود. به نوعی که اگر آنها را به کوهها بزنند هر آینه شکافته شود... شـما در آن وقت حکام روی زمین و خزانه داران آن خواهید بود.(۱)

اخیار: امام باقر علیه السلام فرمودند:

سیصـد و انـدی در میـان رکن و مقـام بـا قائم بیعت می کننـد... اخیار از عراق در میان آنها هسـتند، برپا می دارنـدآنچه را که خداوند می خواهد برپا داشته شود.(۲)

۳-۵-۵. نهـاد قضاوت: قضاوت از اموری است که خود حضـرت مهـدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف آن را بر عهـده خواهد داشت. امام صادق علیه السلام می فرماید:

یَأْمُرُ مُنَادِیاً فَیُنَادِی هَذَا الْمَهْدِیُّ یَقْضِی بِقَضَاءِ دَاوُدَ وَ سُلَیْمَانَ لَایَسْأَلُ عَلَی ذَلِک بَیِّنَه(۳)؛

منادی ندا در می دهد: این مهدی است که چون داود و سلیمان قضاوت می کند و در قضاوت کردن احتیاجی به

۱- «إِنَّهُ لَوْ قَدْ کانَ ذَلِک أُعْطِیَ الرَّجُلُ مِنْکمْ قُوَّهَ أَرْبَعِینَ رَجُلًا وَ جُعِلَتْ قُلُوبُکمْ کزُبَرِ الْحَدِیـدِ لَوْ قُـذِفَ بِهَا الْجِبَالُ لَقَلَعَتْهَا وَ کنْتُمْ قُوَّامَ الْأَرْضِ وَ خُزَّانَهَا»، (کافی، ج۸، ص۲۹۴).

۲- «یُبَـایِعُ الْقَـائِمَ بَیْنَ الرُّکنِ وَ الْمَقَـامِ ثَلَاثُمِـائَهٍ وَ نَیِّفٌ عِـدَّهُ أَهْـلِ بَـدْرٍ.... وَ الْأَخْیَـارُ مِنْ أَهْـلِ الْعِرَاقِ فَیُقِیمُ مَا شَاءَ اللَّهُ أَنْ یُقِیمَ»، (بحارالانوار، ج۵۲، ص۳۳۴).

۳- غیبت نعمانی، ص۳۱۳، ح۵.

دلیل و شاهد ندارد.

و نیز آمده است:

تَقُولُ هَذَا الْمَهْدِیُّ یَحْکمُ بِحُکمِ دَاوُدَ وَ لَا یُرِیدُ بیِّنَه(۱)؛

ندا می گوید: این مهدی است همچون داود حکم می کند و به بینه و شاهد نیازی ندارد.

حضرت عیسی علیه السلام نیز از قضات دولت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می باشد. پیامبر فرمود:

و یکون عیسی بن مریم فی امتی حکما مقسطا... ترفع الاشجان و التباغض»(۲)؛

عیسی بن مریم بین امت من داور (قاضی) دادگری خواهد بود. کینه و عداوت را از میان مردم بردارد.

و نیزآمده است:

«ینزل فیکم ابن مریم حکما عادلا...»(۳)

به علاوه عده ای از زبدگان و دانشمندان فاضل نیز امر قضاوت را در دست خواهند داشت و در این راه از عنایات و امدادهای غیبی خداوند نیز بهره مند خواهند بود.

امام صادق علیه السلام فرمودند:

ولکن این عده ای که به همراه قائم علیه السلام خروج

۱- غیبت نعمانی، ص۳۱۵، ح۷.

۲- ینابیع الموده، ج۲، ص۵۲۳.

۳- بحارالانوار، ج۵۲، ص۳۸۲.

می کنندفرمانـدهان، فقهاء و قاضـیان هسـتند که خداونـد با دست قـدرت خویش به شـکم و پشت آنها می کشـد و دیگر هیچ حکمی بر آنها دشوار نمی نماید.(۱)

۳-۶. رجعت، اهـداف و فلسـفه آن: رجعت از معتقدات و باورهای ضـروری شـیعه می باشد که روایات متعدد در باورداشت و تحقق آن در آخر الزمان به دست ما رسیده است. چنانکه در باره رجعت نظر حضرت رضا علیه السلام پرسیدند:

فَمَا تَقُولُ فِی الرَّجْعَهِ؟ فَقَالَ الرِّضَا علیه السـلام إِنَّهَا الْحَقُّ وَ قَدْ کانَتْ فِی الْأُمَمِ السَّالِفَهِ وَ نَطَقَ بِهَا الْقُرْآنُ وَ قَدْ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم یَکونُ فِی هَذِهِ الْأُمَّهِ کلُّ مَا کانَ فِی الْأُمَمِ السَّالِفَهِ حَذْوَ النَّعْلِ بِالنَّعْلِ وَ الْقُذَّهِ بِالْقُذَّهِ(۲)؛

چه می گوئی در رجعت؟ امـام رضـا علیه السـلام فرمود که رجعت حق است چه آن در امتهـای سابقه بوده است و قرآن از آن سخن گفته است و پیامبر فرمود که هر چه در امتهای سابق بوده در این امت هم خواهد بود مطابق نعل بنعل و پر تیر به پر تیر.

اما فلسفه و هدف از رجعت(۳) عبارتند از:

اول: تحقق وعده حاکمیت مومنان بر زمین: امام صادق علیه السلام در ذیل آیه

ص:۲۱۴

۱- «و لکن هـذه العده التی یخرج فیها القائم علیه السـلام و هم النجباء و الفقهاء و هم الحکام و هم القضاه الذین یمسح بطونهم و ظهورهم فلا یشکل علیکم حکم» (الملاحم و الفتن، ص۲۰۵).

۲- بحارالانوار، ج۲۵، ص۱۳۵.

۳- رجعت در عصر ظهور، ص۱۵۱-۱۵۵.

سوره نور(۱) می فرماید:

آیا نمی دانی که بیشتر انبیا در دنیا یاری نشده، بلکه همه به شهادت رسیده اند و امامان هم پس از آنها به شهادت رسیده و یاری نشده اند، پس این نصرت وعده داده شده در زمان رجعت محقق خواهد شد.(۲)

دوم: اظهار قدرت و عظمت الهی: امام صادق علیه السلام در ذیل آیه «ذکرهم بایام الله»(۳) می فرماید:

قَالَ أَیَّامُ اللَّهِ ثَلَاثَهٌ یَوْمُ الْقَائِمِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَیْهِ وَ یَوْمُ الْمَوْتِ وَ یَوْمُ الْقِیَامَه(۴)؛

روزهای خدا سه روز است: روز قیام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و روز رجعت و روز قیامت.

ایـام الله در مقـام ایـام العرب است که وقایع با عظمت و مهم را جز ایام العرب به یاد و خاطر می سپردنـد. لـذا در روایت هم به مناسبت اهمیت روز رجعت به عنوان ایام الله از آن یاد شده است.

۱- «وَعَدَ اللَّهُ الَّذینَ آمَنُوا مِنْکمْ وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ لَیَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِی الْأَرْضِ کمَا اسْتَخْلَفَ الَّذینَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لَیُمَکنَنَّ لَهُمْ دینَهُمُ الَّذِی ارْتَضی لَهُمْ وَ لَیُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْناً یَعْبُدُونَنی لا یُشْرِکونَ بی شَیْئاً وَ مَنْ کفَرَ بَعْدَ ذلِک فَأُولئِک هُمُ الْفاسِقُون»، (نور، ۵۵).

۲- «أَ مَا عَلِمْتَ أَنَّ أَنْبِیَاءَ اللَّهِ کثِیرَهٌ لَمْ یُنْصَرُوا فِی الدُّنْیَا وَ قُتِلُوا وَ الْأَئِمَّهُ مِنْ بَعْدِهِمْ قُتِلُوا وَ لَمْ یُنْصَرُوا وَ ذَلِک فِی الرَّجْعَه»، (بحارالانوار، ج۶۴، ص۴۷).

۳- ابراهیم، آیه ۵.

۴- بحارالانوار، ج۵۱، ص۴۵.

سوم: شادمانی و تشفی دل مومنان: امام صادق علیه السلام می فرماید:

فی الرجعه سیردهم فیقتلهم و یشفی صدور المومنین منهم(۱)؛

در رجعت، آنان را بر می گرداند، پس می کُشد آنها را تا دلهای مومنان را شفا دهد.

چهارم: عذاب و ذلت کافران: امام صادق علیه السلام فرمودند:

إِنَّ أَوَّلَ مَنْ یَکرُّ إِلَی الدُّنْیَا الْحُسَیْنُ بْنُ عَلِیٍّ علیه السلام وَ أَصْحَابُهُ وَ یَزِیدُ بْنُ مُعَاوِیَهَ وَ أَصْحَابُهُ فَیَقْتُلُهُمْ حَذْوَ الْقُذَّهِ بِالْقُذَّه(۲)؛ اولین رجعت کننده امام حسین علیه السلام و یارانش و یزید و یارانش می باشند تا آنها انتقام بگیرند، همان گونه که آن حضرت و یارانش را به شهادت رسانده بودند.

و نیز:

اذا قام قائمنا رد الله کل موذ للمومنین فی زمانه فی الصوره التی کانوا علیها و فیها بین اظهرهم لینتصف منهم المومنون(۳)؛

وقتی قائم ما قیام کند، خداوند هر آزار دهنده به مومنان را به همان صورتی که در زمان حیات خود بوده و میان مردم حضور داشته است به دنیا باز می گرداند تا مومنان حق خود را از آنها باز گیرند.

این روایت نشان می دهد که بازگشت و رجعت مختص یک گروه خاص و ویژه نبوده بلکه هر مظلومی که ستم دیده باشد از هر قوم و

۱- رجعت در عصر ظهور به نقل از الایقاظ من الهجعه، ص۲۴۵.

۲- بحار الانوار، ج۵۳، ص۷۶.

۳- رجعت در عصر ظهور به نقل از دلائل الامامه، ص۴۶۴.

قبیله ای را شامل می شود.

پنجم: ارتقای کمال نفس: از آنجایی که در محیط قبل از ظهور زمینه برای تعالی و کمال نهایی انسانها نبوده است، لذا در عصر مابعد از ظهور این زمینه و بستر مهیا می شود تا هر صاحب نفس مستعدی به نهایت درجه کمال و ترقی خود برسد.

ب)مسیحیت

اشاره

مسئله رجعت، بسیار مهم و از اصول و مبانی تعالیم مسیحیت می باشد که کلیسا به تعلیم آن علاقه زیادی نشان می داد. این مسئله با فراز و نشیب های زیادی روبرو شد. در مقاطعی از زمان با شور و حال زایدالوصفی به آن پرداخته می شد و در برهه ای دیگر، مورد غفلت واقع شده و در بین تعالیم کلیسا حضور کمرنگی داشت. در حال حاضر این آموزه در میان مسیحیان از جایگاه ویژه ای برخوردار است. با مطالعه منابع مسیحیت درمی یابیم که این بازگشت باشکوه در چند مرحله انجام می شود:

۱. ظهور اولیه و ربودن کلیسا: کتاب مقدس از این بازگشت اولیه عیسی علیه السلام سخن گفته است:

اما ای برادران، از شما استدعا می کنیم درباره آمدن خداوند ما عیسی مسیح و جمع شدن ما به نزد او، که شما از هوش خود به زودی متزلزل نشوید.[۱]

ص:۲۱۷

۱- دوم تسالونیکیان، ۲:۱.

در بازگشت و ظهور اولیه عیسی علیه السلام کلیسا (جمعیت مؤمنان) ربوده می شود. نکته قابل ذکر این که، این رجعت در زمین اتفاق نمی افتد، بلکه ملاقات در آسمان صورت می گیرد:

زیرا خود خداوند با صدا و با آواز رئیس فرشتگان و با صور خدا از آسمان نازل خواهد شد و مردگان در مسیح اول خواهند برخاست. آن گاه ما که زنده و باقی باشیم، با ایشان در ابرها ربوده خواهیم شد تا خداوند را در هوا استقبال کنیم.(۱)

اما وطن ما در آسمان است که از آن جا نجات دهنده، یعنی عیسی مسیح خداوند را انتظار می کشیم که شکل جسم ذلیل ما را تبدیل خواهد نمود تا به صورت جسم مجید او مصور شود.(۲)

هدف از این ملاقات درآسمان، دادرسی مومنان و دادن پاداش به آنان و حساب پس دادن در استفاده از استعدادها و اموال و فرصتهایی است که به آنها داده شده بود.

هدف مهم دیگر، آماده کردن اوضاع و از میان بردن موانع ظهور است. موانع ظهور ممکن است دولتهای بشری یا شیطان باشند که از آن با عنوان بی دین، دجال، ضد مسیح و قانون شکن یاد شده است.(۳)

۲. دوران مصیبت عظیم: مسیحیت معتقد است که بین بازگشت اول

۱- اول تسالونیکیان ۴:۱۶-۱۷.

۲- فیلپیان ۳:۲۱-۲۲.

۳- ر.ک: مجموعه مقالات دکترین مهدویت۱۳۸۴، ص۳۳۹.

و دوم مسیح علیه السلام دورانی بسیار سخت و پر از مصیبت خواهد بود. محنتی عظیم که از ابتدای خلقت تاکنون چنین مصیبتی نبوده است و اگر ادامه یابد، بشری باقی نخواهد ماند؛(۱) آفتاب، تاریک و ماه، بی نور گردد و ستارگان فروریزند.(۲)

هنری تیسن با استفاده از آموزه های کتاب مقدس، این دوران را چنین ترسیم می کند:

وقتی کلیسا ربوده شود، دیگر نمک و نور در جهان نخواهد بود. مدت کوتاهی پس از ربوده شدن کلیسا، تا زمانی که مردم به سوی خداوند بازگشت نکرده اند، بر روی زمین هیچ موجود نجات یافته ای وجود نخواهد داشت. روح القدس، خدمت بازدارنده خود را از جهان خواهد برداشت. در آن زمان، فساد و ظلمت به سرعت زیاد خواهد شد. گناه همه جا را فراخواهد گرفت و مرد بی دین ظهور خواهد کرد. شیطان و فرشتگانش بر روی زمین قدرت زیادی خواهند داشت، ولی آمدن مسیح، مانعی را که در راه اشاعه بی دینی و برنامه های آخرالزمان وجود داشت، از میان خواهد برد.(۳)

آمدن شخص شریر یا فرزند هلاکت، یکی دیگر از مصیبت هایی است که در این دوران اتفاق خواهد افتاد؛ «زنهار! کسی به هیچ وجه

۱- متی ۲۱:۲۴.

۲- متی ۲۹:۲۴.

۳- الهیات مسیحی، ص۳۳۹.

شما را نفریبد. زیرا که تا آن ارتداد، اول واقع نشود و آن مرد شریر، یعنی فرزند هلاکت ظاهر نگردد، آن روز نخواهد آمد.»(۱)

۳. بازگشت مجدد و سلطنت هزار ساله: برابر آموزه های «کتاب مقدس» هنگامی که سال های مصیبت بی سابقه به پایان خود نزدیک شود، روح هایی از دهان اژدها و از دهان وحش و از دهان نبی کاذب بیرون می آیند و بر پادشاهان ربع مسکون زمین خروج می کنند تا ایشان را برای جنگ عظیم فراهم آورند.(۲) آنان جمع می شوند تا «اورشلیم» را تصرف کنند و یهودیان و فلسطین را به اسارت درآورند.(۳) ولی وقتی به پیروزی نزدیک شده اند، مسیح با لشکریان خود از آسمان نزول خواهد کرد و در جنگ نهایی، پس از غلبه بر آنان، پیشوایانشان، گرفتار و به دریاچه آتش افکنده خواهند شد.(۴) سپاهیان آنان نیز با شمشیری که از دهان مسیح خارج می شود، کشته خواهند شد و راه برای استقرار حکومت مسیح هموار خواهد گردید.(۵) این دوره، هزارسال با فرمانروایی مسیح به طول می انجامد(۶) و عدل و انصاف کامل در جهان برپا خواهد گشت.(۷) شیطان و روح های شریر بسته می شوند

ص:۲۲۰

۱- دوم تسالونیکیان ۲: ۳.

۲- مکاشفه یوحنا ۱۶: ۱۳_۱۷.

۳- زکریا ۱۲: ۲-۳ و ۱۴: ۲.

۴- مکاشفه ۹: ۱-۱۰ و ۱۹: ۲۰ و مزامیر ۲: ۳.

۵- مکاشفه ۱۹: ۱۵و۲۱.

۶- مکاشفه ۴:۲۰.

۷- مزامیر ۲:۷۲-۱۴.

و به مدت هزار سال در «هاویه» افکنده خواهند شد.(۱)

۳-۱. اهداف رجعت حضرت مسیح علیه السلام

۳-۱. اهداف رجعت حضرت مسیح علیه السلام (۲)

این رجعت به چند منظور صورت می گیرد:

اول: استقرار ملکوت الهی در زمین: چنانکه در برخی انجیلها آمده است: مقصود مکشوف شده مسیح از رجعت او به زمین، عبارت است از استقرار ملکوت در روی زمین.

دوم: داوری بین انسانها: مردگان زنده می شوند. زیرا حضرت مسیح خواهان داوری میان آنان است و گروه رستگاران را از نفرین شدگان جدا می کند. صدای فرمان الهی و آوای تکان دهنده رئیس فرشتگان و نوای شیپور، شنیده خواهد شد و ناگهان خود خداوند از آسمان به زمین خواهد آمد. آنگاه پیش از همه، مسیحیانی که مرده اند زنده خواهند شد تا خداوند را ملاقات کنند..(۳)

سوم: بازگشت مردگان برای انتقام گیری: به این معنا که کسانی که در راه عقیده خود جان خویش را از دست داده اند بر می خیزند و زندگی تازه ای را آغاز می کنند، مدارج کمال را طی می کنند و فریاد انتقام سر می دهند.

این مفهوم را در مکاشفه یوحنا می توان یافت.

۱- مکاشفه یوحنا ۲۰: ۱-۳.

۲- رجعت در عصر ظهور، ص۴۱-۴۳.

۳- نامه اول پولس، تسالونیکیان، ۴: ۱۶-۱۸.

با برداشته شدن مهر پنجم، شهیدانی را که در راه ایمان خود جان باخته اند، آشکار می سازد؛ آنان که زیر قربانگاه دفن شده اند و برای آن که خود را کفاره گناه دیگران سازند جان باخته اند.

در رویای یوحنا شهدا فریاد سر داده محاکمه و انتقام کسانی را که مسبب مرگ آنان بوده اند خواستار می شوند.

در آخرین قصاص از مرگ شهدایی که در راه ایمان خو د جان باخته اند انتقام گرفته می شود.(۱)

چهارم: حکومت این افراد رجعت کننده همراه عیسی در حکومت هزار ساله: آن وقت چند تخت دیدم که کسانی روی آنها نشسته بودند. آنها اختیار و قدرت دادرسی داشتند. در ضمن جانهای کسانی را دیدم که به سبب شناساندن عیسی به مردم و همچنین رساندن کلام خدا به آنها سرشان بریده شده بود. باز جانهای کسانی را دیدم که آن جاندار خبیث و مجسمه اش را نپرستیده بودند و علامتش را روی پیشانی و دستهای شان نداشتند. اینها زندگی را از نو آغاز کردند و با مسیح هزار سال سلطنت کردند.(۲)

۳-۲. نشانه ها و علایم بازگشت ثانویه عیسی

الف) ناگهانی بودن: بازگشت دوم مسیح علیه السلام بی خبرانه و غیرمنتظره بوده

ص:۲۲۲

۱- مکاشفه یوحنا، ۸: ۱؛ نیز ۵: ۱؛ ۱۶: ۱۲-۱۶؛ ۲۰: ۴.

۲- یوحنا ۲۰: ۴.

و هیچ یک از مردم، از تاریخ و روز و لحظه آن خبر نخواهد داشت.(۱)

ب)مصیبت و بلا: بازگشت عیسی مسیح با مصائب و بلایای متعددی همراه خواهد بود. مواردی مثل جنگ و زلزله و.... «اما چون جنگ ها و اخبار جنگ ها را بشنوید، مضطرب نشوید. زیرا که وقوع این حوادث ضروری است... زلزله ها در جای ها حادث خواهد شد و قحطی ها و اغتشاش ها پدید می آید و این ها ابتدای دردهای زه میباشد.»(۲)

ج) عظمت و شکوه: بازگشت دوباره منجی مسیح همراه با شکوه خاص خواهد بود و او در میان ابرها و در حالی که فرشتگان مقرب او را در میان گرفته اند، ظاهر خواهد شد.(۳)

د) تجسد: بازگشت دوباره منجی، آشکارا و جسمانی خواهد بود و نه فقط روحانی، به گونه ای که همه مردم خواهند توانست او را به چشم ببینند.(۴)

۳-۳. داوری

به عقیده پروتستان ها، عیسی علیه السلام دو گونه داوری خواهد داشت: یکی در ابتدای سلطنت هزار ساله که تمام امت ها جمع خواهند شد که برای صالحان، حیات ابدی و برای طالحان، مجازات و آتش ابدی

۱- متی ۲۴: ۳۷-۳۹؛ مرقس ۳۲:۱۳؛ متی ۴۲:۲۴-۴۴.

۲- مرقس ۸:۱۳.

۳- متی ۲۵: ۳۱.

۴- مکاشفه یوحنای ۱: ۷.

در نظر گرفته خواهد شد؛(۱)اما داوری دوم (قیامت) از اعتقادات کلیسای کاتولیک است که در اعتقاد نامه های رسمی خود، این نوع داوری را تأیید می کند:

قبل از داوری نهایی، همه مردگان برخواهند خاست و این زمانی است که همه اهل قبور صدای پسر انسان را می شنوند و از قبور خارج می شوند.(۲)

ج) نقد و بررسی

این دو منجی در عین این که شباهت های زیادی در کارکرد دارند، اما در مقام مقایسه، برخی نکات قابل توجه است:

۱. منجی مسیحیت در آسمان ها زندگی می کند و اولین مرحله ظهورش با ربودن کلیسا (مؤمنان) همراه می باشد. آن گاه پس از گذشت سال های پر محنت و مصیبت به زمین باز می گردد، ولی منجی موعود شیعه، در زمین و در کنار پیروانش زیست می کند؛ با مشکلاتشان آشنا و همراه است و در زمانی که از او مدد خواهی کنند، کمکشان می کند.

۲. همانطور که ملاحظه می شود، منابع مکتوب اسلامی، روند ظهور منجی موعود شیعه و تشکیل حکومت الهی را با جزئیات بیان کرده است؛ هر چند روایات این بخش نیاز به بررسی سندی و دلالی

۱- الهیات مسیحی، ص ۳۸۰.

۲- در آمدی برالهیات تطبیقی اسلام و مسیحیت، ص۲۰۷.

دارد، ولی ارائه همین تصویر از پایان دنیا و حوادث بعد از آن، یک امتیاز برجسته به شمار می آید؛ به ویژه وقتی با عملکرد منجی مسیحیت مقایسه می کنیم، درمی یابیم که منابع مسیحیت درباره حوادث آینده بسیار مجمل و نارسا سخن گفته است و کارکرد مسیح علیه السلام را واضح به تصویر نمی کشد؛ مرکز حکومت چندان مشخص نیست؛ ساختار حکومتی عیسی علیه السلام بیان نشده است؛ شکل برقراری حکومت و ملکوت خدا معلوم نیست که آیا این ملکوت با جنگ و نبرد برقرار می شود یا صرفاً به مدد قدرت الهی و امدادهای غیبی و یا سختی ها و بلاها چنان جامعه را در تنگنا قرار می دهد که خودشان قیام کرده و حکومت را تسلیم مسیح علیه السلام می کنند و این حکومت بدون جنگ و خونریزی تشکیل می شود؟ پس اگر به کمک امدادهای غیبی است، چه نوع امدادهایی است و اگر درگیری و نبردی در کار است، یاران مسیح علیه السلام چه کسانی هستند؟ تجهیزات جنگی آنها چیست و به فرض وجود تجهیزات جنگی، این تجهیزات به چه شکلی آماده شده و در اختیار یاران او قرار می گیرد؟ همچنین سؤالات دیگری از این دست وجود دارد که از لابه لای متون مسیحیت، جوابی برایشان نمی یابیم.

۳. منابع شیعه از فرد و یا افرادی سخن می گوید که در اصلاح جامعه بعد از ظهور، نقش اصلی را ایفا می کنند. اگر چه برخی از این روایات ضعیف می باشند، اما شناخت معتنابهی به ما داده و ما را از نوع کارکردشان مطلع می سازد؛ در حالی که مسیحیت، از یک شخصیت

مبهم و نامشخص سخن می گوید که فقط از انسان بودن او خبر می دهد، اما از سایر خصوصیات و ویژگی های او گزارش دقیقی به ما نمی رسد.

۴. در عین این که شباهت های زیادی بین رجعت در اسلام و بازگشت مجدد عیسی علیه السلام در مسیحیت وجود دارد، اما اختلافاتی نیز در این باب موجود است. هدف اصلی از رجعت در شیعه آن است که کمالات وجودی انسان مؤمن بروز کرده و به فعلیت خود برسد و انسان «تقرب الی الله» پیداکند. هدف این است که جامعه به تکامل حقیقی رسیده و مدینه فاضله تشکیل شود. ولی در آیین مسیحیت از این اهداف و غایات متعالی اثر وخبری نیست و از جستجو در بین متون آنان، بیشتر یک نوع عاقبت جویی و رفاه طلبی، آن هم مادی و جسمانی استفاده می شود، نه کمال خواهی و تقرب به معبود.

۵. ویژگی برجسته دیگری که از وسعت دید و بینش اسلام (شیعه) و جهانی بودن آن خبر می دهد این است که در رجعت، افراد نیک و صالح را محدود به یک گروه و نژاد و مردمی خاص نمی داند بلکه هر مؤمن ستم دیده و زجر کشیده ای را لایق بازگشت دانسته و هر ستمگر کافر و ملحدی را مستوجب مؤاخذه و بازخواست می داند و این هر دو را بازمی گرداند تا انتقام مظلوم را از ظالم بگیرد؛ بر خلاف مسیحیت که بیشتر به قوم و قبیله خویش و سود و منفعت خودشان توجه دارند.

۶. مسیحیت به گونه ای از منجی سخن می گوید که گویا مسیح علیه السلام مستقلاً و یکه و تنها اقدام به برقراری « ملکوت الهی» می کند، در حالی که با توجه به روایات اسلامی معلوم می شود که حضرت

عیسی علیه السلام به صورت مستقل عمل نمی کند، بلکه در رکاب حضرت مهدی علیه السلام و تحت رهبری آن حضرت انجام وظیفه می کند؛ پیامبراسلام صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

میان من و او (عیسی) پیامبری نیست. هنگامی که فرود آمد... صلیب را می کوبد و نابود می سازد و خوک را می کشد و جزیه را برمی دارد و خدا در زمان او تمامی آیین ها را جز اسلام، نابود می سازد. مسیح دروغین را می کشد و به مدت چهل سال در زمین زندگی می کند. سپس وفات می یابد و مسلمانان بر وی نماز می گذارند.(۱)

این روایت، از منسوخ شدن مسیحیت کنونی و آداب و رسوم غلط آن خبر داده و فراگیری دین اسلام را نوید می دهد. چون حکم جزیه برای غیر مسلمان است و برداشته شدن آن، حکایت از مسلمان شدن همه ساکنین ارض دارد؛ یعنی حضرت عیسی علیه السلام در راستای اهداف حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف گام برمی دارد و در جهت برپایی حکومت اسلامی، معین و مددکار حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است.

د) شباهت ها

از آنچه گذشت می توان از حیث مراحل ظهور، شباهت هایی را بین این دو منجی موعود پیدا کرد که در این قسمت به ذکر آنها می پردازیم:

۱- ینابیع الموده، ج۲، ص۸۷؛ معجم احادیث الامام المهدی، ج۲، ص۴۵۸.

۱. ظهور هر دو منجی ناگهانی، برق آسا و غیر منتظره خواهد بود. زمان دقیقی برای ظهور هیچ یک از آن دو بیان نشده و به عکس، تصریح شده که همیشه منتظر آمدن آنها باشید.

۲. رخدادها و وقایع پایانی جهان و زمان عروج مسیح علیه السلام که در متون مسیحیت بیان شده، بسیار شبیه به حوادث آخرالزمان و علائم ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است. کار به جایی می رسد که جنگ و خون ریزی، مرگ و میر و قتل عام عمومی، تاب و توان را از همگان سلب می کند. بلاها و مصائب هولناک، ساکنین کره خاکی را مضطرب و متحیر خواهد کرد؛ به قدری جرم و جنایت فراوان می شود که همه یک صدا منجی را صدا می زنند؛ خصوصاً آخرین جنگ بین المللی اشاره شده در منابع مسیحیت، خروج «سفیانی» در منابع اسلامی را تداعی می کند. لذا طبق نظر هر دو دین، چون پیش از ظهور منجی یکسری دگرگونی ها رخ خواهد داد، پس می توان هر دو منجی را دارای کارکرد کیهانی دانست.

۳. پایان کار جهان نیز ازنظر هر دو دین به خوبی و آسایش، رفاه و آرامش و عدالت و امنیت ختم شده و پایانی خوش و با برکت خواهد داشت. عدالت در درون خانه ها نفوذ می کند، همان گونه که گرما و سرما داخل خانه ها می شود. آسمان بارانش را فرو ریزد و زمین گیاهانش را بیرون آورد و تنگ نظری از دل های بندگان بیرون می شود.

۴. بازگشت مظفرانه مسیح علیه السلام همراه با داوری در دو مرحله (به

اعتقـاد پروتسـتان هـا) می باشـد که این دو مرحله شـباهتی آشـکار بـا محـاکمه سـران کفر و الحاد در رجعت و محاکمه نهایی همگانی در قیامت (به اعتقاد شیعه) دارد.

۵. «ملکـوت الهی» که حضـرت عیسـی علیه السـلام برقراری آن را بشـارت می داد و رسـالت خود را همین معرفی می کرد، از جهـات فراوانی بـا دولت حضـرت مهـدی علیه السـلام مشـابهت دارد. چرا که هر دو در آخرالزمـان و بعـد از حوادثی ناگوار و مصـیبت هایی جانکاه تشکیل و برپا می شود و هدف هر دو برقراری عدالت در سایه اجرای احکام و حدود الهی، آن هم برای همه جهانیان و در سرتاسر کره خاکی است.

۶. هردو منجی موعود، بـازگشت و ظهوری باشـکوه و جلال خواهنـد داشت و حکومتی با عظمت و مقتـدر را در زمین برقرار خواهند کرد.

ص:۲۲۹

فصل سوم: کارکردها و برنامه های بعد از ظهور

اشاره

ص:۲۳۱

آرمان شهر از آرزوهای دیرینه بشری است و انسان های فرهیخته در همه زمان ها به دنبال تشکیل چنین جامعه ای بودند. فیلسوفان و اندیشمندان دراین باره داد سخن سرداده و ویژگی ها و خصوصیات آن را بیان کرده اند و هر کدام نقشه راهی و نظری را برای تحقق آن ارائه داده اند؛ مؤلفه ها و شاخصه های کلیدی و مهم آن را معرفی کرده و فاکتور های لازم و ضروری برای تشکیل مدینه فاضله را فراروی افراد بشر قرار داده اند.

در این میان، ادیان الهی و به خصوص مسیحیت و اسلام، تحقق این آرمان شهر را قطعی دانسته و زمان تشکیل آن را مقارن با ظهور منجی و موعود آسمانی خود اعلام کردند که با حکومت عدل الهی در آخرالزمان، آن مدینه فاضله تحقق پیدا کرده و همه مخلوقات از آن بهره مند خواهند شد؛ به گونه ای که حتی ماهیان دریا و مرغان آسمان نیز از آن حکومت راضی و خرسند خواهند بود.

ص:۲۳۲

الف) شیعه

اشاره

الف) شیعه(۱)

ساختار حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بر پایه امامت بنیانگذاری می شود که امام در رأس هرم قدرت قرار گرفته و جامعه جهانی اسلامی را رهبری می کند. با توجه به ویژگی های امام و وظایف و مسئولیت های خطیر وی از یک سو و فراگیری قلمرو دولت کریمه مهدوی که به تعبیر روایت، از قلمرو حکومت سلیمان علیه السلام گسترده تر است(۲)از سوی دیگر، باید اذعان کرد که حکومت و دولت مهدوی بر مفهوم و تطورات زیر استوار است:

۱. دولتی اخلاقی (دولتی کمال گرا و اخلاق محور) مبتنی بر ارزش های دینی، اخلاقی و عقلانی؛

۲. دارای ساختار و سازماندهی امامت (سیاست فاضله) و تشکیل دولت واحد جهانی؛

۳. کارکرد جامع برای استقرار امنیت، عدالت، رفاه، دانش و پیشرفت انسان ها در پرتو تکامل و تعالی روحی.

حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف برای تحقق چنین حکومتی، در سه بعد سیاست، فرهنگ و اقتصاد دارای برنامه های راهبردی است. چرا که توجه به این سه امر، برای رساندن جامعه به اهداف عالی خود ضروری است. بنابراین، در این قسمت به بررسی شیوه و سیره حکومتی و کارکردها

۱- دراین مبحث از کتاب «آینده جهان»، صص ۲۹۰-۳۵۲، استفاده شده است.

۲- بحارالانوار، ج ۴۱، ص۲۲۲.

و اقدامات اجرایی آن حضرت در این سه بعد می پردازیم:

۱-کارکردها و برنامه های سیاسی

مردم بعد از ظهور، ازحوادث تلخ و مشقت بار آخرالزمان گذرکرده اند و تجربه ای چند هزار ساله از انواع و اقسام حکومت ها و شیوه های حکومتی متفاوت، کسب کرده اند که هر کدام داعیه برقراری بهترین مدل و ساختار حکومت را داشته و مدعی برقراری امنیت و عدالت و رفاه بوده اند و البته هیچ کدام از این وعده ها جامه عمل به خود نپوشید؛ اکنون منتظرند ببینند این آخرین ذخیره الهی و مجری آخرین دولت ها چه خواهد کرد و چگونه وعده های داده شده را محقق خواهد کرد؛ وعده هایی که بسیاری از آنها جزء آمال و آرزوهای دست نایافتنی جامعه بشری بوده است. لذا کارکرد سیاسی آن حضرت را باید مهم ترین وظیفه و کارکرد دولت مهدوی دانست. چرا که اکثر آن وعده ها در سایه کارآمدی نظام سیاسی آن حضرت تحقق عینی پیدا خواهد کرد.

۱-۱. کارکرد سیاسی-مدیریتی: مهم ترین مسئولیت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در این زمینه، نصب حاکمان و کارگزاران و ارائه رهنمودها و دستورالعمل های سیاسی و مدیریتی برای آنان است. این وظیفه با فاکتورهای ذیل عملی می شود:

حق مداری: «...یفتح الله به باب حق و یغلق به باب کل باطل»(۱)؛

۱- ملاحم، ج۲، ص۲۶۹.

خداوند به وسیله او درهای حق را می گشاید و درهای باطل را می بندد. و همچنین «یحق الحق و یبطل الباطل»(۱)؛ حق را احقاق و باطل را ابطال می کند.

نظارت و راهبری: «ینصب له عمود من نور من الارض الی السماء یری فیه اعمال العباد»(۲)؛ برای او عمودی از نور از زمین تا آسمان نصب می شود که اعمال بندگان را در آن می بیند.

و یا « چون کارها منتهی به صاحب الامر شود خدای تعالی پستیها و بلندیهای زمین را برابر کند و دنیا نزد او به منزله کف دستش شود، کدام یک از شما اگر در کف دستش مویی باشد آن را نمی بیند؟».(۳)

دقت در تعیین کارگزاران بر اساس لیاقت، شایستگی و کارآمدی: از این رو می بینیم که در روایات، ترکیب دولت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را از پیامبران، جانشینان آنان، تقوا پیشگان و صالحان و صدیقان(۴) روزگار

۱- کمال الدین و تمام النعمه، ج۲، ص۶۳۸.

۲- یوم الخلاص، ج۲، ص۶۴۷.

۳- «إِنَّهُ إِذَا تَنَاهَتِ الْأُمُورُ إِلَی صَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ رَفَعَ اللَّهُ تَبَارَکَ وَ تَعَالَی کلَّ مُنْخَفِضٍ مِنَ الْأَرْضِ وَ خَفَّضَ لَهُ کلَّ مُرْتَفِعٍ مِنْهَا حَتَّی تَکونَ الدُّنْیَا عِنْدَهُ بِمَنْزِلَهِ رَاحَتِهِ فَأَیُّکمْ لَوْ کانَتْ فِی رَاحَتِهِ شَعْرَهٌ لَمْ یُبْصِرْهَا»، (کمال الدین و تمام النعمه، ج۲، ص۶۷۴).

۴- «إِذَا ظَهَرَ الْقَائِمُ وَ دَخَلَ الْکوفَهَ بَعَثَ اللَّهُ تَعَالَی مِنْ ظَهْرِ الْکوفَهِ سَبْعِینَ أَلْفَ صِدِّیقٍ فَیَکونُونَ فِی أَصْحَابِهِ وَ أَنْصَارِه»، (بحارالانوار، ج۵۲، ص۳۹۰).

و امت های پیشین و از سران و بزرگان اصحاب پیامبر بیان می کند.

سخت گیری در مدیریت: «المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف شدید علی العمال رحیم بالمساکین»(۱)؛ مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بر مسئولان کشوری بسیار سخت می گیرد، بر بینوایان بسیار رئوف است.و یا «...یاخذ الوالی من غیرها عمالها علی مساوئ اعمالها و تخرج له الارض افالیذ کبدها...»(۲)؛ «...عمال و کارگزاران حکومت ها را بر اعمال بدشان کیفر می دهد».

مشورت با یاران: «فیستشیر المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف اصحابه»(۳)؛ مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با یاران خود مشورت می کند.

۱-۲. عملکرد قضایی: دستگاه قضایی در دولت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به معنای واقعی، پناهگاه و ملجأ مظلومان و دادخواهان و محل مبارزه با فاسدان و تبه کاران است.

ویژگی های قضاوت آن حضرت عبارتند از:

براساس کتاب های آسمانی: « او تورات (حقیقی) و سایر کتب آسمانی را از غاری واقع در انطاکیه بیرون می آورد، آنگاه با پیروان تورات طبق تورات و با اهل انجیل طبق انجیل و با اهل زبور طبق زبور و با مسلمانان مطابق قرآن حکومت می کند.»(۴)

۱- بشاره المصطفی، ص۲۰۷؛ منتخب الاثر، ص۳۸۵، ح۴.

۲- نهج البلاغه، خطبه۱۳۸.

۳- الزام الناصب، ص۲۰۷.

۴- «...یَسْتَخْرِجُ التَّوْرَاهَ وَ سَایِرَ کُتُبِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ مِنْ غَارٍ بِأَنْطَاکِیَهَ وَ یَحْکمُ بَیْنَ أَهْلِ التَّوْرَاهِ بِالتَّوْرَاهِ وَ أَهْلِ الْإِنْجِیلِ بِالْإِنْجِیلِ وَ بَیْنَ أَهْلِ الزَّبُورِ بِالزَّبُورِ وَ بَیْنِ أَهْلِ الْقُرْآنِ بِالْقُرْآنِ...»، (غیبت نعمانی، ص۲۳۷، ح۲۶؛ بحار الانوار، ج۵۲، ص۳۵۱).

قضاوتی همچون داوود علیه السلام و سلیمان علیه السلام : « يَأْمُرُ مُنَادِياً فَيُنَادِی هَذَا الْمَهْدِیُّ يَقْضِی بِقَضَاءِ دَاوُدَ وَ سُلَيْمَانَ...» (۱)؛ منادی ندا در می دهد: این مهدی است که چون داود و سلیمان قضاوت می کند.

قضاوت بدون دلیل و شاهد و البته به حق: آمده است: «تَقُولُ هَذَا الْمَهْدِیُّ يَحْكُمُ بِحُكمِ دَاوُدَ وَ لَا يُرِيدُ بَيِّنَه»(۲)؛ ندا می گوید: این مهدی است همچون داود حکم می کند و به بینه و شاهد نیازی ندارد.»

۱-۳. عملکرد تقنینی: در حکومت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف محور و رکن تمامی قانونگذازی ها و وضع مقررات، احکام الهی و قرآن(۳) همراه با برداشت صحیح از آن است. امیرالمومنین علیه السلام می فرماید: «يَعْطِفُ الْهَوَى عَلَى الْهُدَى إِذَا عَطَفُوا الْهُدَى عَلَى الْهَوَى وَ يَعْطِفُ الرَّأْيَ عَلَى الْقُرْآنِ إِذَا عَطَفُوا الْقُرْآنَ عَلَى الرَّأْی»(۴)؛ او (حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف) خواسته ها را تابع هدایت وحی می کند، هنگامی که مردم هدایت را تابع هوس های خویش قرار می دهند، در حالی که به نام تفسیر نظریّه های گوناگون خود را بر قرآن تحمیل می کنند، او نظریّه ها و اند یشه ها را تابع قرآن می سازد.

۱- غیبت نعمانی، ص۳۱۳، ح۵.

۲- غیبت نعمانی، ص۳۱۵، ح۷.

۳- نهج البلاغه، خطبه۱۳۸.

۴- نهج البلاغه، خطبه ۱۳۸.

۱-۴. عملکرد نظامی-امنیتی: هر جامعه ای نیازمند امنیت است و این نیاز در دولت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف برآورده می شود. آن حضرت از نیروی نظامی، به ویژه در ابتدای ظهور و قبل از استقرار حکومت استفاده می کند. چرا که با نگاهی به اوضاع آن عصر و زمان درمی یابیم که بدون یک قوه قهریه قوی، برپایی چنین حکومت فراگیری ممکن نخواهد بود. دامنه برقراری این امنیت بسیار گسترده خواهد بود و همه زمینه های امنیت را شامل می شود؛ امنیتی که اعم از امنیت جهانی، فردی، اجتماعی و همگانی است؛ به طوری که همه مردم آن زمان از حکومت آن حضرت راضی و خرسند خو اهند بود.

إِذَا قَامَ الْقَائِمُ علیه السلام حَكَمَ بِالْعَدْلِ وَ ارْتَفَعَ فِی أَيَّامِهِ الْجَوْرُ وَ آمَنَتْ بِهِ السُّبُلُ وَ أَخْرَجَتِ الْأَرْضُ بَرَكَاتِهَا وَ رُدَّ كلُّ حَقٍّ إِلَى أَهْلِه(۱)؛

چون حضرت قائم علیه السلام قیام کند به عدالت حکم فرماید، و در دوران او ستم بر داشته شود، و راهها امن گردد و زمین برکتهای خود را بیرون آورد، و هر حقی به اهلش رسد.

۲-کارکردها و برنامه های فرهنگی

اشاره

مردم دوران ظهور و آخرالزمان، چنان از اقسام و انواع بلاها و مشکلات از یک طرف و فقدان معنویت، دینداری و اخلاق از طرف دیگر، در هم شکسته و خسته و درمانده شده اند که راه چاره و مسیر گریزی فراروی خویش نمی یابند. جهان پیش از ظهور، جهانی با آداب

۱- ارشاد، ج۲، ص۳۸۴.

و رسوم مختلف و متعـدد، با افکار وآراء متشـتت و متفاوت و تفاسـیر متعدد و گاهی متناقض از اخلاق و فضایل است. با ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشـریف و منجی بشـریت، چشم های کم رمق بـدو دوخته شـده که شاید کام تشـنه آنها را بعد سـال هـا دوری از حق و حقیقت و معنویت سـیراب کنـد؛ بـازار بی دینی و عرفان های کاذب را کساد کرده و دکان های ایـده پردازی افراد بی اطلاع و به ظـاهر دانا و فهیم را از رونق بینـدازد و نقاب و پیرایه از چهره دین و دیانت برداشـته، جمال حقیقی آن را رونمایی کند تا جان های مرده و پوسیده از فراق دین را به نور حقیقت زنده کند.

در سـایه دولت اخلاـقی است که تمـام وعـده هـای داده شـده جـامه عمل می پوشـد. اصولا برقراری امنیت و رفاه و آسایش و عدالت، بدون فراگیری اخلاق و معنویت در جامعه، ناشدنی است. برای تحقق این مهم، برنامه های فرهنگی حکومت حضـرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در سه کارکرد بیان می شود:

۲-۱. کارکرد اخلاقی و تربیتی

برای اخلاقی شدن جامعه، باید به تربیت روح و روان و باطن آدمی پرداخت که این خود دو محور اساسی دارد:

الف) مبـارزه با هواهای نفسانی و ناراستی های اخلاقی: حضـرت مهـدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف برای تحقق این محور، جامعه را از هوا و هوس به سوی هدایت برمی گرداند؛ چنانکه امیرالمومنین علیه السلام می فرماید:

ص:۲۳۹

یَعْطِفُ الْهَوَی عَلَی الْهُدَی إِذَا عَطَفُوا الْهُدَی عَلَی الْهَوَی(۱)؛ او (حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف) خواسته ها را به سوی هدایت بر می گرداند، هنگامی که مردم هدایت را تابع هوس های خویش قرار می دهند.

و نهی از منکرات می کند:

إِنَّ الدُّنْیا لَا تَذْهَبُ حَتَّی یَبْعَثَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ رَجُلًا مِنَّا أَهْلَ الْبَیْتِ یَعْمَلُ بِکتَابِ اللَّهِ لَا یَرَی فِیکمْ مُنْکراً إِلَّا أَنْکرَه (۲)؛ براستی که دنیا بآخر نرسد تا اینکه خدای عز و جل مردی از خاندان مرا برانگیزد که به کتاب خدا عمل کند و در میان شما کار زشتی نبیند جز آنکه از آن جلوگیری به عمل آورد.

و از گناه و معصیت جلوگیری می کند:

...وَ لَا یُعْصَی اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ فِی أَرْضِهِ وَ یُقَامَ حُدُودُ اللَّهِ فِی خَلْقِه...(۳)؛

خدا در زمینش معصیت نشود و حدود الهی در باره خلقش اقامه گردد.

ب) ترویج و تتمیم مکارم اخلاقی: حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف برای واکسینه کردن جامعه که دیگر به انحراف کشیده نشود، مکارم اخلاقی را کامل می کند. برنامه های حضرت در این محور عبارتند از:

تکمیل و تقویت اخلاق: «إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَضَعَ یَدَهُ عَلَی رُءُوسِ الْعِبَادِ

ص:۲۴۰

۱- نهج البلاغه، خطبه ۱۳۸.
۲- کافی، ج۸، ص۳۹۶، ح۵۹۷.
۳- کمال الدین و تمام النعمه، ج۲، ص۶۴۶.

فَجَمَعَ بِهِ عُقُولَهُمْ وَ أَكمَلَ بِهِ أَخْلَاقَهُم»؛(۱) هر گاه قائم قیام نمود، دست خود را روی سر مردم می گذارد، و بدان وسیله عقلهای آنان جمع و اخلاقشان کامل می گردد.

دعوت به سنت و سیره پیامبر اسلام: «يُقِيمُ النَّاسَ عَلَى مِلَّتِي وَ شَرِيعَتِي وَ يَدْعُوهُمْ إِلَى كِتَابِ رَبِّي عَزَّ وَ جَل»(۲)؛ مردم را به اطاعت من و دین من وادار می کند و به قرآن دعوت شان می نماید.

امر به معروف و نهی از منکر: «النَّبِيَّ صلی الله علیه و آله و سلم وَ الْوَصِيَّ وَ الْقَائِمَ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ إِذَا قَامَ وَ يَنْهاهُمْ عَنِ الْمُنْكر»(۳)؛ پیامبر و وصی او و قائم هنگامی که قیام کند، مردم را امر به معروف ونهی از منکر می کنند.

اخذ پیمان نامه از کارگزاران و تعهد خود حضرت به یارانش: با توجه به این که بسیاری از رذایل اخلاقی در حکومت ها از طریق کارگزاران آن حکومت ها به سایر مردم سرایت می کند، اهمیت این پیمان نامه بیشتر نمایان می شود. حضرت علی علیه السلام در روایتی مفصل، این پیمان نامه را چنین بیان می کند:...

با مهدی علیه السلام بیعت می کنند که: هرگز دزدی نکنند، زنا نکنند، مسلمانی را دشنام ندهند، خون کسی را به ناحق نریزند، به آبروی کسی لطمه نزنند، به خانه کسی هجوم نبرند، کسی را به ناحق نزنند، طلا و نقره، گندم و جو ذخیره نکنند، مال

۱- بحار الانوار، ج۵۲، ص۳۳۶، ح۷۱.
۲- کمال الدین و تمام النعمه، ج۲، ص۴۱۱، ح۶.
۳- کافی، ج۱، ص۴۲۹، ح۸۳.

یتیم نخورند، در مورد چیزی که یقین ندارند گواهی ندهند، مشروب نخورند، حریر و خز نپوشند، در برابر سیم و زر، سر فرود نیاورنـد، راه را بر کسـی نبندنـد، راه را ناامن نکنند، گِرد همجنس بازی نگردند، خوراکی را از گندم و جو انبار نکنند، به کم قنـاعت کننـد، طرفـدار پـاکی باشـند، از پلیـدی گریزان باشـند، به نیکی فرمان دهنـد، از زشتی ها باز دارنـد، جامه های خشـن بپوشند، خاک را متکای خود سازند، در راه خدا حق جهاد را ادا کنند و... آن حضرت، خود نیز تعهد می کند که: از راه آنان برود، جـامه ای مثـل جـامه آنهـا بپوشـد، مرکبیماننـد آنـان سوار شود، به کم راضـی و قـانع شود، زمین را به یاری خـدا پر از عدالت کند، خدا را آنچنان که شایسته است، بپرستد و....(۱)

ص:۲۴۲

۱- «یبایعون علی ألا یسـرقوا و لا یزنوا و لا یقتلوا و لا یهتکوا حریما محرما و لا یسبوا مسلما و لا یهجموا منزلا و لا یضربوا أحدا بالحق و لا یرکبوا الخیل الهمالیج و لا یتمنطقوا بالذهب و لا یلبسوا الخز و لا یلبسوا الحریر و لا یلبسوا النعال الصراره و لا یخربوا مسـجدا و لاـ یقطعوا طریقـا و لاـ یظلموا یتیمـا و لا یخیفوا سبیلا و لا یحتسـبوا مکرا و لا یأکلوا مال الیتیم و لا یفسـقوا بغلام و لا یشـربوا الخمر و لاـ یخونوا أمـانه و لاـ یخلفوا العهـد و لاـ یحبسوا طعاما من بر أو شـعیر و لا یقتلوا مسـتأمنا و لا یتبعوا منهزما و لا یسـفکوا دمـا و لاـ یجهزوا علی جریـح و یلبسون الخشن من الثیـاب و یوسـدون التراب علی الخـدود و یأکلون الشـعیر و یرضون بالقلیل و یجاهـدون فی اللّه حق جهاده و یشـمون الطیب و یکرهون النجاسه. و یشـرط لهم علی نفسه ألا یتخـذ صاحبا و یمشـی حیث یمشون و یکون من حیث یریـدون یرضـی بالقلیل و یملأ الأرض بعون اللّه عـدلا کما ملئت جورا یعبـد اللّه حق عبادته»، (الملاحم، ص۲۸۸؛ متنخب الاثر، ص۵۸۱، ح۴).

۲-۲. کارکرد دینی و تبلیغی

یکی از نیازهای بنیادین و بایسته جوامع بشری و فطری ترین خواسته انسان ها، یکتا پرستی و پذیرش دین و مذهب است. دین مایه نجات و رستگاری جاودانه انسان ها، پاکی و معنویت دل ها، طهارت جوامع و شهرها و ریشه کنی مفاسد و ناراستی ها است. بر این اساس، مهم ترین کار دولت مهدوی، تبیین و بسط معارف دینی، احیاء کتاب و سنت، تلاش برای حاکمیت دین خدا، بدعت ستیزی و تحریف زدایی از دین و... است. بنابراین، در رأس برنامه ها، آن حضرت به امور ذیل می پردازد:

الف) تثبیت دین اسلام: «فَوَ اللَّهِ یَا مُفَضَّلُ لَیُرْفَعُ عَنِ الْمِلَلِ وَ الْأَدْیَانِ الِاخْتِلَافُ وَ یَکونُ الدِّینُ کلُّهُ وَاحِداً کمَا قَالَ جَلَّ ذِکرُهُ «إِنَّ الدِّینَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلام»(۱)؛ ای مفضل! به خدا سوگند اختلاف از میان ادیان برداشته می شود وهمه به صورت یک آیین در می آید همانگونه که خداوند عزوجل می گوید: «دین نزد خدا تنها اسلام است».

ب) معرفی و ارائه اسلام ناب و اصیل: « یَقُومُ بِأَمْرٍ جَدِیدٍ وَ سُنَّهٍ جَدِیدَهٍ وَ قَضَاءٍ جَدِیدٍ»(۲)؛ [هنگامی که قائم قیام می کند] امر تازه،

ص:۲۴۳

۱- بحارالانوار، ج۵۳، ص۴.

۲- غیبت نعمانی، ص۲۳۵، ح۲۲.

کتاب تازه، روش تازه و داوری تازه با خود می آورد.

از اسلام اصیل با عنوان دین جدید و روش جدید یاد شده است که به معنای این است که تفسیر واقعی کتاب و سنت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم را برای مردم بیان می کند. ولی به دلیل اینکه یا تا آن زمان برای مردم بیان نشده بوده و یا فراموش شده و یا دچار تحریف و دگرگونی گردیده است، برای مردم جدید می نماید. در حالی که همان دستورات دین مبین اسلام است که به شکلی درست برای همگان تبیین می شود و دین جدیدی نیامده است. چرا که امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف پیامبری جدید با کتابی جدید نیست، بلکه آن حضرت، مجری دین مبین اسلام است.

ج) عرضه دین اسلام به تمامی جهانیان حتی کفار: هنگامی که علیه یهود و نصارا و صابئین و مادیها و برگشتگان از اسلام و کفار در شرق و غرب کره زمین، قیام می کند، و اسلام را پیشنهاد می نماید هر کس از روی میل پذیرفت دستور می دهد که نماز بخواند و زکات بدهد و آنچه هر مسلمانی مأمور به انجام آن است بر وی نیز واجب می کند، و هر کس مسلمان نشد گردنش را می زند تا آنکه در شرق و غرب عالم یکنفر خداشناس باقی نماند.(۱)

۱- «إِذَا خَرَجَ بِالْيَهُودِ وَ النَّصَارَى وَ الصَّابِئِينَ وَ الزَّنَادِقَهِ وَ أَهْلِ الرِّدَّهِ وَ الْكُفَّارِ فِی شَرْقِ الْأَرْضِ وَ غَرْبِهَا فَعَرَضَ عَلَيْهِمُ الْإِسْلَامَ فَمَنْ أَسْلَمَ طَوْعاً أَمَرَهُ بِالصَّلَاهِ وَ الزَّكَاهِ وَ مَا يُؤْمَرُ بِهِ الْمُسْلِمُ وَ يَجِبُ لِلَّهِ عَلَيْهِ وَ مَنْ لَمْ يُسْلِمْ ضَرَبَ عُنُقَهُ حَتَّى لَا يَبْقَى فِی الْمَشَارِقِ وَ الْمَغَارِبِ أَحَدٌ إِلَّا وَحَّدَ اللَّهَ»، (بحارالانوار، ج۵۲، ص۳۴۰، ح۹۰).

د) احیاء کتاب و سنت: « فَلَوْ قَدْ قَامَ قَائِمُنَا عَجَّلَ اللَّهُ فَرَجَهُ وَ تَکلَّمَ بِتَکلِّمِنَا ثُمَّ اسْتَأْنَفَ بِکمْ تَعْلِیمَ الْقُرْآنِ وَ شَرَائِعِ الدِّینِ وَ الْأَحْکامِ وَ الْفَرَائِضِ کمَا أَنْزَلَهُ اللَّهُ عَلَی مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله و سلم »(۱)؛ «وقتی قائم ما قیام کند و سخنگوی ما سخن گوید، قرآن و احکام دین را همان گونه که بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نازل شده است از نو به شما می آموزد».

۲-۳. کارکرد علمی و فکری:

یکی از اهداف اصلی انبیاء الهی گسترش علم، خرد ورزی، دانایی و پیشرفت است و حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز ادامه دهنده همان مسیر و پیگیری کننده همان اهداف است. براین اساس، یکی از کارکردهای آن حضرت، تلاش علمی و فکری برای ارتقاء عقلانی جامعه خواهد بود. اهم این برنامه ها و کارکردها به قرار زیر می باشد:

الف) شکوفا کردن عقل و خرد بشری: امام باقر علیه السلام دراین باره فرمودند: «إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَضَعَ یَدَهُ عَلَی رُءُوسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ بِهِ عُقُولَهُمْ وَ أَکمَلَ بِهِ أَخْلَاقَهُم»؛(۲) «چون قائم ما قیام کند، دستش را بر سر بندگان می گذارد و عقول آنها را متمرکز ساخته (رشد می دهد) و اخلاقشان را به کمال می رساند.»

ب) رشد دانش و علوم بشری: امام صادق علیه السلام می فرماید: «علم و دانش، ۲۷ حرف است و آن چه پیامبران آورده اند تنها دو حرف آن

۱- بحارالانوار، ج۲، ص۲۴۷، ح۵۲.
۲- بحار الانوار، ج۵۲، ص۳۳۶، ح۷۱؛ کافی، ج۱، ص۲۵، ح۲۱.

است و مردم تاکنون جز با آن دو حرف آشنایی ندارند و هنگامی که قائم ما قیام کند، ۲۵ حرف دیگر را بیرون آورده، در میان مردم گسترش دهد و آن دو حرف را نیز به آنها ضمیمه ساخته، مجموع ۲۷ حرف را منتشر خواهد کرد.»(۱)

ج) پیشرفت کامل اختراعات و ارتباطات: « إِنَّ الْمُؤْمِنَ فِی زَمَانِ الْقَائِمِ وَ هُوَ بِالْمَشْرِقِ لَیَرَی أَخَاهُ الَّذِی فِی الْمَغْرِبِ وَ کَذَا الَّذِی فِی الْمَغْرِبِ یَرَی أَخَاهُ الَّذِی فِی الْمَشْرِق»؛(۲) مؤمن در زمان قائم در حالی که در مشرق است، برادر خود را در مغرب می بیند. همچنین کسی که در مغرب است، برادرش را در مشرق می بیند.

و «إِنَّ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ مَدَّ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لِشِیعَتِنَا فِی أَسْمَاعِهِمْ وَ أَبْصَارِهِمْ حَتَّی لَا یَکونَ بَیْنَهُمْ وَ بَیْنَ الْقَائِمِ بَرِیدٌ یُکلِّمُهُمْ فَیَسْمَعُونَ وَ یَنْظُرُونَ إِلَیْهِ وَ هُوَ فِی مَکانِه»(۳)؛ براستی هنگامی که قائم بیاید خدای عز و جل در گوشها و دیدگان شیعیان ما چنان نیروی کشش و رسائی دهد که میان آنها و حضرت قائم پیکی نباشد و آن حضرت با آنان (از فاصله دور) سخن گوید و آنان بشنوند و او را در همان جائی

۱- «عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ الْعِلْمُ سَبْعَةٌ وَ عِشْرُونَ حَرْفاً فَجَمِیعُ مَا جَاءَتْ بِهِ الرُّسُلُ حَرْفَانِ فَلَمْ یَعْرِفِ النَّاسُ حَتَّی الْیَوْمِ غَیْرَ الْحَرْفَیْنِ فَإِذَا قَامَ قَائِمُنَا أَخْرَجَ الْخَمْسَةَ وَ الْعِشْرِینَ حَرْفاً فَبَثَّهَا فِی النَّاسِ وَ ضَمَّ إِلَیْهَا الْحَرْفَیْنِ حَتَّی یَبُثَّهَا سَبْعَةً وَ عِشْرِینَ حَرْفا»، (بحارالانوار، ج۵۲، ص۳۳۶، ح۷۳).

۲- بحارالانوار، ج۵۲، ص۳۹۱، ح۲۱۳.

۳- کافی، ج۸، ص۲۴۱.

که هست ببینند.

د) آموزش همگانی علم و حکمت: «تُؤْتَوْنَ الْحِکمَهَ فِی زَمَانِهِ حَتَّی إِنَّ الْمَرْأَهَ لَتَقْضِی فِی بَیْتِهَا بِکتَابِ اللَّهِ تَعَالَی وَ سُنَّهِ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم »؛(۱) در زمان [مهدی] حکمت و دانش به [مردم] ارزانی می شود تا جایی که زنان در خانه خود، به کتاب و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم حکم می کنند.

۳-کارکردها و برنامه های اقتصادی

هدف اولیه اقتصاد، تأمین معیشت و رفاه مردم و سامان دهی به فعالیت های تجاری و مالی است، اما هدف والاتر، برقراری عدالت اجتماعی، ایجاد مساوات، عمران و آبادی شهرها و کشورها و در نتیجه، رفع معضلات و کاستی های اقتصادی است. حضرت مهدی علیه السلام می خواهد جامعه واحد جهانی تشکیل بدهد که همه مانند یک خانواده زندگی کنند و به رفاه اقتصادی و بی نیازی دست یابند که همین، زمینه اساسی رشد و تعالی معنوی و فکری انسان را فراهم می سازد. در زمان ظهور او، اخلاق با اقتصاد پیوند می خورد و به معنای واقعی کلمه «اقتصاد اسلامی» پیاده می شود و غنا و بی نیازی در دل های مردم جایگزین می گردد.

کارکردها و فعالیت های دولت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف برای تحقق این امور عبارتند از:

۳-۱. کارکردهای تولیدی و عمرانی: اجرای احکام الهی و دستورات

۱- غیبت نعمانی، ص۲۳۹، ح ۳۰.

دینی، خود سبب برکت و فزونی نعمت است. در دوران حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف مردم مطیع امر خداوند می گردند و دستورات خلیفه الهی را اجرا می کنند. زمین و آسمان هم برکاتش را در اختیار مردم می گذارد. همه کره خاکی، آباد و سرسبز می شود. تولید محصولات کشاورزی چند برابر شده(۱) و اقتصاد رونق شگفت آوری می گیرد.

علاوه براین، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز در عمران و آبادی زمین سهیم است. او است که «گنج های زمین را استخراج می کند(۲) و در اختیار مردم قرار می دهد و دستور می دهد که آبراه ها و نهرهایی را حفر کنند، پل و سد بسازند، زمین ها و شهرها را آباد و بازسازی کنند، جاده ها را توسعه دهند و... دستور می دهد که از پشت حرم امام حسین علیه السلام نهری حفر کنند که کربلا را به نجف متصل کند. آن گاه پل هایی روی آن و آسیاب هایی را کنار آن نهر بسازند.»(۳)؛ «دستور می دهد که شهرها را آباد سازند(۴)» و «روی زمین نقطه ویرانی نماند؛

۱- «یخرج المهدی فی امتی یبعثه الله غیاثا للناس، تنعم الامه و تعیش الماشیه، و تخرج الارض نباتها»، (عقدالدرر، ص۱۵۵؛ منتخب الاثر، ص۵۸۹، ح۳).

۲- «کَأَنَّهُ مِنْ رِجَالِ بَنِی إِسْرَائِیلَ یَسْتَخْرِجُ الْکُنُوزَ وَ یَفْتَحُ مَدَائِنَ الشِّرْک»، (بحارالانوار، ج۵۱، ص۹۶).

۳- «یأمر من یحفر من ظهر مشهد الحسین ع نهرا یجری إلی الغریین حتی ینزل الماء إلی النجف و یعمل علی فوهته القناطر و الأرحاء فکأنی بالعجوز علی رأسها مکتل فیه بر تأتی تلک الأرحاء فتطحنه بلا کراء»، (کشف الغمه فی معرفه الائمه، ج۲، ص۴۶۳).

۴- «یامرهم بعمران المدن»، (یوم الخلاص، ج۲، ص۶۵).

جز این که آباد گردد(۱)»؛ «... جاده های اصلی را توسعه می دهد... هر مسجدی را که بر سر راه باشد، تخریب می کند. بالکن ها را می شکند و پنجره هایی که به کوچه باز می شود، می بندد. هر بالکن، فاضل آب و ناودانی که به کوچه ها باشد، از بین می برد.»(۲)

۲-۳. کارکردهای توزیعی، رفاهی و خدماتی: در دوران حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف چنان رفاه و آسایشی فراهم می شود که تا آن زمان نظیری نداشته است. همه غرق در نعمت و ثروت اند. دیگر محتاج زکاتی یافت نمی شود. «در آن زمان، امت من چنان از نعمت برخوردار می شوند که هرگز امتی آن چنان از نعمت برخوردار نشده باشد... هر کس نزد مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف آید و بگوید به من مالی ده، او بی درنگ می گوید: بگیر.»(۳)؛ «امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف هر سال دو بار به مردم می بخشد و در هر ماه دو بار به آنها روزی عطا می کند و به مساوات بین مردم عمل می فرماید تا این که هیچ نیازمند به زکات پیدا نمی شود(۴)»؛ در زمان او« هر برده مسلمانی را

۱- «فَلَا یَبْقَی فِی الْأَرْضِ خَرَابٌ إِلَّا عُمر»، (کمال الدین و تمام النعمه، ج۱، ص۳۳۱، ح۶؛ إعلام الوری بأعلام الهدی، ص ۴۶۴).

۲- «یُوَسِّعُ الطَّرِیقَ الْأَعْظَمَ فَیَصِیرُ سِتِّینَ ذِرَاعاً وَ یَهْدِمُ کلَّ مَسْجِدٍ عَلَی الطَّرِیقِ وَ یَسُدُّ کلَّ کوَّهٍ إِلَی الطَّرِیقِ وَ کلَّ جَنَاحٍ وَ کنِیفٍ وَ مِیزَابٍ إِلَی الطَّرِیق» (غیبت طوسی، ص۴۷۵؛ بحارالانوار، ج۵۲، ص۳۳۳، باب ۲۷).

۳- «یَتَنَعَّمُ فِیهِ أُمَّتِی نِعْمَهً لَمْ یَتَنَعَّمُوا مِثْلَهَا قَطُّ تُؤْتِی الْأَرْضُ أُکلَهَا وَ لَا تَدَّخِرُ مِنْهُمْ شَیْئاً وَ الْمَالُ یَوْمَئِذٍ کدُوسٌ یَقُومُ الرَّجُلُ فَیَقُولُ یَا مَهْدِیُّ أَعْطِنِی فَیَقُولُ خُذ»، (بحارالانوار، ج۵۱، ص۸۸).

۴- «یُعْطِی النَّاسَ عَطَایَا مَرَّتَیْنِ فِی السَّنَهِ وَ یَرْزُقُهُمْ فِی الشَّهْرِ رِزْقَیْنِ وَ یُسَوِّی بَیْنَ النَّاسِ حَتَّی لَا تَرَی مُحْتَاجاً إِلَی الزَّکاهِ وَ یَجِیءُ أَصْحَابُ الزَّکاهِ بِزَکاتِهِمْ إِلَی الْمَحَاوِیجِ مِنْ شِیعَتِهِ فَلَا یَقْبَلُونَهَا فَیَصُرُّونَهَا «۱» وَ یَدُورُونَ فِی دُورِهِمْ فَیَخْرُجُونَ إِلَیْهِمْ فَیَقُولُونَ لَا حَاجَهَ لَنَا فِی دَرَاهِمِکم »، (بحارالانوار، ج۵۲، ص ۳۹۰، ح۲۱۲).

می خرد و آزاد می کند. بدهکاری [نمی ماند] جز این که بدهی اش را پرداخت می کند... کسی کشته (قصاص) نمی شود، مگر این که دیه او را به صاحبش تسلیم می کند و آن کس که کشته شد، بدهی اش را می پردازد و خانواده او را تأمین می کند.»(۱)

ب) مسیحیت

اشاره

درباره کارکرد عیسی بعد از رجعت، در بین مسیحیان اختلاف نظر هایی وجود دارد. فقط «عهد جدید» به طور کلی جهان پس از بازگشت مسیح علیه السلام را آکنده از صلح و آرامش و آبادانی تصویر می کند؛ جهانی به دور از جنگ و نبرد و خونریزی، به گونه ای که همه در امنیت و آسایش زندگی خواهند گذراند؛ ولی در منابع مسیحیت چندان واضح و روشن از کارکرد ها و برنامه های مسیح علیه السلام در بازگشت مجدد عیسی علیه السلام سخن به میان نیامده است؛ هرچند با توجه به مراحل بازگشت مسیح علیه السلام می توان کارکردهای زیر را برای منجی موعود

۱- «فَلَا یَتْرُک عَبْداً مُسْلِماً إِلَّا اشْتَرَاهُ وَ أَعْتَقَهُ وَ لَا غَارِماً إِلَّا قَضَی دَیْنَهُ وَ لَا مَظْلِمَهً لِأَحَدٍ مِنَ النَّاسِ إِلَّا رَدَّهَا وَ لَا یَقْتُلُ مِنْهُمْ عَبْداً إِلَّا أَدَّی ثَمَنَهُ دِیَهٌ مُسَلَّمَهٌ إِلی أَهْلِهِ وَ لَا یُقْتَلُ قَتِیلٌ إِلَّا قَضَی عَنْهُ دَیْنَهُ وَ أَلْحَقَ عِیَالَهُ فِی الْعَطَاء»، (بحارالانوار، ج۵۲، ص۲۲۵، ح۸۷).

مسیحیان بیان کرد:

۱. داوری و پاداش دادن

مطابق اعتقاد برخی از مسیحیان(۱)، توسط مسیح علیه السلام در دو نوبت داوری انجام خواهد شد(۲): داوری اول در ابتدای سلطنت هزار ساله و بر روی زمین خواهد بود که عیسی علیه السلام پس از بازگشت، به قضاوت عادلانه و بازستاندن حقوق انسان ها می پردازد. زیرا خدا «بدو قدرت بخشیده است که داوری هم بکند.»(۳) و او نیز «هر کسی را موافق اعمالش جزا خواهد داد.»(۴) این امر، قضاوتی میان امت هاست؛ «اما چون پسر انسان در جلال خود با جمیع ملائکه مقدس خویش آید، آن گاه بر کرسی جلال خواهد نشست و جمیع امت ها در حضور او جمع شوند و آنها را از یکدیگر جدا می کند.»(۵) که در این داوری برای صالحان، حیات ابدی و برای طالحان، مجازات ابدی در نظر گرفته می شود. داوری دوم عیسی علیه السلام مربوط به قیامت است و از کارکرد های دنیوی عیسی علیه السلام محسوب نمی شود.(۶)

ص:۲۵۱

۱- کاتولیکها و ارتودکسها، دو داوری در آخرالزمان را قبول ندارند و حکومت ظاهری برای مسیح قائل نیستند.

۲- الهیات مسیحی، ص ۳۸۰.

۳- یوحنا ۵:۲۷.

۴- متی ۱۶:۲۷.

۵- متی ۲۵:۳۱-۳۲.

۶- «گونه شناسی اندیشه منجی موعود در مسیحیت»، گونه شناسی اند یشه منجی موعود در ادیان، ص۲۳۷.

۲. نجات بنی اسرائیل

در میـان کارکردهـای مسـیح علیه السـلام در بـازگشت مجـدد او، به موضوع مورد علاـقه و انتظار دیرین یهودیان و نجات بنی اسـرائیل بر می خوریم. شاید به نظر رسد این مسـئولیت از آن بابت بر عهده عیسـی علیه السـلام گذاشته شده است که همراهی بنی اسـرائیل را در پی داشـته است؛ با توجه به این که مسـیحیان، یهودیانی بودند که عیسی علیه السلام را همان موعود تاریخی خود می دانسـتند که با همان کارکرد و همان رسالت ظهور کرده است، آنان تلاش های بسـیاری کردنـد تا سایر یهودیان را با خود همراه کننـد، اما وقتی عیسـی علیه السـلام بی آن که کاری حاکمانه انجام دهـد، بر صـلیب شـد و پس از آن که اعتقاد به رسـتاخیز او در میـان پیروانش ریشه دوانیـد، تمـام آنچه را که از عیسـای بر صـلیب رفته —که به تصورشـان ماشـیح بود- انتظار داشـتند در عیسای بازگشت کننـده جست وجو کردنـد. آنان حتی در تصاویری که از عیسـی علیه السـلام در هنگام بازگشـت کشـیده اند او را با هیئتی مانند داوود علیه السـلام با کلاه پادشاهی- چنان که در نوشته های یهودی به چشم می خورد- تصور کرده اند.

آموزه های عهد جدید نیز به چنین کارکردی برای عیسی علیه السلام تصریح کرده است(۱):

و همچنین همگی اسرائیل نجات خواهند یافت؛ چنان که

ص:۲۵۲

۱- «گونه شناسی اندیشه منجی موعود در مسیحیت»، گونه شناسی اند یشه منجی موعود در ادیان، ص۲۳۸.

مکتوب است که از صهیون نجات دهنده ای ظاهر خواهد شد.(۱)

۳. فراوانی محصول و برکت جهان

یکی از وظایف و کارکردهای حضرت عیسی در هنگام بازگشت مظفرانه اش، مبارزه با فساد است؛ چنان که در عهد جدید آمده است: «امید که خلقت از قید فساد خلاصی خواهد یافت(۲)». و بنا به پیش گویی کتاب مقدس، پس از این واقعه، محصولات کشاورزی فراوان می شود و زمین به گونه ای برکت خواهد یافت:

که تاک ها رشد خواهند کرد. هر کدام ده هزار شاخه بزرگ، ده هزار شاخه کوچک و هر شاخه کوچک ده هزار خوشه انگور و هر خوشه انگور؛ ده هزار انگور.... خواهد بود.(۳)

و

فراوانی غله در زمین بر قله کوه ها خواهد بود که ثمره آن مثل لبنان جنبش خواهد کرد و اهل شهرها مثل علف زمین نشو و نما خواهند کرد.(۴)

۴. تحقق ملکوت الهی (برقراری ملکوت خدا)

ملکوت خدا باور مهم و پردامنه ای است که بر اساس اناجیل

۱- رساله به رومیان ۱۸:۲۶.

۲- رساله به رومیان۸:۲۱.

۳- الهیات مسیحی، ص۳۴۹.

۴- مزامیر ۷۲:۱۶.

منظرگاه هسته مرکزی تعالیم و آموزه های عیسی علیه السلام را تشکیل می دهد. «ملکوت خدا» در حقیقت، تحقق وعده هایی است که خدا به داوود علیه السلام داده که «سلطنت او را تا ابد پایدار خواهد ساخت»(۱) و بارها با سوگند به آن تأکید کرده بود.(۲) حال این وعده الهی با آمدن عیسی علیه السلام محقق خواهد شد.

مراد از «ملکوت خدا» در این وعده ها، مجموعه آرمان های معنوی و اجتماعی است که عیسی علیه السلام در یک فعالیت شاهانه آنها را عملی خواهد ساخت. بر اساس این وعده ها، عیسی علیه السلام با تشکیل حکومتی الهی -که از آن به «ملکوت خدا» یاد شده است- اهداف رهایی بخش خود را عملی خواهد کرد.(۳)

۵. برقراری امنیت

یکی از کارکردهای حضرت عیسی، طبق نقل کتاب مقدس، برقراری امنیت و صلح و صمیمیت بین ساکنین زمین خواهد بود. در کتاب مقدس دراین باره آمده است:

و گرگ با بره سکونت خواهد داشت و پلنگ با بزغاله خواهد خوابید و گوساله و شیر و پرواری با هم، و طفل

۱- دوم سموئیل ۸:۷-۱۶.

۲- مزامیر ۳:۸۹.

۳- «گونه شناسی اندیشه منجی موعود در مسیحیت»، گونه شناسی اند یشه منجی موعود در ادیان، ص۲۳۸.

کوچک آنها را خواهد راند.(۱)

که مبالغه در میزان برقراری امنیت در آن دوران می باشد. همچنین در جای دیگر می گوید:

... و ایشان شمشیرهای خود را برای گاو آهن و نیزه های خویش را برای اره ها خواهند شکست و امتی بر امتی شمشیر نخواهد کشید و بار دیگر جنگ را نخواهند آموخت.(۲)

که گزارشی از برقراری صلح و صفا بین مردم ساکن در کره زمین است.

۶. دستگیری از فقرا و نیازمندان

یکی از آرمان های خیرخواهان بشری، ریشه کن شدن فقر و نیازمندی از چهره محرومان و تهیدستان است. این امر در بازگشت دوباره مسیح محقق خواهد شد.

چون مسکین استغاثه کند، او را رهایی خواهد داد و فقیری را که رهاننده ای ندارد. بر مسکین و فقیر کرم خواهد فرمود و جان های مساکین را نجات خواهد بخشید. جان های ایشان را از ظلم و ستم فدیه خواهد داد و خون ایشان در نظر وی گران بها خواهد بود.(۳)

۱- اشعیا ۶:۱۱.

۲- اشعیا ۴:۲.

۳- مزامیر ۷۲:۱۲-۱۴.

ج) نقد و بررسی

در مقام مقایسه بین کارکرد های دو منجی، موارد اختلافی را طی چند نکته بیان می کنیم:

۱. کارکرد های حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در مقایسه با کارکردهای حضرت عیسی علیه السلام بسیار گسترده تر و همه جانبه تر است. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در سه حوزه سیاسی، فرهنگی و اقتصادی برنامه های مشخص و راهبردی را به اجرا می گذارد و طی این برنامه ها مشکلات جامعه جهانی را حل می کند و همین امر سبب می شود که اقبال عمومی و جهانی برای تحقق حکومتش بیشتر و فزون تر باشد.

۲. در متون مسیحیت از کارکردهای حضرت عیسی علیه السلام چندان ذکری به میان نیامده است و اصولاً این کارکردهای گزارش شده، بسیار مبهم و نارسا است. بنابراین، عملکرد آن حضرت در دوران حکومت در منابع مسیحیت، نامشخص است.

۳. متون اسلامی، حاکم را مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می داند و عیسی علیه السلام را در امر تحقق «حکومت الهی» و «دولت کریمه مهدوی» سهیم دانسته و معین و مددکار او معرفی می کند و در این جهت مسئولیت هایی را هم برای او تعریف می کند؛ وزارت، قضاوت و فرماندهی لشکر از مناصبی است که حضرت مسیح علیه السلام در حکومت پایانی جهان خواهد داشت.

۴. تحقق «ملکوت الهی» از کارکردهای حضرت مسیح علیه السلام بیان شده است، ولی در فصل های گذشته بیان شد که عیسی علیه السلام خود را

حاکم آن دوران نمی داند، بلکه خبر از آمدن شخصی دیگر به عنوان «پسر انسان» می دهد که بیان شد همان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است.

۵. مسیحیت معتقد است که برکت یافتن زمین و فراوانی محصولات کشاورزی از کارکردهای بازگشت مسیح علیه السلام می باشد، اما آیا این برکت یافتن به صورت امداد غیبی و معجزه گون است یا عیسی علیه السلام در راستای اجرای برنامه ها، اسباب تولید فراوان را فراهم می کند؟ منابع مسیحی در این زمینه سکوت کرده اند.

د) شباهت ها

شباهت های موجود بین کارکردهای بعد از ظهور این دو منجی از قرار زیر است:

۱. «ملکوت الهی» بنا به نظر مسیحیان، بسیار شبیه «حکومت جهانی» حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است.

۲. اهداف هر دو منجی در عمل، به سعادت و رفاه دنیوی و اخروی ختم خواهد شد.

۳. جاری شدن فرامین و دستورات الهی، برقراری امنیت، برکت یافتن زمین و آسمان، فراوانی محصولات و مواد غذایی، به ذلت افتادن ستم پیشگان و دست گیری از فقرا و نیازمندان و محرومان از کارکردهای مهم هر دو منجی می باشد.

۴. داوری بین نیکان و شریران در دیدگاه مسیحیان، شباهت زیادی به «رجعت» در دیدگاه شیعه دارد.

ص:۲۵۷

به امید روزی که شاهد ظهورش باشیم و روزی که در رکابش خدمت کنیم. آمین

ص:۲۵۸

منابع و مآخذ

۱. قرآن کریم.

۲. نهج البلاغه.

۳. ابن طاووس، رضی الدین علی بن موسی، الملاحم و الفتن فی ظهور الغائب المنتظر، بی جا، مؤسسه اعلمی، بی تا،

۴. ابومنصور طبرسی، احمد بن علی، الاحتجاج، بیروت، بی تا، ۱۴۰۱ق.

۵. اربلی، علی بن الحسین، کشف الغمه فی معرفه الائمه، تبریز، مکتبه بنی هاشمی، ۱۳۸۱ق.

۶. آقا جانی قناد، محمد رضا، مقاله «حقوق اقلیتهای دین در عصر ظهور»، مجموعه مقالات دکترین مهدویت، موسسه آینده روشن، ۱۳۸۶ش.

۷. آل سید حیدر، سید مصطفی، بشاره المصطفی، قم، مؤسسه آل البیت، بی تا.

۸. آل علی، سید محمد علی مقایسه دکترین منجی گرائی در اسلام و مسیحیت، آل علی، مجموعه مقالات دکترین مهدویت۱۳۸۴، قم، موسسه آینده روشن، چ شهریور۱۳۸۵ش.

۹. امامی کاشانی، محمد، خط امان در ولایت صاحب الزمان (پژوهشی در موعود ادیان)، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۷ش.

ص:۲۵۹

۱۰.برانتل، جرج، آیین کاتولیک، ترجمه حسن قنبری، قم، انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، ۱۳۸۱ش.

۱۱.توفیقی، حسین، آشنایی با ادیان بزرگ، تهران، مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۸۴ ش.

۱۲.تیسین، هنری، الهیات مسیحی، ترجمه میکائیلیان، تهران، انتشارات حیات ابدی، بی تا.

۱۳.تیلیخ، پل، الهیات سیستماتیک، ترجمه حسین نوروزی، تهران، انتشارات حکمت، ۱۳۸۱ش.

۱۴.ثقه الاسلام ابی جعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق الکلینی الرازی، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، قم، انتشارات اسلامیه چاپ ۹، ۱۳۷۹ش.

۱۵.جان بایرناس، تاریخ جامع ادیان، ترجمه اصغر حکمت، بی جا، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ ۱۴، ۱۳۸۳ش.

۱۶.جعفری، جواد، «جمال یار»، مجله تخصصی انتظار موعود، شماره ۵، قم، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود، پائیز۱۳۸۱ش.

۱۷.جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح، تاج اللغه و صحاح العربیه، تحقیق: احمد عبدالغفور عطار، بیروت، دارالعلم للملایین، ۱۹۷۹م.

۱۸.حسینی گرگانی، میر تقی، نزول عیسی و ظهور موعود، قم، مرکز فقهی ائمه اطهار، ۱۳۸۷ش.

۱۹.حیدری کاشانی، محمدباقر، مقتدای مسیح، قم، نسیم کوثر، ۱۳۸۸ش.

۲۰.خمینی، روح الله، تحریر الوسیله، بی جا، بی نا، بی تا.

۲۱.رابرتسون آرچیبالد، عیسی اسطوره یا تاریخ؟، ترجمه حسین توفیقی، قم، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، ۱۳۷۸ش.

۲۲.ربانی گلپایگانی، علی، محاضرات فی الالهیات، قم، مؤسسه نشر اسلامی، چاپ ۵، ۱۴۱۷ق.

۲۳.زیبایی نژاد، محمدرضا، مسیحیت شناسی مقایسه ای، تهران، سروش، انتشارات صدا و سیما، ۱۳۸۲ش.

۲۴.سبحانی، جعفر، سیمای عقاید شیعه، ترجمه کتاب دلیل المرشدین الی الحق المبین، جواد محدثی، قم، نشر مشعر، ۱۳۸۸ش.

۲۵.سعدی، حسین علی، «نجات بخشی تطبیقی (اسلامی- مسیحی)»، فصلنامه علمی- تخصصی انتظار موعود، ش۴، قم، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود، تابستان۱۳۸۱ش.

۲۶.سلیمانی ادرشانی، عبدالرحیم، در آمدی بر الهیات تطبیقی اسلام و مسیحیت، کتاب طه، ۱۳۸۲ش.

۲۷.سلیمانی، عبدالرحمان، درسنامه ادیان ابراهیمی، قم، کتاب طه، تهیه شده در انجمن علمی ادیان و مذاهب، ۱۳۸۶ش.

۲۸.شاکری، روح الله، منجی در ادیان، قم، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود، ۱۳۸۸ش.

۲۹.شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ترجمه منصور پهلوان، قم، دار الحدیث، ۱۳۸۰ش.

۳۰.صادق نیا، محراب، گونه شناسی نجات در نشست دینی موعود، فصل نامه علمی تخصصی مشرق موعود، قم، پژوهشکده مهدویت، سال اول، شماره اول، بهار ۱۳۸۶ش.

۳۱.صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، قم، مؤسسه نشر السیده المعصومه، ۱۴۱۹ق.

ص:۲۶۱

۳۲.طبرسی، فضل بن حسن، ترجمه مجمع البیان فی تفسیر القرآن، مترجمان، قرن پانزدهم، انتشارات فراهانی، تهران، ۱۳۶۰ ش.

۳۳.طبرسی، اعلام الوری بأعلام الهدی، چ سوم، تهران، اسلامیه، ۱۳۹۰ ق.

۳۴.طبسی، نجم الدین، چشم اند ازی به حکومت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۰ش.

۳۵.طبسی، محمد رضا، الشیعه و الرجعه، نجف اشرف، الآداب، ۱۳۸۵ق.

۳۶.طوسی، محمد بن الحسن، الغیبه، قم، مؤسسه معارف اسلامی، ۱۴۱۱ق.

۳۷.علامه مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحارالانوار، بیروت، انتشارات احیاء التراث العربی، ۱۴۰۴ق.

۳۸.قندوزی، سلیمان بن ابراهیم، ینابیع الموده لذوی القربی، قم، انتشارات اسوه، ۱۴۱۶ق.

۳۹.کارگر، رحیم، آینده جهان (دولت و سیاست در اندیشه مهدویت)، چ دوم، قم، بنیاد فرهنگی حضرت موعود، قم، ۱۳۸۷ش.

۴۰.کاظمی، سید مصطفی، بشارت الاسلام، نجف، بی نا، ۱۳۸۲ش.

۴۱.کامل سلیمان، یوم الخلاص (روزگار رهایی)، ترجمه علی اکبر مهدی پور، تهران، نشر آفاق، چاپ چهارم، ۱۳۸۱ش.

۴۲.کتاب مقدس، لندن، ۱۹۰۴م.

۴۳.لطیفی، رحیم، دلائل عقلی و نقلی امامت و مهدویت، قم، بنیاد حضرت مهدی موعود، چاپ دوم، ۱۳۸۷ش.

۴۴.متقی هندی، علاء الدین علی، کنز العمال، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۴۰۵ق.

۴۵.محدث جزائری، النور المبین فی قصص الانبیاء و المرسلین، قم، آیت الله مرعشی، بی تا.

ص:۲۶۲

۴۶.محسنی دایکندی، عظیم، رجعت در عصر ظهور، قم، بنیاد فرهنگی مهدی موعود عج، ۱۳۸۹ش.

۴۷.محمدی، محمد حسین، آخرالزمان در ادیان ابراهیمی، قم، بنیاد فرهنگی مهدی موعودع، ۱۳۸۹ش.

۴۸.مروزی، حافظ ابونعیم بن حماد، الفتن، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۳ق.

۴۹.مری جو ویور، درآمدی به مسیحیت، مترجم حسن قنبری، قم، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، ۱۳۸۱ش.

۵۰.مسعودی، علی بن الحسین بن علی، مروج الذهب و معادن الجوهر، بیروت، موسسه اعلمی، ۱۴۲۱ق.

۵۱.مفید، محمد بن محمد بن نعمان، الارشاد، قم، کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.

۵۲.مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، عقدالدرر (فی اخبار المنتظر)، قاهره، مکتبه عالم الفکر، ۱۳۹۹ق.

۵۳.مقری فیومی، احمد بن محمد بن علی، المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی، قم، دارالهجره، ۱۴۰۵ق.

۵۴.مکارم شیرازی، ناصر، با جمعی از همکاران، تفسیر نمونه، قم، دارالکتب الاسلامیه، چاپ سی وهشتم، ۱۳۷۹ش.

۵۵.موحدیان، عطار علی، گونه شناسی اند یشه منجی موعود در ادیان، قم، انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب، ۱۳۸۹ش.

۵۶.میشل، توماس، کلام مسیحی، ترجمه حسین توفیقی، چاپ دوم، قم، انتشارات مرکز ادیان، چ اعتماد، ۱۳۷۷.

۵۷.نظری منفرد، علی، تاریخ اسلام از تولدتا رجعت، بی جا، جلوه کمال، ۱۳۸۸ش.

۵۸.نعمانی، محمد بن ابراهیم، الغیبه، ترجمه محمد جواد هاشمی، تهران، نشر صدوق، ۱۳۷۶ش.

۵۹.هاکس، مستر جیمز، قاموس کتاب مقدس، تهران، اساطیر، ۱۳۷۷ش.

۶۰.هیئه العلمیه فی مؤسسه المعارف الاسلامیه، معجم احادیث الامام المهدی، قم، مؤسسه المعارف الاسلامیه-مسجد جمکران، چاپ دوم، ۱۴۲۸ق.

۶۱.وان وورست، رابرت ای، مسیحیت از لا-به لای متون، ترجمه جواد باغبانی و عباس رسولزاده، قم، انتشارات موسسه امام خمینی، ۱۳۸۴ش.

۶۲.یزدی حائری، علی، الزام الناصب، تهران، بی نا، ۱۳۵۱ش.

۶۳.یوسف بن فرغلی، سبط ابن الجوزی، تذکره الخواص، بی نام، بی جا، بی تا.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که مـا را در دستیـابی به این هـدف یـاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادنـد تقـدیر و تشـکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصـفهان -خیابان عبـدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شـهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹